

کلام وحی

کتاب (۲) حضرت محمدی قائم آل محمد ﷺ

آیات قرآنی درباره حضرت صاحب الامر علیہ السلام از بیان حازمان وحی علیہ السلام

تحقیق و تدوین: عبد الله علوی فاطمی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

ارائه و نشر: پژوهشگاه علوم کلام وحی بنیاد حیات اعلیٰ

وَيَهْ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٌ وَمَعِينٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ ربِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَآلِهِ الْطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْعَنَ أَبْدَالَ الْأَبْدِينَ

پژوهشگه علم کلام و حی - بنیاد حیات اعلی: چندی پیش سؤالی از برخی پژوهشگران رسید، پاسخ به این پرسش انگیزه شروع انتشار اثر مخزون و محفوظی شد؛ که مدت‌ها در بی توفیق نشر آن بودیم، ابتدا سؤال مذکور را نقل نموده، و در جوابیه آن طی صفحات آتی خواسته این طالب معرفت را نیز اجابت می نمائیم.

سؤال: الحمد لله سالم‌های بسیاری است که خداوند ما را به درگاه ولایت کبری (منه السلام) هدایت فرموده و دل ما را از انوار معارف الهی روشن نموده است، از حضرتش استمرار و افزونی آن را خواهانیم، از جمله این آموخته‌ها: برنامه تلاوت کلام و حی ویژه هر مناسبت معنی است که جزو آئین هر هنگام ولایت و برائت است، از آنجا که بالاترین امر: معرفت وجه الله دوران حضرت صاحب الأمر (منه السلام) است، لذا دوست داشتم که با آیات کلام و حی که در خصوص حضرتش نازل گردیده آشنا شوم، تا افزون بر تلاوت؛ در مطالعه و تدبیر آن نیز موفق شده، و به معرفت حضرتش بیشتر نائل گردم، از طرفی این امر در روزهای جمعه و مجالس توجه (که مرتبا برگزار می شود) نیز بسیار مورد نیاز می باشد، افزون بر اینها می توانم در قرائت نمازهای واجب و مستحب از آنها نیز بهره ببرم، همچنین برای حفظ آنها و تعلیم به فرزندان؛ و مباحثات و سخنرانیهای تدریسي و تبلیغي نیز به آنها نیاز دارم، اگر عنایت نماید و ما را با این آیات شریفه از قرآن کریم آشنا نماید؛ بسیار ممنون می شوم.

جواب:

(۱)- پیشینه تلاش پیوسته شما در راه معارف الهی و نیز پرسش بسیار گزیده و پرفائده تان؛ مقدمه فتح **ابواب معرفت مهدوی** علیهم السلام گردیده، لذا در پاسخ شما؛ گنجینه ای را می گشایم که سالها منتظر زمان مناسب گشودن و نشرش بودم.

(۲)- هر چند تلاوت کلام الله و ختم آن (چه به ترتیب عثمانی رایج و چه به ترتیب نزول) برکات بسیاری دارد، ولی در جای جای کلام خازنان و حی علیهم السلام می بینیم که: نه تنها آیات قرآن مجید توسط حضرات معصومین علیهم السلام بطور موضوعی تلاوت و تعلیم و تفسیر و توصیه گردیده، بلکه این روش؛ شرط اصلی ارتباط با معانی نورانی کتاب خداوند تلقی شده است، و این همان مفتاح ابواب معارف قرآنی و کلید گنجهای این پیام آسمانی است.

چه اینکه در این ارتباط و تلاوت خاص است که توجه به شأن نزول؛ و آگاهی به اسباب تنزیل؛ و معرفت حقایق تأویل؛ حاصل می گردد. البته بجز آنچه اشاره گردید؛ فوائد بسیار دیگری نیز بر آن مترتب است، که همگی در این نتیجه و هدف (**ارتباط با معانی قرآن کریم**) مشترکند.

(۳)- در معرفت حضرت صاحب الزمان (منه السلام) جهات و ابعاد

فراوانی مطرح بوده، که هر یک تعمق در باب خاصی از آیات کلام
و حی را می طلبد مانند:

الف: ارتباط وجه الله با اسم "الله" و آیات مشتمل بر نام مبارکه "الله".

ب: ارتباط حقیقت حضرات معصومین علیهم السلام از جمله حضرت حجه
بن الحسن العسكري (إليه التسلیم)، با معانی اسماء و صفات الهی و
آیات مربوطه به اسماء و صفات خداوند متعال.

ج: مرتبه خلیفة اللهی و آیات قرآنی نازله در این باره.

د: مرتبه ولایت الهی و آیات قرآنی مرتبط با آن.

ه: مرتبه امامت نورانی و آیات قرآنی مربوطه.

و: یکی از اهل بیت طهارت علیهم السلام بودن و آیات آن.

ز: مسؤولیت دعوت و تبلیغ معارف الهی (مأموریت مشترک میان
انبیاء و اوصیاء الهی علیهم السلام) و آیات در رابطه با آن.

(۴)- البته ابواب دیگری از آیات قرآنی نیز به معرفت حضرت امام

زمان علیهم السلام مربوط بوده، که ورود در تفصیل آن کتاب مستقلی می
طلبد، از این رو همانطور که درخواست نموده اید؛ ما در این جوابیه
به آیات شریفه مربوط به ابواب فوق نپرداخته، و تنها به آیات قرآنی
می پردازیم که: یا در خصوص حضرتش نازل گردیده، یا در تبیین

خازنان و حی علیهم السلام از آن آیات قرآنی؛ به نام حضرتش تصریح شده، و یا تنزیل آن آیات قرآنی و یا تحقق مفاد آنها به نحوی به یکی از موضوعات مربوط به حضرتش (از حیات یا غیبت یا ظهور یا عصر دولت حضرت) ارتباط دارد.

(۵)- آیات شریفه قرآنی مرتبط با حضرت امام مهدی علیه السلام به احادیث مرؤی از طریق اهل بیت علیهم السلام محدود نبوده، بلکه در احادیث همه مذاهب مسلمین مطرح شده است. ولذا ما در اینجا افزون بر کلام خازنان و حی علیهم السلام که در مجتمع حدیث شیعه ذکر شده؛ احادیث نقل شده در منابع حدیث مذاهب دیگر را نیز مدد نظر داشته ایم.

(۶)- بسیاری از آیات شریفه قرآنی به جهات متعددی مربوط بوده، و یا تحقق آن محدود به عصر نزول و حی نیست. ولذا اشتهر ارتباط آیه ای با واقعه ای؛ مانع از ارتباط آن آیه با وقایع دیگر نبوده، و ذکر آنها در یکی از ابواب؛ مانع از افاده معنی در ابواب دیگر نمی باشد.

همچنین گاهی معنای کل آیه مطابق ظاهر الفاظش بوده، ولی معانی خاصی در قطعه ای از آیه منظور بوده، که شرح این موارد رازگونه قرآن کریم تنها در بیان حضرات معصومین علیهم السلام (که گنجانان و

خازنان وحی و کلام الهی بوده اند) آمده است.

(۷)- از این رو اگر مفاد بخشی از آیه قرآن (نه بقیه آن) به موضوع حضرت امام عصر علیہ السلام مرتبط باشد؛ ما تنها همان مقطع از آیه را در این جزو از مصحف می آوریم.

افزون بر آن؛ در هر فراز قرآنی که نقل می کنیم؛ فقره مربوطه به حضرتش را نیز با رنگ متفاوتی مشخص می نمائیم.
البته ممکن است آیه یا آیات قبل یا بعد از آن نیز به موضوع مرتبط باشد؛ ولی ما نوعاً به تعیین "ورودی مطلب" بسنده می کنیم.

(۸)- به توفیق الهی و مدد حضرت وجه اللّهی: مجموعاً حدود ۶۰۰ آیه قرآنی در حدود ۴۰۰ موضع از قرآن کریم مرتبط به حضرت قائم آل محمد علیہ السلام را تحقیق و در این جزو از مصحف قرآنی جمع نموده ایم.
ترتیب ذکر آیات بر حسب ترتیب موضوعات می باشد، و برای وضوح بیشتر؛ عناوین موضوعات کلی ارتباط آیات با حضرت مهدی علیہ السلام را عنوان فصل مستقلی می دهیم، و آیات متعدده مربوط به هر موضوع را در ذیل عنوان آن فصل می آوریم، و اگر آیه ای به عناوین متعددی مرتبط می شد، به جهت توجه دادن به موضوع؛ آن آیه را ذیل هر فصل مرتبط تکرار می نمائیم، اگر دو آیه مشابه و یا مانند هم بود؛ هر دوراً ذکر می کنیم، و این را تکرار نمی دانیم.

شرح اینکه آیات مانند هم در قرآن کریم؛ تکراری نبوده و هر کدام نکته خاصی دارد) در کتابهای مربوط به علوم قرآنی بیان شده است.

(۹)- از آنجا که این مجموعه (آیات قرآنی درباره حضرت مهدی علیه السلام) بخشی از کل مصحف شریف بوده، بلکه نوعی ارائه **مصحف** بر اساس **معانی** آن است، از این رو در بخش اول (نصوص کلام وحی) تنها به ذکر متون آیات قرآنی می پردازیم، و برای اینکه پیوستگی بخش آیات قرآنی محفوظ بماند، لذا این بخش (نص مصحف) فقط و فقط حاوی آیات مبارکه قرآنی؛ و از غیر آن خالی بوده، تا همچون همه انواع جزوئی مصاحف؛ برای امر تلاوت مهیا بوده، و تلاوت آن آسان و روان باشد.

(۱۰)- وجه ارتباط مفاد فراز مربوطه (از آیه شریفه) به حضرتش را (ولو به اشاره) از کلام خازنان وحی علیه السلام استخراج نموده ایم، و برای حفظ پیوستگی بخش نص مصحف؛ در آخر هر آیه؛ نشانده‌ی نموده، و توضیحات مربوطه را در بخش **پی نوشتها** آورده ایم.

(۱۱)- بدیهی است که برای بهره مندی از آیات شریفه قرآنی؛ ابتدا باید با متن نورانی آنها آشنا شده، سپس به فهم و درایت آنها پرداخت، این امر از فراگیری تلاوت صحیح؛ و واژگان شناسی کلام وحی؛ و ترجمه مختصر حاصله از آن شروع شده، و به دریافت شرح کلام وحی از بیان

خازنان و حی علیہ السلام در تبیین این آیات شریفه منتهی می شود.

(۱۲)- در اولین بخش این جزو از مصحف شریف؛ ابتدا با ارائه موضوعی متن آیات مبارکه شروع نموده، و در بخش دوم به ارائه وجه ارتباط آیه (به صورت اشاره) پرداخته، و در بخش سوم متن آیات شریفه و متن کلام شریف خازنان و حی علیہ السلام در بیان آن آیات مبارکه را همراه با ترجمه و شرح آن می آوریم.

(۱۳)- بجاست که پس از نشر متن کامل آیات مبارکه (كتاب مهدی علیه السلام) از مصحف معانی؛ نسخه صوتی آن نیز با صدای قاریان برجسته و معتبر تدوین و ارائه شود.

(۱۴)- به توفیق الهی و مدد حضرت وجه الله: پژوهشکده کلام و حی؛ در نظر دارد تا آیات شریفه قرآنی مخصوص هر باب از موضوعات کلام الله را (برحسب اولویت نیاز و درخواست اهل ایمان) در أجزاء مستقلی تدوین و ارائه نماید، باشد که (همانند اجزاء مصاحف ترتیبی) دسترسی به معانی كتاب خداوند و بهره مندی از آن آسان گردد، امیدواریم توفیق نشر همه اجزاء این مصحف شریف (براساس ارتباط معانی) را داشته باشیم.
هو الموفق المعین آمين رب العالمين.

اختصار المصحف الشريف على معانٍ التزيل

كتاب معرفة الله - كتاب معرفة وجه الله

كتاب معرفة حبيب الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

كتاب معرفة أنبياء الله عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - كتاب معرفة أوصياء الله عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

كتاب معرفة عليٍّ ولي الله عَلَيْهِ السَّلَامُ - كتاب معرفة الأئمة حجج الله عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

كتاب معرفة المهدى القائم بأمر الله عَلَيْهِ السَّلَامُ

كتاب معرفة ملائكة الله عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

كتاب معرفة أولياء الله عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

كتاب معرفة الأضداد وأعداء الله

كتاب معرفة وحي الله - كتاب معرفة أحكام الله

كتاب معرفة الدعوة الى الله

كتاب البشارات والأنس بالله

كتاب الإنذارات والخشية من الله

كتاب المناجات والدعاء في كلام الله

كتاب معرفة الأذكار في كلام الله

كتاب علاج الحوائج بكلام الله

دعای قبل از تلاوت

حضرت إمام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَيْ مصحف شريف را بدست می گرفتند؛ (قبل از آنکه باز کنند و بخوانند) این دعا را می خوانند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهُدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَىٰ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَكِتَابُكَ (وَكَلَامُكَ) النَّاطِقُ عَلَىٰ لِسَانِ رَسُولِكَ وَفِيهِ حُكْمُكَ وَشَرَائِعُ دِينِكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَىٰ نَبِيِّكَ وَجَعَلْتُهُ عَهْدًا هَادِيًّا مِنْكَ إِلَىٰ خَلْقِكَ وَحَبْلًا مُتَصِّلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ *

سپس مصحف را باز می نمودند و قبل از شروع تلاوت قرآن، این دعا را می خوانند:

اللَّهُمَّ إِنِّي نَسَرَّتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ اللَّهُمَّ فَاجْعُلْ نَظَرِي فِيهِ عِبَادَةً وَقِرَاءَةً فِيهِ تَفْكِرًا وَفِكْرِي فِيهِ اعْتِبَارًا وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَظُ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَاجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ وَلَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَاءَتِي كِتَابَكَ عَلَىٰ قَلْبِي وَلَا عَلَىٰ سَمْعِي وَلَا تَجْعَلْ عَلَىٰ بَصَرِي غِشاوةً وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَةً قِرَاءَةً لَا تَدْبُرْ فِيهَا بَلْ اجْعَلْنِي أَتَدْبُرْ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ نَظَرِي فِيهِ عَفْلَةً وَلَا قِرَاءَتِي هَذْرًا إِنَّكَ أَنْتَ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

اختيار المصحف الشريف على معاني التنزيل

القرآن الكريم

كتاب

مولانا الإمام المهدي قائم آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

محمد بن الحسن العسكري عَلَيْهِ السَّلَامُ

(منه السلام
وإليه التسليم)
صاحب الأمر والعصر والزمان

سر آغاز تلاوت قرآنی در باره حضرت پیغمبر اسلام علیہ السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصَّرَاطَ
الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا
الضَّالُّينَ *

¹ **سوره الفاتحة:** فاتحة الكتاب ألم الكتاب (گشاینده و اساس کتاب الهی) بوده و حاوی همه حقایق قرآنی است از جمله آنها موضوعات مرتبط به حضرت قائم علیه السلام که در بیش از سیصد موضع از قرآن کریم و حدود پانصد آیه قرآنی آمده است.

سوره الفاتحة-۱: بسم الله الرحمن الرحيم: بسمة نیز حاوی همه حقایق فاتحة الكتاب است از جمله: موضوعات مرتبط به حضرت قائم علیه السلام که در بیش از صدھا موضع از قرآن کریم یاد شده است. / همانطور که بسمة آغاز کلام و حی است، حضرات علیهم السلام نیز سرآغاز کتاب ایجاد و آفرینش هستند، و اولين آفریده خداوند؛ نور محمد وآل محمد علیهم السلام (از جمله شان حضرت قائم علیه السلام) است. **الله:** ارتباط وجه الله با اسم "الله" معلوم است، آنچه از "الله" می نماید و وجه "الله" است، و وجه الله نیست جز نمایی از حق. **الرحمن:** لطف عام امام علیه السلام به همه هستی و عنایت عامه امام زمان علیه السلام به همه خلائق، (اهل بیت الرحمه علیهم السلام، بهم رزق الوری ...). **الرحيم:** عنایت خاصة به اهل ایمان و یقین، ازین روست عنایات مخصوص امام زمان علیه السلام به شیعیان و موالیان.

سوره الفاتحة-۲: رب: اسم "رب" و امام عصر علیه السلام (رب الأرض إمام الأرض)، **رب العالمين:** اداره عالم بوسیله امام علیه السلام و تدبیر عوالم هستی بدست اوست.

سورة الفاتحة - ۳: الرّحمن: لطف عام امام علیہ السلام به همه هستی و عنایت عامه امام زمان علیہ السلام به همه خلائق، (اهل بیت الرّحمة علیہ السلام، بهم رزق الوری ...) **الرّحیم**: عنایت خاصه به اهل ایمان و یقین، ازین روست عنایات مخصوص امام زمان علیہ السلام به شیعیان و موالیان.

سورة الفاتحة - ۴: یوم الدّین: اشاره به قیامت کبری و قیامت صغری (ظهور و رجعت)، **مالك یوم الدّین**: در قیامت صغری و کبری، امام علیہ السلام اختیاردار است. و در قیامت صغری (ظهور و رجعت)، که مالک و حاکم و اختیاردار این روز حضرت قائم علیہ السلام است.

سورة الفاتحة - ۵: ایاک نعبد: عبادت تنها خدای را سزد، و عبودیت و تسلیم و اطاعت تنها حضرت صاحب الأمر علیہ السلام را سزد. **ایاک نستعن**: تنها از خداوندی می توان یاری جسته، ولذا در این زمان باید به صاحب الأمر علیہ السلام رجوع و در همه امور از او استعانت جست، توسل به حضرت مهدی علیہ السلام و مدد جویی از حضرتش به دلیل خلیفة الله اوست. **ایاک نعبد و ایاک نستعن**: همانطور که عبادت تنها حق را سزد و از او در همه امور باید یاری جست، پیروی نیز تنها امام علیہ السلام را سزد و در امور تنها به او باید توسل جست.

سورة الفاتحة - ۶: اهدا: هدایت از اوست که مهدی علیہ السلام است، و هدایت همان معرفت امام عصر علیہ السلام است. **الصراط المستقیم**: شاهراه راست (إِنَّهُ النَّبِيُّ عَلِيٌّ اللَّهُ وَالْأَئمَّةُ الْقَائِمُونُ مَقَامَهُ علیہ السلام)؛ معرفت پیامبر و امامان علیہم السلام متصدیان مقام او؛ و امروز امام عصر علیہ السلام است، بلکه خود حضرات معصومین علیہم السلام حقیقت صراط مستقیم هستند. **الذین انعمت عليهم**: حضرات معصومین علیہم السلام که خاتمان حضرت قائم علیہ السلام است. **صراط الذین انعمت عليهم**: (یعنی حَمْدًا و ذریته علیہ السلام) راه معصومین علیہم السلام از جمله حضرت مهدی علیہ السلام است. بلکه خود حضرات معصومین علیہم السلام حقیقت "صراط الذين انعمت عليهم" هستند.

سورة الفاتحة - ۷: غير المغضوب عليهم ولا الضالّين: نفي و برائت و بیزاری از ناصبیان و دشمنان مولا صاحب الأمر علیہ السلام و گمراهان و جاهلان به معرفتش = با تبری از دشمنان و منکران و جاهلان (به معرفت امام زمان علیہ السلام) هدایت استوار می گردد.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسَعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرُ بِالظَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرُوهَ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
 اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكُمُ الظَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ

² سورة البقرة: آية الكرسي: آية الكرسي: آية شريفه توصيف اسم "الله" است، وبطورة خاص این وصف الله يعني "الحي القيوم" می باشد. **الحي القيوم**: مظهر بلکه نمایانگر این دو اسم الهی، کسی است که حیات و قوام عالم به اوست. **الحي**: آینه تمام نمای این اسم "وجه الله زمان" است، زنده بودن جهان بخاطر پریوبدن از حیات و جلوه اسم "الحي" است (فبهم ملات ارضک وسمائلک)، و این دلیل جاودانگی حضرات علیهم السلام است. همچنان که در آغاز آفرینش؛ بودن و هست شدن هستی؛ به این حضرات علیهم السلام بوده، امروزه هم؛ بودن هستی به حضرت مهدی علیه السلام؛ واستمرار حیات به اوست، و طول عمر ظاهري حضرتش نشانه مضاعفي بر نماد و مظهر حیات بودن اوست. **القيوم**: (لولا الحجۃ لساخت الأرض بأهلها) به مانند آغاز آفرینش؛ همواره برپادارنده هستی بوده و هستند، از این روست که امروزه حضرتش "القائم بأمر الله" علیه السلام، بلکه برپادارنده اسم و شأن "الله" در عالم وجود است. **ادامه آیه** با معرفت صدر آن قابل تطبیق و تشخیص است.

اللَّهُ نُورٌ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثُلُ نُورٍ كَمِشَكَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ
 الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةِ الرُّجَاجَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرْرِيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةِ
 مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْلَمْ تَمْسَسْهُ
 نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ
 وَاللَّهُ يَعْلَمُ كُلَّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ
 يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَبْغِعُ عَنْ
 ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيَّاتِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ
 فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدُهُمْ مِنْ
 فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ *

سوره النور - ۳۵ ^۳

آية النور: آیه نور درباره اهل بیت (از جمله قائم علیهم السلام) نازل شده است.

یَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ: مقصود از این فقره حضرت مهدی علیه السلام.

برای ارتباط آیه نور با حضرت قائم علیهم السلام همین بس که: این آیه مبارکه (نور) ختم مجرّب برای تشرف به زیارت حضرتش می باشد.

بیوت: مقصود از آن، خانه های خاندان نبوت علیهم السلام یعنی اهل بیت و معصومین علیهم السلام و از جمله شان حضرت مهدی علیه السلام است.

رجال لاتلهیهم... بخافون... لیجزیهم الله... و بزيدهم: همه درباره حضرات ائمه علیهم السلام و از جمله حضرت قائم علیهم السلام است.

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ
 وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا
 وَأَطَعْنَا عُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسِعَهَا
 لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا
 رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا
 تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا
 فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ *

⁴ سوره البقره ۲۸۶-۲۸۵: المؤمنون: يعني حضرات أئمه و از جمله شان حضرت محمد بن الحسن العسكري عليه السلام است.

در فضیلت و برکات مداومت این آیات؛ احادیث شریفه بسیاری در کلام خازنان و حجی عليه السلام آمده است، از جمله آنها این کلام نبوی عليه السلام است که فرموده: (خداآند این دو آیه را از گنج خود که در زیر عرش است به من عطا فرمود، پس آنرا به زنها و فرزندانشان نیز بیاموزید که هم نماز است و هم قرآن است و هم دعاء). و نیز فرموده: (خواندن آن در هر شب شخص را از شر شیاطین جن و انس مصون می دارد).

* این چهار مقطع قرآنی (سوره حمد، آیت الكرسي، آیه نور، خاتمه سوره بقره) را در فصلی به نام (سرآغاز تلاوت قرآنی درباره حضرت بقیة الله) مستقلآ اوردیم تا برای مداومت تلاوت آنها و بهره مندی از برکاتش؛ معلوم و آشکار باشد.

معرفت به ساحت حضرت وجه الله عليه السلام

يُؤْتَى الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا
وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ *

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَهِّبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُظْهِرُكُمْ
تَطْهِيرًا *

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدٍ وَهَاجَرُوا وَجَاهُدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ
مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِعَضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلَيْمٌ *

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ *

^٥ سورة البقرة: ٢٦٩: الحكمة: (همان حكمت) که مقصود معرفت مهدی عليه السلام است.

^٦ سورة الأحزاب: ٣٣: أهل البيت: (سزاوارهمان خانه) آید در شان طهارت الهیه حضرات اهل بیت عليهما السلام نازل شده است و ائمه از جمله مهدی عليهما السلام جزو ایشان هستند.

^٧ سورة الأنفال: ٧٥: أولو الأرحام: حضرات معصومین عليهما السلام هستند که اولشان حضرت رسول الله عليه السلام و آخرشان حضرت مهدی عليه السلام است.

^٨ سورة الزخرف: ٤٨: كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ: امامت آن کلمة باقیة (ماندگار) است که خداوند در صلب امام حسین عليه السلام قرار داده و به حضرت قائم عليه السلام منتهی می شود.

وَتَقْلِبَ فِي السَّاجِدِينَ *

وَمَنْ يُطِعَ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ
الَّتِيْنَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشَّهَادَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسْنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا * ذَلِكَ
الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيْمًا *

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلَيْهَا *

سُنَّةً مِنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنْنَتِنَا تَحْوِيلًا *

^٩ سورة الشعراء: ٢١٩: **تقلبك في الساجدين:** جاچجایی رسول الله ﷺ و اهل بیت و ائمه معصومین علیهم السلام (از جمله حضرت مهدی علیه السلام) در اصلاح انبیاء و اوصیاء الهی علیهم السلام، که حضرت قائم علیهم السلام بیشتر از بقیه حضرات این شرافت را نائل هستند.

^{١٠} سورة النساء: ٧٠-٦٩: **وحسن اولنك رفيقا:** آیه در شأن قائم آل محمد علیهم السلام است، و رفیق و همراه بودن حضرت مهدی علیهم السلام با انبیاء و صدیقین و شهداء علیهم السلام گذشتہ؛ بخاطر رجعت ایشان در عصر اوست. هر چند حضرتش خود از زمره "الذین انعم الله عليهم" نیز می باشد.

^{١١} سورة مریم علیهم السلام: ٥٠: **لسان صدق علی:** (لسان صدق = زبان راستگو) حضرت علی علیهم السلام است، که خبر داد قائم آل محمد علیهم السلام یازدهمین از فرزندانش است، و زمین را از عدل و داد پر می کند.

^{١٢} سورة الإسراء: ٧٧: **سُنَّةً مِنْ قَدْ أَرْسَلْنَا:** سنت الهی درباره همه انبیاء مرسلین علیهم السلام اقامه اوصیاء علیهم السلام بوده، و حضرت ختیی مرتبت علیهم السلام نیز اقامه اوصیاء علیهم السلام نمودند و خاتمانش حضرت مهدی علیهم السلام است.

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُونَا وَإِذَا خَاطَبُهُمْ
 الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا * وَالَّذِينَ يَبِيُّونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا * وَالَّذِينَ
 يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا * إِنَّهَا
 سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَاماً * وَالَّذِينَ إِذَا أَنْقَفُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ
 بَيْنَ ذَلِكَ قَواماً * وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفَسَ
 الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحُقْقِ وَلَا يَزُنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَاماً *
 يُضَاعِفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَاجِنًا * إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ
 وَعَمِلَ عَمَلاً صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ
 غَفُورًا رَّحِيمًا * وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا
 وَالَّذِينَ لَا يَشْهُدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُوا بِاللَّغْوِ مَرُوا كِرَاماً * وَالَّذِينَ إِذَا
 ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمَيَّانًا * وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا
 هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرَيَّاتِنَا قُرْةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً * أُولَئِكَ
 يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا * خَالِدِينَ فِيهَا

حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَاماً¹³

سوره الفرقان ۶۲-۷۶: عِبَادُ الرَّحْمَنِ: اين آيه معرفی اوصیاء و اولیاء الهی مایلیله است که در امر ظهور یاور قائم مایلیله باشند، (لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً) آنانکه برای متین امام می باشند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمُ خَيْرُ الْبَرِّيَةِ *

جَزَاوْهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا

أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبُّهُ *¹⁴

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرَّسُولِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ

وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ *

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمْ أُنْيَى عَشَرَ نَبِيًّا

وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقْمَتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي

وَعَزَّزْتُمُوهُمْ وَأَفْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَا كَفَرَنَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتُكُمْ

وَلَا دُخِلَّنَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ

مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلُ *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ *

١٤ سورة البينة ٨-٧: **خير البرية**: يعني أئمة عليهم السلام وآخرين شان منتظري ثانى عشر على^{عليهم السلام} است.

١٥ سورة فصلت ٤٣: **ما يقال لك**: وحي الهي است که از جمله آنها: اقامه او صيام عليهم السلام وآخرين شان مهدي عليهم السلام است؛ که زمين را از عدالت پر می کند.

١٦ سورة المائدة ١٢: **أُنْيَى عَشَرَ نَبِيًّا**: هر امتی پیامبری و هر پیامبری ١٢ نقیب دارد، و امت اسلام پیامبرشان حضرت محمد عليه السلام، و نقیاء وی ائمه اثنا عشر عليهم السلام، که آخرين شان حضرت مهدي عليهم السلام است.

١٧ سورة البروج ١: **البروج**: مراد از آنها ١٢ امام عليهم السلام هستند که دوازده مینشان حضرت مهدي عليهم السلام است.

وَالَّذِينَ اهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوًا هُمْ^{۱۸} * 

إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّيْٰ وَالَّذِينَ آمَنُوا^{۱۹} * 

وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ^{۲۰} * 

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ^{۲۱} * 

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ^{۲۲} * 

^{۱۸} سورة محمد ﷺ: والذين اهتدوا: آنانکه به ولاية علی علیهم السلام هدایت یافتد؛ خداوند هدایتشان را افزود و معرفت ائمه علیهم السلام پس از وی و حضرت قائم علیهم السلام را نصیشان فرمود.

^{۱۹} سورة آل عمران علیهم السلام: أَوَّلَ النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ: سزاوارترین مردم به خلیل الله علیهم السلام حضرت مهدی علیهم السلام است، و این صریح بیان حضرتش در خطبه کنار کعبه در آغاز ظهور است (فأَنَا أَوَّلُ النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ).

^{۲۰} سورة الصافات: مِنْ شِيعَتِه: حضرت ابراهیم علیهم السلام از شیعیان علیهم السلام است، و این بعد از آن بود که در مکاشفه آسمانی نور مولاعی و معصومین و مهدی علیهم السلام را دید و از حقتعالی خواست که او را از شیعیان علیهم السلام قرار دهد.

^{۲۱} سورة المدثر: نَذِيرًا لِلْبَشَرِ: تحقق انذار (به تمام معنی) برای تمام بشریت در عهد مهدی علیهم السلام (ظهور و رجعت) رخ می دهد، و این مرتبه انذار (برای همه بشریت) توسط حضرت پیامبر ﷺ نیز در رجعت بعد ظهور مهدی علیهم السلام رخ می دهد.

^{۲۲} سورة الرعد: لَكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ: برای مردم هر زمان هدایتگری است که منظور ائمه علیهم السلام هستند، و هادی مردم این زمان حضرت مهدی علیهم السلام است.

۲۳ اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوْهُ عَلَى وَجْهِهِ أَيِّ يَأْتِ بَصِيرًا وَأَتُونِي

بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ *

۲۴ فَتَلَقَّى آدُم مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ *

۲۵ وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا *

۲۶ وَإِذَا بُتَّلَ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ

لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرْيَتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ *

۲۳ سوره یوسف علیہ السلام: قمیصی: پیراهن (بیناسان) حضرت یوسف علیہ السلام نزد حضرت امام مهدی علیہ السلام است، و این همان پیراهن بهشتی ابراهیم خلیل الله علیہ السلام است. این یکی از تعداد بسیار مواريث انبیاء و اوصیاء الهی علیهم السلام بوده که به حضراش رسیده و نزد اوست.

۲۴ سوره البقرة: کلمات: آن کلماتی که خداوند بخاطر آن توبه آدم علیہ السلام را پذیرفت؛ آسماء حضرات معصومین (از جمله نام مهدی) علیهم السلام بود.

۲۵ سوره طاه علیہ السلام: عاهدنا إلی آدم: از آنچه خداوند با آدم علیہ السلام عهد نمود موضوع حضرت قائم علیہ السلام بود.

* طبق کلام وحی و بیان خازنان وحی علیهم السلام: جناب آدم علیہ السلام حداقل سه بار با امر معرفت حضرت مهدی علیہ السلام ارتباط خاص برقرار نموده است: ۱- در ابتدای زندگی و واقعه سجده ملائکه. ۲- در واقعه عهد الهی با جناب آدم. ۳- در واقعه پذیرفتن توبه آدم.

۲۶ سوره البقرة: فاتمهن: آن "کلمات" همانا آسماء حضرات معصومین علیهم السلام می باشد، که وقتی حضرت خلیل الله علیہ السلام آنها را تماماً یاد نمود با ذکر حضرت قائم علیہ السلام، آنوقت از جانب حق به مرتبه امامت مفتح شد.

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالثُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ

٢٧ * خَبِيرٌ

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرْبَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرْبًا ظَاهِرًا وَقَدْرًا

فِيهَا السَّيْرُ سِيرًا فِيهَا لَيَالٍ وَأَيَّامًا آمِنِينَ

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ

٢٧ سوره التغابن: **الثُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا:** مقصود از آن نور نازل از حضرت قدسیه الهیه؛ همانا امامت و وصایت است که خداوند در مولاعی علیہ السلام قرار داده، و میان ائمه علیہ السلام منتقل، و منتهی به حضرت قائم علیہ السلام و امروزه از کالبد او متجلی است.

٢٨ سوره سباء: **الْقُرْبَى الَّتِي بَارَكْنَا:** در توقيع حضرت مهدی علیہ السلام آمده است: نحن والله القرى التي بارک الله فيها (مائیم بخدا قسم همان قریه های مبارکه الهی).

٢٩ سوره الحجر: **سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي:** خداوند در این آیه به پیامبر ﷺ می فرماید ما به تو سبع المثاني يا هفت تا دوتائي و قرآن عظيم را عطا كردیم.
السبع المثاني: در ظاهر سوره حمد و فاتحة الكتاب است (خلاصه قرآن و جمیع معارف الهی كتاب خداوند) که هفت آیه است و در هر نماز حداقل دوبار تلاوت می شود، و قبل ارتباط و پیوند فاتحة الكتاب با حضرت قائم علیہ السلام بطور اشاره تبیین شد،

السبع المثاني (سبعا من المثاني = سبع مثنی = هفت تا دوتا که می شود چهارده تا)؛ در باطن مقام نبوت + فاطمة علیہ السلام و ائمه إثنا عشر علیہم السلام، و حضرت قائم علیہ السلام از سبع المثاني و دوتائي هفتم است (من المثاني السابع) ولذا فرمود: او هفتمین از هفت دوتائي است. (القائم علیہ السلام من السبع المثاني وهو سبع المثاني السابع) اوست، که مثاني سبع را هفتمین است، يعني تمامیت و هفت شدن سبع المثاني به وجود اوست.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيهِمُ الْمَلَائِكَةُ أُوْيَاتِيَ رَبُّكَ أُوْيَاتِيَ بَعْضٌ

آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ

عَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أُوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلْ انتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ *³⁰

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيِّرِي كُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرُفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا

تَعْمَلُونَ *

فَالَّوَأْنَ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أُوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ *³¹

نکته: در هر موضوع وقتی چیزهایی جایگاه اساسی و کلیدی داشته، و نشود تعبیر جامعی برای آن در یک کلمه آورده؛ آنها را با نشان عدد پاد می کنند، اینکه در امر نبوت و رسالت الهی؛ و بویژه مرتبه ختمیت و اصطفاء؛ و تمام شؤون حضرت محمد رسول الله ﷺ چه اموری کلیدی و اساسی است؛ از مخیله درک بشر عادی فراتراست، آنچه به برکت هدایت کلام وحی و بیان خازنان وحی ﷺ می دانیم آنست که در این موضوع "سع المثابی" اساس و محور است، که خداوند ارزش و اهمیت آنرا به حضرتش به نحو خاص یاد آوری فرموده است.

³⁰ سورة الأنعام: بعض آياتِ رَبِّكَ: نشانه های پروردگار حضرات ائمه ﷺ هستند.

در کلام خازنان وحی ﷺ آمده که: "الآلية المنتظرة (نشانه مورد انتظار) حضرت قائم ﷺ است.

³¹ سورة النمل: آياته: آیات و نشانه های الهی مقصود در این فراز شریف قرآنی؛ حضرات ائمه ﷺ (از جمله حضرت مهدی ﷺ) هستند.

³² سورة هود: ٨٠: قوَّة: (نیرو) مقصود از آن حضرت قائم ﷺ است که "قوَّة اللَّه" و آینه تمام نمای "نیروی الهی" است، آنچنان که انبیای الهی ﷺ در شدائد آرزوی آنرا می نمودند.

فَلَمَّا أَحْسُوا بِأْسًا إِذَا هُم مِنْهَا يَرْكُضُونَ * ٣٣



وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنِ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ

قَدِيرًا * ٣٤

وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ * ٣٥



^{٣٣} سورة الأنبياء ﴿١٦﴾: **بَأْسًا:** مقصود ظهور حضرت قائم عاشتراست.

در زبان کلام وحی "بَأْس" به معنی "نگرانی و سختی آور" می باشد.

خداآوند می فرماید: وقتی دشمنان انسانیت و ظالمان به بشریت (که نمی خواهند از شرارت و جنایت دست بردارند) حضور بأس ما (بأس الله) را حس می کنند؛ می بینی که چطور آنها از روی ترس از او گریخته و می دونند.

در واقعی ظهور بیان شده که: اینها از پذیرش حضرت ابا و انکار داشته، و از بس برخورد حضرتش را با این دسته شدید می بینند، مواضع خود در اطراف زمین را رها کرده و به سرزمین روم (که در آنوقت مرکز شرارت و پناهگاه اشرار شده) فرار کرده و در آنجا سنگر می گیرند.

بنابراین از ویژگی حضرتش: (بأس الله) بودن است.

^{٣٤} سورة الفرقان ﴿٤٥﴾: **وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا:** (توانایی پروردگار) مقصود حضرت قائم عاشترا در آخر الزمان و زمان ظهور است، که مظہر قدرت نمایی کامله خداوند می باشد، آنچنانکه همه؛ حتی منکران و کافران هم به قدرت الهی معترف می شوند.

^{٣٥} سورة العنكبوت ﴿١٠﴾: **نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ:** در این آیه مقصود از "نصر رب" (پیروزی پروردگار) حضرت قائم عاشترا است، و در حقیقت پیروزی و نصرت کامله الهی با وجود و بروز و ظهور حضرتش رخ می دهد.

وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ ^{٣٦}*



وَمَنْ قُتِلَ مَظْلومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَالِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ

إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ^{٣٧}*



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمُ الْأُمْرُ

مِنْكُمْ ^{٣٨}*

^{٣٦} سورة الروم : نصر الله: (پیروزی خداوند) در این آیه مقصود از آن حضرت قائم علیہ السلام است، و در حقیقت پیروزی و نصرت کامله الهی، با وجود و بروز و ظهور و غله ظاهري حضرتش بر جهان رخ داده و آشکار می گردد.

^{٣٧} سورة الإسراء : لولیه سلطانا: حضرت قائم علیہ السلام است که "ولي" دم امام حسین علیہ السلام بوده و به سلطنت الهی می رسد.

منصوراً: (پیروزمند) از اوصاف دیگر حضرتش می باشد، قبله دو آیه در باب نصرت الهی بودن حضرتش بیان شد، و بدیهی است آنکه مظہر نصرت کامله حق بلکه حقیقت نصرت الهی است منصور و پیروزمند هم باشد..

^{٣٨} سورة النساء : اولی الامر: (صاحب و متولی امر الهی) حضرات ائمه علیہما السلام هستند، و آخرینشان در این زمان؛ ولی امر جهان هستی؛ حضرت صاحب الأمر محمد المهدي علیہ السلام است، که زمین به او فتح می شود، وقتی حضرتش دارای مرتبه امراللهی بلکه مظہر امرالله بوده، و آیه مشیت (وماتشاؤون..) در شاذشان نازل شده، اولی الامر و متولی امور بودن (که مثالی از آنست) امری بدیهی است، اولی الامری حضرتش؛ افزون بر تولیت تکوینی جهان؛ و سرپرستی دینی و شرعی (از شریعت و امت) بعد پیامبر علیہ السلام شامل تصدی امور اداره عالم از نظر ظاهري و رسمي هم می شود که پس از قیام حضرتش رخ می دهد.

أَفَمِنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا اللَّهَ شُرَكَاءَ فُلْ سَمُوْهُمْ أَمْ تُبَيِّنُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ إِظَاهِرِ مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زُينَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادِ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ اللَّهِ

مِنْ وَاقٍِ³⁹

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيْمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ⁴⁰

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيْمَةِ⁴¹

³⁹ سورة الرعد : ٣٣ : **قَائِمٌ**: قائم آل محمد ﷺ قائمیتش را از اسم القائم خداوند گرفته که در این آیه آمده، همچنانکه خداوند اشرف بر همه احوال خلق دارد؛ همچنین مظهو و اسم او (یعنی حضرت قائم علیہ السلام) هم همین احاطه و اشرف را داراست، البته واضح است که قائم (تعالی شانه) اجل از قائم علیہ السلام ظاهر در میان خلق است (که به لباس جسم و عوارض آن آمده) و قائم بین الخلق جلوه ای از اوست.

⁴⁰ سورة التوبة : ٣٦ : **اثنا عشر شهراً**: منظور دوازده امام علیہ السلام است، که آخرینشان حضرت مهدی علیہ السلام و این همان دین قیم (قائم) است. **الدِّينُ الْقَيْمُ**: دین حضرت قائم علیہ السلام است.

⁴¹ سورة البينة : ٥ : **دِينُ الْقَيْمَةِ**: قال الصادق علیہ السلام : إنما هو ذلك دين القائم علیہ السلام همانا آن دین حضرت قائم علیہ السلام است.

قُلْ إِنَّمَا هَدَنِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةً إِبْرَاهِيمَ

حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * ٤٢

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا

تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيْمُ * ٤٣

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ الْقَيْمُ * ٤٤

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ * هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

بِالْغَيْبِ * ٤٥

سورة الأنعام: دينًا قيمًا: يعني دين حضرت قائم عليهما است. از آنجا که حضرتش خاتم اوصیای خاتم انبیاء الهی عليهما السلام است؛ و حامل همه معارف و اسرار علوم ایشان؛ پس دینی که به جهان در وقت ظهر معرفی می کند (ارزشمندترین) صحیح ترین و کاملترین نسخه دین الهی است.

سورة الروم: الدين القييم: منظور دین حضرت قائم عليهما است. از آنجا که حضرتش در وقت غلبه دین حقیقی بر همه ادیان؛ آنرا مطرح می نماید؛ پس هیچ محدودیتی در معرفی آن نبوده؛ و دین الهی همچنان که هست بدون ملاحظه انکار و یا محدودیتی اظهار و بیان می شود. ولذاست که این نسخه دین الهی بر اساس فطرت الهی است.

سورة الروم: للدين القييم: مقصود دین حضرت قائم عليهما است. و این نسخه جامع و مشرح و بی محدودیت دین الهی است که خداوند حتی خاتم الانبیاء عليهما السلام را مأمور به پیروی از آن می فرماید.

سورة البقرة: الغیب: (همان غیب و پوشیده) این کلمه از اوصاف و نشانه های خاص حضرت مهدی عليهما السلام است و در این آیه هم به همین مقصود بکار برده شده است. این

فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ * ٤٦

 عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ

 رَسُولٍ قَائِمٌ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا * ٤٧

 أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ
بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ

لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ * ٤٨

اهمیت "الغیب بودن" حضرت و ارزش آعتماد به آن را می ساند، کتاب خداوند و کلام و حی
قرآن کریم که در او هیچ ریب و شایبه ای نیست؛ هدایت است برای متقیان که ایمان همان
وجود غیب و پنهان یعنی حضرت قائم علیہ السلام دارند، و این یعنی تنها اینان از این کتاب بهره می
برند.

 سورة یونس: ٤٠: الغیب: (همان پنهان و مستور) امام قائم و غائب و پوشیده و مستور علیہ السلام،
نسبت دادن الغیب به الله، حاکی از الهی بودن غیبت و نیز ارتباط وجودی حضرتش با حق
تعالی، و اینکه او هم غیب و پنهان است، و هم هر جا حاضر است، غائب منقطع نیست
غائب شاهد و حاضر است.

 سورة الجن: ٢٦-٢٧: الا من ارتضى من رسول: معصومین علیہما السلام (از جمله: مهدی علیہ السلام) است.
من بین یدیه و من خلفه: اخبار گذشته و آینده: ظهور و دولت قائم علیہ السلام و رجعت و قیامت.

 سورة الحج: ٦٥: وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ: حضرت رسول الله علیہ السلام نام حضرات
ائمه علیہم السلام (از جمله حضرت قائم علیہ السلام) را برده سپس فرمودند: بهم یمسک الله السماء أَنْ تقع
على الأرض (بدیشان خداوند آسمان را بریا نگه می دارد تا اینکه بر زمین فرونویزد).

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَرُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ

أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا^{٤٩}*

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * حَمْ * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ^{٥٠}*

مفاد این آیه و لازمه این مرتبه الهی؛ اشارتی نیز به مفهوم و صفت قائم (بریادرندۀ عوالم هستی) برای حضرتش و ائمه سابقین علیهم السلام دارد.

^{٤٩} سورة فاطر ۱۴: يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَرُولَا: خداوند بوسیله وجه الله در هر عصر (قائم علیهم السلام در آن زمان) آسمانها و زمین را برقرار می دارد که اگر ببرهم ندارد چیزی باقی نمی ماند.

^{٥٠} سورة الدخان ۱-۴: فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ: درباره ليلة القدر وعرضه شدن امور، از حق تعالی به رسول الله علیهم السلام وسپس به حضرت مولا علی علیهم السلام و همینطور به بقیه ائمه علیهم السلام تا به نظر حضرت قائم علیهم السلام برسد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا
 أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفٍ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ
 الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْذِنُ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ
 الْفَجْرِ * ^{٥١}

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْمًا حَكِيمًا *
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ
 وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ * ^{٥٢}

^{٥١} سورة القدر ٤-٥: تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْذِنُ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ: درباره ليلة القدر و نزول روح القدس و ملائكة بر حضرت مهدي عليه السلام می باشد. که مقدرات امور را که مکتوب گردیده از جانب حق آورده و بر حضرتش عرضه می کنند. حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ: یعنی این امر (عرضه مقدرات و نزول ملائكة و روح القدس تا وقت قیام حضرت قائم عليه السلام) ادامه دارد..

^{٥٢} سورة الإنسان ٣٠: وَمَا تَشَاءُونَ: حضرت مهدي عليه السلام فرمودند: دلهای ما (ائمه ما) ظروف مشیت الهی است، و این ارتباط مشیت طرفینی است، خداوند مشیتی نمی فرماید مگر از ظرف مشیت الهی (قلوب حضرات)، و حضرات نیز خواسته و اراده ای جز مشیت الهی ندارند.

^{٥٣} سورة النحل ١: اَمْرُ اللَّهِ: مقصود حضرت قائم عليه السلام است و این توصیف به مرتبه امراللهی حضرتش بلکه ظهور امر الله به وجود حضرتش اشارت دارد.

٥٤ **بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** *

٥٥ **أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسَرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ**

٥٦ **لِمَنِ السَّاخِرِينَ** *

٥٧ **وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَإِنَّمَا تُولُوا فَتَّمَ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلَيْهِ**

٥٤ سورة هود **بَقِيَّةُ اللَّهِ**: مقصود از آن حضرت قائم مهدی عَلَيْهِ الْكَفَلَةُ است، و در نحوه سلام به حضرت نیز توصیه به این خطاب شده است (السلام عليك يا بقیة الله)، ابعاد مفهومی این توصیف عظیم می باشد، و به اشاره اینکه: حضرتش مظہر و جلوه بقاء و دوام الهی است، و خداوند به وجود مهدی قائم عَلَيْهِ الْكَفَلَةُ بقاء و دوام خود را در میان خلائق از صورت و دولت به نمایش گذارده است، هم دوام و بقاء را نصیب کالبدش فرموده؛ با اینکه اقتضای طبیعی کالبدهای زمینی زوال است، و هم دولت مهدی را سرآغاز دولت باقی حق قرار می دهد با اینکه اقتضای معمول همه دولتهای دنیوی زوال و ناپایداری است.

٥٥ سورة الزمر **جَنْبُ اللَّهِ**: یعنی أوصياء لِمَنِ السَّاخِرِينَ در زمانشان، و حضرت قائم عَلَيْهِ الْكَفَلَةُ در زمان ما. ابعاد مفهومی این توصیف بسیار عظیم می باشد، آنچنان حضرات و نیز حضرتش جلوه محض خداوندند، که حضرشان "کنار خداوند" توصیف شده است، آنکه توفیق ادب و طاعت در کنار حضرتش را یابد؛ در کنار حق مطیع و مؤدب بوده، و آنکه مردد و منکر یا مخالف بوده در کنار خداوند این بی حرمتیها را مرتكب شده، و آیه شریفه سخن حسرت آمیز همین دسته است، که در قیامت متوجه بی شوند، حضور امام "کنار خداوند" است.

٥٦ سورة البقرة **وَجْهُ اللَّهِ**: در این زمان حضرت مولا صاحب الأمر محمد المهدی (منه السلام وإليه التسلیم) است، و در دعای ندب خطاب به حضرتش می گوییم: این وجه الله الذي إليه يتوجه الأولياء. **فَإِنَّمَا تُولُوا فَتَّمَ وَجْهُ اللَّهِ**: دعای ماه رجب (ولادة أمرک ... فبهم ملأت سمائک و أرضک حتی ظهر ان لا إله الا أنت) بیانگر چگونگی تمامیت این مقطع آیه است.

قُلْ جَاءَ الْحُقْ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا * ٥٧

سَرِيرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحُقْ * ٥٨

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِإِدَمَ فَسَاجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى

وَاسْتَكَبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ * ٥٩

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا * ٦٠

سورة الإسراء: ٨١: جاء الحق: به ظهور آمدن حضرت قائم عالیلًا می باشد. این آیه که درباره ظهور و تشریف فرمائی حضرت است، وازو به عنوان "الحق" یاد نموده است.

سورة فصلت: ٥٣: أَنَّهُ الْحُقْ: خداوند آیات و نشانه های خود را (با بروز حوادث عظیمه) در سراسر زمین؛ و آیت مسخ در جان دشمنان، به ایشان نشان می دهد، آنچنان که بر ایشان آشکار می شود که اوست (حضرت قائم عالیلًا) همان حق.

سورة البقرة: ٣٤: اسْجُدُوا لِإِدَمَ: این سجود برای آدم عالیلًا از روی عبودیت برای الله و اطاعت آدم عالیلًا و تعظیم برای أنوار معصومین طالبیلًا (از جمله مهدی عالیلًا) بوده که آنوقت در آدم عالیلًا و دیعه بوده است، و حضرت مهدی عالیلًا آدم این دوران است. و سجده به معنای منتهای عبودیت و تسليم و اطاعت است و بیانگر لزوم منتهای تسليم و اطاعت نسبت به حضرت مولا صاحب الأمر عالیلًا است. و در برابر فرمان الهی سجده برای آدم، ملائکه مقرین در محضر حق اولین ساجدان بی درنگ بر آدم بودند، و مؤمنان عارف فرشته وش در هر زمان حضرتش را ساجد و تسليم و مطیعند، و اولین کسی که ابا کرد از سجده برآدم ابلیس بود، و سایر منکرین و متددین پیروان ابلیس و ابلیسیان هستند.

سورة الجن: ١٨: الْمَسَاجِدُ لِلَّهِ: (سجده گاه الهی) یعنی موضع تسليم و انقیاد و فرمانبرداری برای خداوند: همانا حضرات اوصیاء الهی طالبیلًا و در این زمان حضرت مهدی عالیلًا می باشند.

اسماء و اوصاف قرآنی حضرت مهدی علیه السلام

٦١  بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ *

 أَمَّنْ يُحِبُّ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْسِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ

٦٢  خُلَفَاءُ الْأَرْضِ أَعِلَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ *

 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمُ الْأَمْرِ

٦٣  مِنْكُمْ *

٦٤  لَمَّا لَتَسَأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ التَّعْيِمِ *

٦١ سورة هود علیه السلام: بقية الله: از نامهای قرآنی حضرت مهدی علیه السلام است.

٦٢ سورة النمل: المضطر: مقصود حضرت قائم علیه السلام است، ولذا از القاب و اوصاف و

نامهای حضرتش بشمار می رود. سبب نامیده شدن حضرتش در مبحث ظهور آمده است.

خلفاء الأرض: به معنی جانشینان الهی روی زمین، که افزون بر احاطه و فرمانروایی تکوینی و پنهان، دارای حکومت و سلطنت ظاهري نیز خواهند شد.

٦٣ سورة النساء: اولی الأمر: حضرات ائمه علیهم السلام هستند، و آخرینشان حضرت صاحب الأمر محمد المهدي علیه السلام که زمین به او فتح می شود، و از اسماء قرآنی او محسوب می شود.

٦٤ سورة التكاثر: التعیم: نعمت حضرات معصومین علیهم السلام و امام زمان علیه السلام است. این همان نعمتی است که خداوند در قیامت درباره اش بازخواست می فرماید، و از اسماء قرآنی او محسوب می شود.

وَبِئْرٍ مَعَطَلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ^{۶۵}



أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا اللَّهَ شُرَكَاءَ قُلْ سَمْوُهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زُينَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادِ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ

مِنْ وَاقِ^{۶۶}

فَالَّتَّوَأَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ^{۶۷}



فَلَمَّا أَحَسُوا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ^{۶۸}



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْفَجْرِ^{۶۹}



65 سورة الحج: بئر معطلة: مقصود امام مستور حضرت مهدی علیه السلام بوده، و از اسماء قرآنی او محسوب می شود.

66 سورة الرعد: قائم: قائم آل محمد علیهم السلام قائمیتش را از اسم القائم خداوند گرفته که در این آیه آمده است، در فصل قبل توضیح ارتباط شد..

67 سورة هود: قوَّة: مقصود از آن حضرت قائم علیه السلام است که "قوَّة الله" و آینه تمام نمای "نیروی الهی" است، و از اوصاف و نامهای حضرتش می باشد.

68 سورة الأنبياء: بأسنا: مقصود ظهر حضرت قائم علیه السلام است، در زبان کلام و حی "بأس" به معنی "نگرانی و سخنی آور" می باشد، خداوند می فرماید وقتی دشمنان انسانیت و ظالمان به بشیریت (که نمی خواهند از شرارت و جنایت دست بردارند) حضور بأس ما (بأس الله) را حس می کنند؛ بنابراین از اوصاف و اسماء حضرتش: (بأس الله) می باشد.

وَمَنْ قُتِلَ مَظْلومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلَيْهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ

إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا *

وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ *

وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ *

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... يَهْدِي اللَّهُ لِتُورِهِ مَنْ يَشَاءُ *

⁶⁹ سورة الفجر - ٤: **وَالْفَجْرُ:** مقصود حضرت قائم علیثلا است، ولذا از القاب واوصاف و نامهای حضرتش بشمار می رود.

⁷⁰ سورة الإسراء - ٣٣: **لَوْلَيْهِ سُلْطَانًا:** حضرت قائم علیثلا است که "ولي" دم امام حسین علیثلا و به سلطنت الهی می رسد (سلطان)، **مَنْصُورًا:** (پیروزمند) از نامهای دیگر حضرتش می باشد، و در این آیه شریفه سه نام از نامهای مبارک حضرتش اشاره شده است: ولي، سلطان، منصور.

⁷¹ سورة العنكبوت - ١٠: **نَصْرٌ مِّنْ رَبِّكَ:** در این آیه مقصود از "نصر رب" (پیروزی پروردگار) حضرت قائم علیثلا است، و در حقیقت پیروزی و نصرت کامله الهی با وجود و بروز و ظهور حضرتش رخ می دهد، از این رو "نصر رب" یکی از نامهای حضرتش می باشد.

⁷² سورة الروم - ٤: **نَصْرُ اللَّهِ:** (پیروزی خداوند) در این آیه مقصود از آن حضرت قائم علیثلا است، و در حقیقت پیروزی و نصرت کامله الهی؛ با وجود و بروز و ظهور حضرتش رخ می دهد، از این رو "نصر الله" یکی از نامهای حضرتش می باشد.

⁷³ سورة النور - ٣٥ - ٣٨: **الْمَهْدِي:** آیات متعددی از جمله این مقطع از آیه نور (يَهْدِي اللَّهُ لِتُورِهِ مَنْ يَشَاءُ)، و نیز (اهدنا) از سوره حمد، از مستندات نام (مهدي) است. (اهدنا) هدایت از اوست که مهدی علیثلا است، و هدایت همان معرفت امام عصر علیثلا است. مقصود از این فقره حضرت مهدی علیثلا.

۷۶ اهْدِنَا الصَّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * 

۷۵ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ * 

۷۶ قُلْ كُلُّ مُتَبَّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصَّرَاطِ 

۷۶ السَّوِيقِيِّ وَمَنْ اهْتَدَى * 

۷۷ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ * 

۷۸ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ * هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ 

۷۸ بِالْغَيْبِ *

۷۴ سورة الفاتحة - ۶: الصراط المستقيم: همان شاهراه راست که امروز امام عصر علیہ السلام است، در فصل قبل توضیح ارتباط شد.. و این از القاب و نامهای حضرتش بشمار می روید...

۷۵ صراط الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ: در فصل قبل توضیح ارتباط شد.. و این (الصراط) از القاب و نامهای حضرتش بشمار می روید.

۷۶ سورة طاه علیہ السلام - ۱۳۵: الصراط السوی: (شاهد راست و هموار و روشن) و مقصود از آن حضرت قائم علیہ السلام است، ولذا از القاب و اوصاف و نامهای حضرتش بشمار می روید.

۷۷ سورة الحجر: سبعا من المثاني: در فصل قبل توضیح ارتباط شد.. و این از القاب و نامهای حضرتش بشمار می روید...

۷۸ سورة البقرة ۳-۶: الغیب: (همان غیب و پوشیده و مستور) این کلمه از اسماء حضرت مهدی علیہ السلام است و در این آیه هم به همین مقصود بکار برده شده است. اگر قرآن هدایت برای مؤمنین به قائم است، و مهدی یعنی موضع هدایت، این آیه بر باطن قرآن بودن حضرتش و نیز مستند نام "المهدی" دلالت دارد.

فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ * ٧٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانُهُ

وَتَعَالَى عَمَّا يُشَرِّكُونَ * ٨٠

قُلْ جَاءَ الْحُقْقُ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا * ٨١

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحُقْقُ * ٨٢

مَالِكٌ يَوْمَ الدِّينِ * ٨٣

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ * ٨٤

⁷⁹ سورة يونس: الغيب: مقصود حضرت قائم علیہ السلام است و از اوصاف و نامهای اوست.

⁸⁰ سورة النحل: امر الله: مقصود حضرت قائم علیہ السلام است و از اوصاف و نامهای اوست.

⁸¹ سورة الإسراء: جاء الحق: به ظهور آمدن حضرت قائم علیہ السلام می باشد. این آیه که درباره ظهور و تشریف فرمائی حضرت است، و از اوبه نام "الحق" یاد نموده است.

⁸² سورة فصلت: آنَّهُ الْحُقْقُ: خداوند آیات و نشانه های خود را (با بروز حوادث عظیمه) در سراسر زمین؛ و آیت مسخ در جان دشمنان، به ایشان نشان می دهد، آنچنان که بر ایشان آشکار می شود که اوست (حضرت قائم علیہ السلام) همان حق.

⁸³ سورة الفاتحة - ٤: مالک یوم الدین: اصطلاح یوم الدین اشاره به قیامت صغیری (ظهور و رجعت) که مالک و حاکم و اختیاردار این روز حضرت قائم علیہ السلام است.

⁸⁴ سورة البقره: آیه ٤٥٧ - ٤٥٥: (مظہر) الْحَيُّ الْقَيُّومُ: مظہر بلکہ نمایانگر این دو اسم الهی، کسی است که حیات و قوام عالم به اوست. در فصل قبل توضیح ارتباط شد..

وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَإِنَّمَا تُؤْلُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلَيْمٌ ^{٨٥} *

وَأَشَرَّقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ^{٨٦} *

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ^{٨٧} *

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ^{٨٨} *

٨٥ سورة البقرة: وجه الله: در این زمان حضرت مولا صاحب الأمر محمد المهدي (منه السلام وإليه التسليم) است و با این نام به او خطاب می شود (أين وجه الله الذي يتوجه إليه الأولياء).

٨٦ سورة الزمر: ربها: رب الأرض يعني إمام الأرض، كه در این عصر و دوران حضرت مهدي قائم عائلاً است، و در زمان ظهور آنقدر جلوه و نور حضرت آشکار می شود که مردم از وسیله روشنایی بی نیاز می شوند (وأشرق الأرض بنور ربها).

٨٧ سورة الفاتحة - ٢: (مظہر) رب: اسم "رب" و امام عصر عائلاً (رب الأرض إمام الأرض)، رب العالمين: اداره عالم بوسیله امام عائلاً و تدبیر عالم هستی بدست اوست.

٨٨ سورة الفاتحة - ١: بسم الله الرحمن الرحيم: بيان جامعي در پانوشت (١) قبل درج گردید، مراجعه شود. بخشی را که به نامها مرتبط می شود یادآور می شویم: (مظہر) الله ارتباط وجه الله با اسم "الله" معلوم است، آنچه از "الله" می نماید "وجه الله" است، و وجه الله نیست جز نمایی از حق. **(مظہر) الرحمن:** لطف عام امام عائلاً به همه هستی و عنایت عامه حضرت امام زمان عائلاً به همه خلائق، (أهل بيت الرحمه عائلاً الله، بهم رزق الورى ...). **(مظہر) الرحيم:** عنایت خاصه به اهل ایمان و یقین، ازین روست عنایات مخصوص حضرت امام زمان عائلاً به شیعیان و موالیان. در فصل قبل توضیح ارتباط شد.، و این از القاب و نامهای حضرتش بشمار می رود....

ولادت حضرت محمد بن الحسن العسكري عليهما السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ
مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ
وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْذِنُ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ *
شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ *
وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَ
جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ *

89 سوره القدر ۱-۵: انا انزلناه في ليلة القدر: ظاهرش درباره نزول قرآن صامت است، و باطنش درباره ولادت حضرت مهدی علیه السلام می باشد که قرآن ناطق است. در وقت نزديک ولادت اين آيه به توصيه حضرت امام حسن عسکري علیه السلام توسط جناب حکيمه خاتون بر جنین خوانده شده، و حضرتش از درون شکم مادر؛ نيز فورا اين سوره را بازخوانده است.

90 سوره آل عمران ۱۸-۱۹: آيه شهادة: وقفي حضرت مهدی علیه السلام بدنيا آمد سجده برای خداوند بجای آورد و چون سر برداشت اين آيه را تلاوت می نمود: شهد الله...

٩٣ جَاءَ الْحُقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا *

٩٣ سورة السجدة

٩١ **سورة القصص ٥: آیه وارثان زمین:** وقتی حضرت مهدی علیه السلام بدنیا آمد؛ به أمر پدر علیه السلام به نطق آمد، و این آیه (ونرید أن نمن) و ادامه آن در آیه بعدیش را تلاوت نمود.

٩٢ **سورة الإسراء ٨١: جاء الحق و زهق الباطل:** از نکاتی که درباره واقعه ولادت حضرت امام مهدی علیه السلام نقل شده است اینکه: وقتی حضرتش متولد گردید؛ بر بازویش؛ این آیه نوشته بوده، و این امر افزون بر ارتباط معنوی و مأموریتی و تفسیری این آیه با حضرت؛ ارتباط تکوینی آنرا نیز می‌رساند.

٩٣ **سورة السجدة:** در حدیث شرح واقعه ولادت حضرت مهدی علیه السلام که ازیان جناب حکیمه (عمه امام حسن عسکری و خواهر امام هادی و دختر امام جواد علیهم السلام) آمده است که ایشان شب ولادت در انتظار ولادت حضرت صاحب الأمر علیه السلام بوده، مشغول تلاوت سوره های "السجدة و یاسین" می‌شود، و با توجه به جلالت شان این بانو؛ قطعاً انجام این تلاوت تصادفی و یا گرینش این سوره ها سرخود نبوده است، بلکه و بر اساس تعالیم حضرات معصومین علیهم السلام یا توصیه حضرت امام حسن عسکری بوده علیه السلام است، و دلیل آن از سه احتمال بیرون نیست:

۱- اینکه خوانند سوره ارتباط به مقام تولد هر مولود داشته باشد، و برای سهولت و قوع ولادت هر زن باردار بوده باشد، اما چون در باب ولادت مولود و سهولت زایمان چنین امری معروف نیست، پس لاجرم به دو احتمال دیگر مرتبط می‌شود.

۲- خوانند سوره بخاطر این بوده که تلاوت این سوره ها برای خصوص ولادت حضرتش وارد شده است.

۳- یا اینکه خوانند این سوره از آداب و اعمال شب ولادت حضرتش باشد، که در هر دو صورت اخیر؛ ارتباط مفاد این سوره مبارکه با حضرتش مسلم می‌شود، و ارتباط خصوص این



اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحُقُّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ
 قَرِيبٌ * يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا
 وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحُقُّ إِلَّا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ *

سوره برای مؤمنین جای اقتدا و عمل، و برای اهل معرفت جای تامل و تعمق دارد..

٩٤ سوره یاسین: همان توضیحات بالا که در پانوشت قبلی آمد.

٩٥ سوره الشوری ١٨: يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ: در کلام خازنان و حی علی‌الله این آیات درباره حضرت قائم علی‌الله است.

از حدیث جناب مفضل مجعی از حضرت امام صادق علی‌الله در بیان و تفسیر این آیات آمده است که: رویکرد آنها ی که از قیام حضرتش مطلع می شوند متفاوت است: برخی مؤمن ولی شتاب ورزیده، برخی مؤمن ولی با صبر و نگرانی انتظار می کشند، و برخی کلاً انکار دارند.

ما این آیات را در چهار باب هر کدام به مناسبی و با توضیح و شرح مستقلی می آوریم: در اینجا (در مبحث ولادت حضرتش) به مناسبت انکار ولادت نکته مربوطه را بیان نموده، و در مبحث منکرین حضرت، تفصیلاً با بیان موارد انکار؛ و نیز انواع استعجال (يستعجل) که منتهی به انکار می شود تشریح کرده، و در باب صبر و انتظار شرح دسته سوم را آورده، و به مناسبت تاریخ ظهور در باب مربوطه ذکر می کنیم:

در این حدیث شریف بیان شده است که: این مقطع (یمرون) درباره کسانی است که اصل (الساعة) و قیام حضرت مهدی علی‌الله را زیر سوال برده، و با طرح سوالاتی انکاری آنچه وجود و ظهور صاحب ساعه (حضرت قائم علی‌الله) را تایید می کند؛ منکر می شوند، و از جمله موارد (مراء) و زیر سوال بردن و تردیدها: تشکیک در اصل ولادت حضرتش و اینکه چه وقت بدینا

﴿ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمّهِ يَ تَقَرَّ عَيْنَهَا وَلَا تَحْرَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ ﴾

وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ * ۹۶

﴿ وَحَرَّمَنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ * ۹۷﴾

آمده (متی وُلد؟) می باشد. خداوند می فرماید همه این منکرین و زیر سؤال برندگان "الساعة" (از جمله با تشکیک در ولادت) همه اینها در گمراهی دیرینه ای هستند.

۹۶ سوره القصص : ﴿ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمّهِ: ﴾ بعد از ولادت حضرت مهدی ﷺ ملائکه حضرتش را به آسمان بردنده، و پس از یک هفته او را به مادرش (که در این مدت غمگین و بی تاب و نگران او بود) بازگرداندند.

ماننداین فقدان فرزند پس از ولادت را مادر موسای کلیم ﷺ نیز مبتلا شد، اما با این تفاوت که موسی ﷺ در صندوق چوبین بر روی نیل شناور بود، و مهدی ﷺ در آغوش ملائکه و در آسمانها.

۹۷ سوره القصص : ﴿ حَرَّمَنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ: ﴾ افزون بر اتفاق مفاد این آیه در زمان حضرت موسی کلیم الله ﷺ و برای حضرتش، این واقعه به آن دوران محدود نشده، و در کلام خازنان وحی ﷺ و نیز تفسیر این آیه مبارکه آمده است که:

مفاد این آیه با واقعیت زندگی حضرتش نیز مرتبط می باشد، یعنی که برای حضرت مهدی ﷺ نیز شیرخوردن از غیر مادر تکوینا منع شده بوده، و حضرتش را جز مادرش کسی شیر نداده است.

دوران پنهانی و بی‌نشانی حضرت امام مستور علیه السلام

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ * هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

٩٨ * بالغیبِ

فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَإِنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ *

^{٩٨} سورة البقرة ٣٢: الغیب: (همان غیب و پوشیده و مستور) آنقدر ارتباط موضوع دوران پنهانی و حضور مستور حضرت مهدی علیه السلام با زندگی حضرتش آمیخته و عمیق است که این واژه یکی از نامهای آن حضرت مقرر شده است، این دوران به ماننده وقت آشکار بودن حضور و فعالیت داشته و در دسترس است، اما نه مثل دوره آشکاری که در دسترس عامه ناس باشد، از افراد منکر و متعدد و ضعیف وی تحمل گرفته تا اشخاص مؤمن و بایقین و استوار و کنوم، که تنها برای دسته اخیر قابل دسترس است آن هم با تقدیر مصلحت الهی. در این آیه هم به همین دوران زندگی و این ویژگی حضرتش اشاره شده، محور شرایط و صلاحیت پیروان حضرت بلکه توصیف عموم متقین نیز با ایمان و پذیرفتن این امر و عملکرد صحیح بر اساس آن مشخص شده است. شرح عنوانین وظایف در این رابطه در فصل مربوطه اشاره خواهد شد.

^{٩٩} سورة یونس ٤٠: الغیب: اشاره به دوران حضور مستورانه و پوشیده (غیبت) حضرت امام قائم غائب علیه السلام دارد، و اینکه این غیبت الهی است یعنی به فرمان حق و برحسب حکمت تدبیر عالم و مصلحت اداره امور آنست، در این آیه نکاتی هم درباره وظایف مؤمنین در عصر غیبت هدایت می فرماید؛ که در فصل مربوطه اشاره خواهد شد.

فَلَا أُقِسْمُ بِالْحُنْسِ * الْجَوَارِ الْكُنْسِ *



١٠١ * لَتَرْكَبُنَ طَبَّقَا عَنْ طَبَقِ



إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّنَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا
إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ
وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاؤِودَ زَبُورًا *

* عَلَيْكَ مِنْ قَبْلٍ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا
رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِتَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا *

100

سوره التکوير ۱۵-۱۶: الحُنْسِ الْجَوَارِ الْكُنْسِ این آيه درباره غیبت و ظهر حضرت امام
مهدي علیهم السلام است، و اين امر به تحت الشاعع قرار گرفتن و پنهان شدن کواكب در نور
خورشيد تشبيه شده است.

101

سوره الانشقاق ۱۹: لَتَرْكَبُنَ طَبَّقَا عَنْ طَبَقِ: برقراری سنت و شیوه انبیاء و اوصیاء الهی
سابقین علیهم السلام و تکرار سرگذشت امتهای پیشین در میان امت اسلام، و از جمله آنها موضوع
ستر و پنهانی حجت دوران در مقطعي از زمان، و وقوع دوره غیبت و پنهانی برای حضرت
مهدي علیهم السلام همانند حجج الهی سابقین علیهم السلام.

102

سوره النساء ۱۶۳-۱۶۵: رَسْلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ: در کلام معصومین علیهم السلام آمده است که
خداوند نمایندگان آشکار و نمایندگان پنهان دارد، در این مقطع از آیه شریفه اشاره به آن
دسته از نمایندگان الهی است که در کلام وحی به صورت صريح نامشان برده نشده، و اين امر
بخاطر مأموریت پوشیده و پنهان ایشان و بسربردنشان در دورانهای مأموریت مستوري و
پنهانی است، و از جمله ایشان حضرت امام قائم علیهم السلام است.

وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوكُمْ عَسَى أَلَّا
أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيقًا * فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا^{١٠٣}
لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكَلَّا جَعَلْنَا نَبِيًّا *

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَأْوِكُمْ غَورًا فَمَنْ يَأْتِيَكُمْ بِمَا إِعْنَى *^{١٠٤}

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءِ إِنْ تُبَدِّلَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ
وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدِّلَ لَكُمْ عَفَانِ اللَّهِ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ
حَلِيلٌ * قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ^{١٠٥}

سوره مریم ﷺ: ٤٨-٤٩ : **وَأَعْتَزِلُكُمْ... فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ**: اشاره به دوران اعتزال و پوشیدگي
و پنهاني حضرت خليل الله ﷺ دارد، که اين امر يکي از شباهتهای حضرت قائم ﷺ به
حضرت ابراهيم ﷺ ..

سوره الملك: ٣٠: **إِنْ أَصْبَحَ مَأْوِكُمْ غَورًا**: مقصود غيبيت حضرت مهدي ﷺ است، که
اي منکران و مقصران اگر در اثر انکار و دشمنيها و تردید و ناهرها هيا شرایطی را فراهم
كردید که خداوند دسترسی عمومي حجت خدا را از شما گرفت؛ و آب چاه معارف الهي
فرونشست؛ و دوران غيبيت او رخ داد، آنوقت چه کسي است که به شما آب گواراي معرفت
را برساند؟ يعني که بزرگترین حرمان و محروميت برای بشر در اثر غيبيت امام ﷺ همانا از
دست دادن آب حيات علوم و معارف الهي حضرت صاحب الأمر ﷺ است.

سوره المائدہ: ١٠٦-١٠١: **لَا تَسْأَلُوا...**: درباره سؤال از علت غيبيت امام ﷺ است، که اگر
دلilش (کوتاهي پیروان) آشکار شود؛ خوشایندتان نیست، و نیز سراغ گرفن معتبرضانه از
حضور مهدي ﷺ؛ در صوري که وقتی ظاهر شود بسياري در عمل ناراضي از اين حضورند.
از توقع اعلان غيبيت کري ظاهر است که سبب وقوع دوران غيبيت کوتاهي پیروان است.

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسَفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَّسُوا مِنْ رَوْحِ
اللهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ * 106

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ *
قَالُوا أَئِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفَ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ
مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ * 107

فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا حِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ
الْمُرْسَلِينَ * 108

سورة یوسف ۸۷: وَلَا تَيَّسُوا مِنْ رَوْحِ اللهِ: غیبت و پنهانی حضرت مهدی علیه السلام
مانند غیبت و پنهانی حضرت یوسف علیه السلام بوده، و (همانطور که حضرت یعقوب علیه السلام به
پسرانش فرموده) وظیفه مؤمنین در این دوران: جستجو و بی جویی حضرت مهدی علیه السلام و
نامید نشدن از وزش نسیم الهی و به مشام رسیدن عطر حضوری است.

سورة یوسف ۹۰-۸۹: قَالَ أَنَا يُوسُفُ: در دوران غیبت؛ حضرت مهدی علیه السلام تا خودش
خود را به کسی نشناساند؛ کسی او را نمی تواند بشناسد، مانند حضرت یوسف علیه السلام که تا
خود را به برادرانش نشناسانده بود؛ او را نشناختند.

سورة الشعرا' ۹۱: فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ ... فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا...: این آیه در ابتداء نقل گفتار
کلام حضرت موسی کلیم الله علیه السلام برای بیان سبب غیبت و پنهانی حضرتش و دستاوردهای
آنست، در حدیث امام صادق علیه السلام آمده: برای حضرت مهدی علیه السلام دوران غیبی است که
در آن می گوید: (فررت...) این حدیث بیانگر سبب غیبت حضرتش (قصیر پیروان)، و ثمره
دوران غیبت که رسیدن به مأموریت الهی "ظهور تام حق" در جهان است؛ می باشد.

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ
عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ¹⁰⁹

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرُهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ
مِنْهُ الْجِبَالُ¹¹⁰

سوره لقمان ۲۰: نِعْمَةُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً حضرت امام کاظم علیه السلام فرمود: مقصود از نعمت باطنی و بنهان (در این آیه)، امام غائب و بنهان علیه السلام است، اوست دوازدهمین از ما،ولادتش مخفی است، و جایز نیست بر کسی که او را بنمایاند و نشان دهد تا اینکه خداوند او را ظاهر فرماید پس او زمین را از قسط و عدل پر می کند همچنانکه از ظلم و جور پر شده است.

سوره ابراهیم ۶: وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از این همان مکروه و توطئه های بنی العباس با حضرت قائم علیه السلام که آنقدر سنگین و متعدیانه است که می تواند کوهها را از جا بر گند (اگرین توطئه ها برای کوهها می شد)، ولی در مقابل مکروه بازدارندگی الهی ناتوان است. / تعبیر "مکری" که کوهها را زائل می کند" کنایه ادبی از شدت آسیب آور بودن آنها در شرایط عادی است. / کاربرد نسبت دشمنی و ظلم به "بنی العباس" محدود به عباسیان و دوران حکومت آنها نیست، اگرچه از دوران آنها این فشارها و توطئه ها بر علیه حضرت قائم علیه السلام شروع شده است، و مقصود از اصطلاح "بنی العباس" در بسیاری از موارد؛ همه افراد و گروهها و حکومتهایی است که تظاهر به اسلام و حق طرفداری از اهل بیت علیهم السلام می کنند؛ ولی در حقیقت دشمنترین و سختترین دشمنان اهل بیت علیهم السلام هستند، فشار و آزار و غصه اینها بیشتر و سنگین تر است، این نوع دشمنان بعد از دوران سلطه بنی العباس نیز (همواره) تا به امروز بوده اند.

انوار و تردید درباره حضرت قائم علیہ السلام

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِلنَّاسِ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى
وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ * ۱۱۱

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا * ۱۱۲

^{۱۱۱} سوره البقره: اسْجُدُوا لِلنَّاسِ: این سجود برای آدم علیہ السلام از روی عبودیت برای الله و اطاعت آدم علیہ السلام و تعظیم برای آنوار معصومین علیهم السلام (از جمله مهدی علیہ السلام) بوده که آنوقت در آدم علیہ السلام و دیعه بوده است.

اولین کسی که ابا از سجده بر مظهر حق کرد ابليس بود، و سایر منکرین و متعددین؛ دنباله رُوان و پیروان ابليس و ابليسیان هستند.

حضرت مهدی علیہ السلام این دوران است.. و لاجرم ابليسیانی در هر زمانه نیز می باشند که نافرمانی خداوند کرده و از سجده آدم زمان سرباز زده؛ و رانده درگاه حق شوند.

سجده به معنای منتهای عبودیت و تسليم و اطاعت است، و بیانگر لزوم منتهای تسليم و اطاعت نسبت به حضرت مولا صاحب الأمر علیہ السلام است.

البته سجده مراتب مختلفی دارد از اعتقاد به اصل امامت و تسليم ظاهري و التزام به شرعیات گرفته؛ تا حق معرفت و اسلام تمام و انقیاد کامله در ظاهر و باطن؛ از جوارح و قلب و ذهن و فکر و خیال و احوال.

^{۱۱۲} سوره الفرقان: السَّاعَة: حضرت امام صادق علیہ السلام در تفسیر این آیه فرموده اند که شب و روز هر کدام ۱۶ ساعت بوده و هر یک از این ساعت ۱۶ گانه لیل و نهار یکی از ائمه علیهم السلام هستند، خاتم ساعات: حضرت قائم علیہ السلام می باشد.



أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّهِ وَيَتَلُوُهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ
 مُوسَىٰ إِمامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ
 فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
 النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ * وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ
 يُعَرِّضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هُؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ
 اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ * الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوْجَاجَ وَهُمْ
 بِالآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ * أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ
 لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أُولَيَاءِ يُضَاعِفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ
 السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبَصِّرُونَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ
 مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ * لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ * ۱۱۳



فَإِنْ يَكْفُرُ بِهَا هُؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلَّا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ * ۱۱۴

¹¹³ سوره هود ۱۷-۲۶: **أُولَئِكَ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنفُسَهُمْ:** مقصود از اين مقطع آيه همانا شک
 کنندگان در امام مهدی علیهم السلام ي باشد، و اين آие درباره: سرانجام انکار مهدی علیهم السلام،
 عوارض و مهالك ناشي از شک و تردید در حق، نشانه ها و رفتارهای مبتلايان به آن، و اينکه
 با شک و تردیدشان به خود زيان مي رسانند؛ نه به اهل حق، و سخن مي گويد.



¹¹⁴ سوره الأنعام ۸۹: **فَإِنْ يَكْفُرُ بِهَا هُؤُلَاءِ:** اگر منکران به این حقیقت انکار و کفر
 بورزنده، این راه بی رhero نمانده؛ و خداوند گروه دیگری را (که هیچ انکاری نورزیده) به
 خدمت و یاری حق می گمارد، (که آنها یاوران مهدی علیهم السلام هستند).

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيهِمُ السَّاعَةُ * ١١٥

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ

قَرِيبٌ * يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا

وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ * ١١٦

115 سوره الحج ٥٥: وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ: انکار و تردید منکرین در سرتاسر دوران غیبت و پنهانی حضرت امام مهدی علیه السلام استمرار داشته، تا اینکه هنگام ظهور آنها را در رسیده و حوادث هولناک آن گرفتارشان کند.

116 سوره الشوری ۱۸: در کلام خازنان وحی علیه السلام این آیات درباره حضرت قائم علیه السلام است. از حدیث جناب مفضل جعفی از حضرت امام صادق علیه السلام در بیان و تفسیر این آیات آمده است که: رویکرد آنها که از قیام حضرتش مطلع ی شوند متفاوت است: برخی مؤمن ولی شتاب ورزیده، برخی مؤمن ولی با صبر و نگرانی انتظاری کشند، و برخی کلاً انکار دارند. ما این آیات را در چهار باب هر کدام به مناسبی و با توضیح و شرح مستقلی آورده ایم: قبل از مناسبت انکار ولادت (یمارون) در مبحث ولادت حضرتش بیان کردیم، و در اینجا که مبحث منکرین حضرت است؛ تفصیلاً با بیان موارد انکار؛ و نیز انواع استعمال (یستعجل) که منتهی به انکار می شود ذکر می نمائیم، و شرح دسته سوم را در باب صبر و انتظار آورده، و آخرالامر به مناسبت تاریخ ظهور در باب مربوطه می آوریم:

يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ: موضوع بحث در این باب از این آیه های شریفه القاء شک و تردید درباره حضرت قائم علیه السلام. در آن حدیث شریف آمده است که این قسمت آیه درباره کسانی است که اصل امر ظهور (الساعة) و قیام حضرت مهدی علیه السلام را زیر سوال برد، و با طرح سؤالاتی انکاری آنچه وجود و ظهور صاحب ساعه (حضرت قائم علیه السلام) را تایید می کند؛ منکر می شوند. و از جمله این موارد (مراء) زیر سوال برد و تردید: (متی ولد؟) اصلاً چه وقت بدینها

آمده؟ و (من راه؟) او را کی دیده؟ و (أین هو؟) کجا هست او؟ و (أین یکون؟) کجا خواهد بود؟ و (متی یظهر؟) و چه وقت ظهر می کند؟ و یا کارشان گمانه زنی ها درباره تاریخ ظهر است.

اینگونه سوالات اگرچه ظاهري استفساري دارد؛ اما چون ماهيتش مبتنی بر بي اعتقادی و بدون التزام به تعاليم مربوط به شخص منظر حقيقی ظهر است، و با گمانه زنی هاي واهي و بي اساس؛ داراي روبيکردي زيرسؤال برنده دارد، فلذا عليرغم نمایش متظاهرانه و دم زننده از ظهر؛ نه تنها ارزشي نداشته بلکه مردود و مطروح و به سرانجام بد؛ تهديد شده است. همه اين روبيکردها نوعي تشكيك در حكم و اراده و قدرت الهي مي باشد. خداوند در اين آيه درباره اين شك آوران مي فرماید: همه اين منکرين (الساعة) و زير سؤال برنديگان آن در گمراهي ديرينه اي هستند.

يَسْتَعْجِلُ بِهَا: استعجال يعني شتاب و رزدين، استعجال در امر ظهر امري مذموم بوده، هرچند ظاهري همواه؛ بلکه پيشقراولانه دارد، برخي از سؤالياتي که در نمونه هاي مراء و انكار بيان شد، نيز ممکن است برای اهل استعجال رخ بدهد، امام علیؑ مي فرماید: استعجال و شstab و رزدين؛ منجر به مراء و تردید و انكار مي شود، ولذا از آن (در آيه فلا تستعجلوه) نهي شده است.

اين قسمت آيه "يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا" دو قرائت دارد: يكي قرائت رايح است، که بر اساس آن مفاد آيه مباركه مي شود: "و شstab مي ورزند به آن (ساعت ظهر) کسانی که ايمان ندارند به آن".

در اينجا امام علیؑ (در مقام بيان اشكال قرائت رايح) به مفضل مي فرماید: چطور کسي که ايمان به ظهر ندارد؛ برای ظهر شstab مي ورزد، کسي برای ظهر شstab مي ورزد که به آن ايمان دارد، (يعني که اين قرائت عثماني صحيح نيست).

اما قرائت اهل بيت علیؑ که دقيق و صحيح است: "يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِهَا". که بر اساس آن مفاد آيه مباركه مي شود: "و شstab مي ورزند به آن (ساعت ظهر) کسانی که ايمان ندارند به آن".

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا
يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ * فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ
إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ ۝ ۱۱۷

وَلَئِنْ أَخَرَنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَا
يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهِزُونَ ۝ ۱۱۸

شتاب ورزان اگرچه از باورکنندگان ظهور هستند، ولی بخاطر رویه غلط شتاب ورزی در خطر بوده و ناخودآگاه به مراء و انکار کشیده شده، و به سرنوشت اهل آن دچار می گردند، تنها رویکرد صحیح و ایمن؛ روش مؤمنان پایدار و استوار است که ضمن و انتظار با نگرانی متوجه ظهورند، شرح این دسته در فصل آتی بیاید.

و خلاصه وظایف اهل ایمان در این زمینه چنین است:

- شوق قلبی برای زودتر رسیدن فرج حضرت مهدی علیهم السلام.
- دعای برای تعجیل فرج.

۳- تلاش برای فراهم سازی زمینه ظهور؛ با آمادگی معرفی و التزامی خود و ملت خود.

سوره السجدة: ۳۰-۲۹ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ: تمام مدت و دوران غیبت را به انکار و زیر سوال بردن (امر ظهور و قیام و فتح جهان توسط حضرت صاحب الأمر) گذرانده، و می گویند: کجا شد این فتح عالم؟ اگر راست می گویید؟ بگو: در "یوم الفتح" دیگر اظهار ایمان منکران برایشان سودی نبخشد؛ و دیگر به آنها مهلتی داده نمی شود برای انکار، پس از این نوع افراد روبگردان.

"یوم الفتح" روزی است که جهان برای حضرت قائم علیهم السلام فتح می گردد.

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌ * وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا

أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌ * وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِّنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُرْدَجٌ *

حِكْمَةٌ بِالْغَةٍ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ ۝ ۱۱۹

سوره هود ۸: **لَيَقُولُنَّ مَا يَجْبِسُ:** مقصود از "العذاب (همان عذاب)" قیام و غلبه حضرت مهدی علیه السلام بر مستکبران جهان است، که این واقعه همان عذاب موعود برای آنهاست که طومار حکومت ظالمانه و سلطه و آزارشان بر بشریت را در هم ی پیچد، آیه گزارش از رفتار اینها و همراهان منکر و متعددشان است:

وقتی همان عذاب را از گرفتارشدن فوري آنها تا (اجتماع) "امة معدودة" تاخیر انداختیم، می گویند: چه چیز رسیدن آن عذاب را باز داشت؟ (یعنی اینکه چون کسی مانع عذاب نبوده و نیامده؛ پس حقیقت ندارد)، آگاه باشند که روزی که آنها در رسد، به هیچ وجه از آنها دور و برطرف نمی شود، و آنچنان از بین ببرد آنها را که (واقعی بودن ظهور دولت الهی را) استهزاء و مسخره می کردند.

(امة معدودة: جمعیتی که عددشان معین است) و آن اصحاب حضرت قائم علیه السلام می باشند که تعدادشان معین و به عدد اصحاب بدرا (۳۱۳ نفر) است.

سوره القمر ۵-۶: **وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا:** این آیه شرife (بنابر تبیین خازن و حی علیهم السلام) افزون از واقعه شق القمر در آغاز بعثت نبوی علیهم السلام همچنین دلالت و حکایت از واقعه بروز آیت عظیم آسمانی در وقت ظهور حضرت قائم علیه السلام نیز دارد، و اینکه انکسار و تردید منکران درباره حضرت مهدی علیه السلام تا ایام ظهور نیز ادامه دارد، بلکه برخی حق و قتی آیتها و نشانه های عظیم الهی هنگام ظهور را نیز ببینند؛ باز هم منکر شده؛ و از حق روی گردانده؛ و آنرا به سحر نسبت می دهند. منظور از آیه "صیحه و نداء آسمانی" است که در وقت ظهور رخ می دهد و همه جهانیان یکباره آنرا می شنوند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا

مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْفُبُورِ *^{١٢٠}

إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ *^{١٢١}

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأْرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ *

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا

حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ التَّارِ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ

سورة المتحنة: ١٣: قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ: در این آیه شریفه چند نکته مهم دارد:

۱- خداوند مایوسین از ظهور یا منکرین رجعت را معزی کرده که ایشان همانند کافران که مرگ را نابودی و بعد آن را پوچ می دانند، ولذا مردگان را معدوم و از آنها منقطعند، اینها هم در امر ظهور و رجعت چنین ناباوری و انقطاعی مبتلا بوده، و ظهور و رجعت را امری نشدنی و نبودنی تصور می کنند.

۲- خداوند منکرین ظهور و رجعت را به "گروهی که خداوند بر ایشان غضب نموده" توصیف فرموده، و آنها را مصدق "مغضوب علیهم" معزی نموده است.

۳- خداوند مؤمنین را از دوستی و ارتباط با منکرین منع فرموده است.

سورة القلم: ١٥: قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ: این آیه شریفه درباره رفتار منکرین و تکذیب حضرت قائم علیل در وقت ظهور می باشد، که حتی در هنگام آشکار شدن جلوه حضرتش نیز عناد ورزیده و از پذیرش حق اعراض دارند، و وقتی با آیات و نشانه های الهی حضرتش مواجه می شوند؛ آنرا انکار نموده و افسانه های گذشتگان می انگارند.

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَعْتَةً فَتَبَهَّهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ

122

سورة الأنبياء ﴿٤٠-٣٧﴾: مَقْيَ هَذَا الْوَعْدُ: در کلام خازنان وحی علیہ السلام از حضرت امام حسین علیہ السلام آمده است که: از ما (اهل بیت) دوارده مهدی علیہ السلام وجود دارد اولین ایشان امیر المؤمنین علی بن أبي طالب علیہ السلام و آخرینشان نهمین از فرزندان و نسل من است علیہ السلام، و اوست همان امام قائم به حق علیہ السلام که خداوند زمین را بدو زنده می کند؛ بعد از آنکه مرد بوده، و آشکار و غالب می کند به او دین حق را؛ بر هرچه دین است، هرچند مشرکان خوش ندارند. برای او دوران غیبی است که در آن گروههای مرتد می شوند؛ و دیگر افرادی ثابت قدم و استوار می مانند، پس ایشان را می آزارند (و به طعنه می گویند): مَقْيَ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كَتَمْ صَادِقِينَ (کجا شد این وعده الهی؟ اگر راست گویید)، آگاه باشید آنکه در غیبت او براین آزارها و تکذیبها صبر کند؛ به منزله شخص است که با شمشیر در خدمت رسول الله علیہ السلام جهاد می کند.

خلاصه (وجه ارتباط آیه): این آیه در قرآن کریم (**وَيَقُولُونَ مَقْيَ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كَتَمْ صَادِقِينَ**) اشاره به ملامت و آزارهای منکرین نسبت به منتظرین در دوران غیبت حضرت مهدی علیہ السلام است، که برای آزار منتظرین ظهور؛ این گفتار را به نحو طعنه و سرزنش و تمسخر برای زیر سوال بردن حقانیت واقعه ظهور بکار می برند.

توضیح آیات فوق بر اساس بیان حضرت امام حسین علیہ السلام : خداوند می فرماید:

انسان از عجله و شتاب آفریده شده؛ بزودی من آیات و نشانه هایم را به شما نشان می دهم؛ پس شما استعجال و شتاب نورزیدا و می گویند: کجا شد این وعده الهی؟ اگر راست گویید، اگر بدانند آنکه کفر ورزیدند؛ وقتی نمی توانند آتش عذاب الهی را از صورتها و پشتھایشان باز بدارند، و هیچ کمک نمی شوند؟ بلکه (آن آتش) فرا می رسدان بطور ناگهانی؛ آنچنانکه آنها را مبهوت می کند، بطوریکه نه می توانند آنرا دفع کرده (یا انکار کنند) و نه اینکه مهلتی به آنها داده می شود برای جبران آن (همه انکار و کفر و دشمنی).

نکته خاص: ارتباط مقطع مورد بحث و صاحبان این رفتار و گفتار با امر استعجال مذموم.

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئَدَةَ
 قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ * قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ *
 وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ
 وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ * ۱۲۳

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قُلْ لَا أَمْلِكُ
 لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجْلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا
 يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ * قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ بَيَاتًا أَوْ
 نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ * أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمْتُمْ بِهِ آلَانَ وَقَدْ

¹²³ سوره الملك: ۶۳-۶۶ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ: حدیث حسینی علیہ السلام در تبیین این آیه و وجه ارتباط آن در پانوشت ۱۶۶ نقل گردید، فلذا تکرار نشده و به آن مراجعه شود، در اینجا آیات فوق را بر آن اساس تبیین می کنیم.

توضیح آیات فوق بر اساس بیان حضرت امام حسین علیہ السلام: خداوند می فرماید: بگوا او (خداوند) است که شما را ساخته و برایتان گوشها و چشمها و دلها قرار داده است، اما کم می شود که شکر کنید، بگوا او (خداوند) است که شما را در زمین کاشته (به نسل آورده) و بسوی او نیز محشور می شوید و می گویند: کجا شد این وعده الهی؟ اگر راست گویید بگو: همانا دانش آن تنها نزد خداوند است، و من تنها بیم دهنده آشکارگر حقایق هستم. نکته خاص: آکاهی از تاریخ ظهور قائم علیہ السلام مخصوص خداوند متعال است.

۱۳۴ * كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَعْلَمُونَ * وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قُلْ لَكُمْ
مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ

124

سوره یونس ۵۱-۴۸: مَتَى هَذَا الْوَعْدُ: حدیث حسینی علیہ السلام در تبیین این آیه و وجه ارتباط آن در پانوشت ۱۶۲ نقل گردید، فلذا تکرار نشده و به آن مراجعه شود، در اینجا آیات فوق را برا آن اساس تبیین می کنیم.

توضیح آیات فوق بر اساس بیان حضرت امام حسین علیہ السلام: خداوند می فرماید: و می گویند: کجا شد این وعده الهی؟ اگر راست گویید، بگو من توان داشتن هیچ ضرر و منفعتی را برای خودم ندارم، مگر آنچه خدا بخواهد، هر امتی مهلتی دارد، هر گاه مهلتشان سربرسد پس نه ساعتی از آن تاخیر می کنند و نه ساعتی زودتر به آن می رستند. بگو اگر ببینید که عذاب او شب یا روز شما را برسد؛ آنگاه مجرمان چه چیز را استعمال می ورزند؟.

نکته خاص: ارتباط مقطع مورد بحث و صاحبان این رفتار و گفتار با امر استعمال مذموم.

125

سوره سباء ۳۰-۲۸: مَتَى هَذَا الْوَعْدُ: حدیث حسینی علیہ السلام در تبیین این آیه و وجه ارتباط آن در پانوشت ۱۶۲ نقل گردید، فلذا تکرار نشده و به آن مراجعه شود، در اینجا آیات فوق را برا آن اساس تبیین می کنیم.

توضیح آیات فوق بر اساس بیان حضرت امام حسین علیہ السلام: خداوند می فرماید: ای محمد ما تو را نفرستادیم مگر برای تمام مردم (تاریخ بشریت) به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده، ولی بیشتر مردم این را نمی دانند و می گویند: کجا شد این وعده الهی؟ اگر راست گویید بگو برای شما میعاد و زمان این وعده روزی (معین است) که نه ساعتی از آن دیرتر می رسید و نه ساعتی زودتر به آن می رسید.

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَقْتَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ
يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيهِمَا سَوْا تِهْمَاءِ إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ
لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ *^{۱۳۶}

يَا حَسَرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهِزُونَ *^{۱۲۷}

سوره الأعراف: ۴۷: لَا يَقْتَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ: خداوند در این آيه به بنی آدم هشدار می دهد که شیطان شما را مانند والدینتان (آدم و حوا علیهم السلام) نفرید و از بهشت بیرون نبرد. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در بیان این آیه فرموده اند: سوگند به آنکه (خداوند) مرا به حق مبعوث فرموده: هر آینه قائم از فرزندانم علیهم السلام (براساس عهدي که از من به او رسیده) غایب می شود تا وقتی که اکثر مردم می گویند: خدا در آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم گزینه ای (برای قائم بودن) ندارد، و برخی هم در اصل ولادتش شک می کنند، پس هر کسی که آن زمان (غیبت) را بود؛ چنگ بزند دین خودش را (که از دست ندهد)، و با شک خود راهی برای شیطان نگذارد، که او را از ملت من زائل کرده، و از دین من بیرون ببرد، که او والدینتان را قبل از اینها از بهشت بیرون کرد، (متن اول آیه)، و خداوند (عز و جل) برای کسانی که ایمان نمی آورند؛ شیاطین را سرپرست قرار داده است (متن آخر آیه). **خلاصه:** شیطان لعین (همانند اغواي والدین بشر)، در عصر غيبت نيز مردم را به شک و انکار می کشاند، شیاطین تنها بر فاقدین ايمان سرپرستي و سلطه دارند.

سوره ياسين: ۳۰: مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهِزُونَ: این آیه بطور عموم رفتار ام را جا هل به حق پیامبرانشان را توصیف می کند، که از روی جهالت آن مردان عظیم را شناخته و بدیده استهزا می نگرند. مولا علی عليه السلام در توصیف دوران غیبت حضرت مهدی عليه السلام وضعیت حضرتش را به وضعیت حضرت یوسف عليه السلام تشبيه نموده که او آنها را می شناخت اما آنها او را نمی شناختند، شرایط حضرت قائم عليه السلام هم در دوران غیبت چنین است.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ
آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ

عَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلْ انتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ *¹²⁸

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فُلُوْبُهُمْ مُنْكَرٌ وَهُمْ
مُسْتَكْبِرُونَ * لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْرِعُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
الْمُسْتَكْبِرِينَ * وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ
لِيَحْمِلُوا أَوْزَارُهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الدِّينِ يُضْلُلُونَهُمْ بِغَيْرِ
عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ *¹²⁹

سوره الأنعام: ١٥٨ لَمْ تَكُنْ عَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ: روز قیام حضرت مهدی علیه السلام که خورشید
از مغرب طلوع می کند. اگر مسیر انکار قبل از آن داشته، ایمان در این وقت سودی ندارد.
در بیان خازنان وحی علیه السلام از این کلام وحی آمده است، ایمان به امامان گذشته علیهم السلام بدون
ایمان به امام حاضر یعنی حضرت قائم علیه السلام نیز سودی ندارد.

سوره النحل: ٤٥-٤٦ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ: مقصود از "الآخرة" زندگی دیگر (در دولت
گلستان مهدی علیه السلام) و دوران رجعت است، و اوصاف منکرین رجعت و سرانجامشان در این
آیات بیان شده است.

براساس بیان خازنان وحی علیه السلام خداوند در این آیات می فرماید: خدای شما خدای واحد و
یکتاست، (همان که این زندگی پیشین (دنیای قبل ظهور) را آفریده همان هم زندگی دیگر
(بعد ظهور و دوران رجعت) را نیز مقرر فرموده است) پس آنانکه به حقانیت و راستی زندگی
دیگر ایمان نمی آورند، دلهایشان منکر (حق تعالی و حقیقت توانایی خداوند وجود زندگی

هُنَالِكَ ابْتُلُي الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا * وَإِذْ يَقُولُ



الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا *

دیگر است (و اینها را انکار می کنند، و این انکارشان ناشی از گرفتار استکبار بودنشان است، که با امتناع از پذیرفتن حقیقت و قدرت الهی) می خواهند خود را بزرگ جلوه داده و برای خودنشان بزرگی بتراشند، هرچه باشد خداوند می داند آنچه آنها (از انگیزه این انکار) در درون خود پنداشته و نهان می کنند، و آنچه آنها (از انکار) به زبان و رفتار آشکار می کنند، همانا خداوند مستکبران را دوست نمی دارد، و اگر (مؤمنان) آنها را به آیات نازل شده از جانب خداوند در این باره تذکر دهند، و اینکه خدا چه نازل کرده برای شما (در این باره؟ و اینکه با وجود آن چطور ایمان نمی آورید و آنها را چه می گویید؟ در پاسخ؛ آنها را (نیز منکر شده؛ و افسانه های پیشینیان قلمداد می کنند، (خداوند برای این افراد سرانجام سخت را مقرر فرموده) که باید تمای بارهای گتابان خود را بدوش کشیده، و افزون بر آنها؛ وزر و بال آنانکه گمراهشان می نمایند را نیز بدوش بکشد، و چه بد باری را بدوش می کشند.

سورة الأحزاب: ۱۶: وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ: و تزلزل بسیاری؛ در غیبت و قبل از ظهور و بهره برداری منافقان و فربی جلوه دادن و عده راستین الهی. حضرت مولا علی علیہ السلام فرموده اند: زود است که بباید بر این مردم؛ دورانی که در آن حق مستور و پنهان باشد، و باطل غالب و مشهور، و این وقتی اتفاق می افتد که متولی مردم دشمنتینشان نسبت به حق باشد، و هنگامی که عده راستین الهی نزدیک شود، الحاد و بی دینی (لائیک) موقعیت بزرگ پیدا کرده، و فساد غالب شود، سپس آیه فوق را تلاوت فرمود: (آنوقت است که مؤمنان مورد ابتلا واقع شده و دچار تزلزل شدید شوند)، در این وقت است که کفار؛ ایشان را به نامهای شروران و بدکاران بنامند (رواج نامهای اشاره به تقلید کفار)، و تمام تلاش مؤمن برای حفظ جان خود از شر نزدیکترین مردم به خود است، در این شرایط است که خداوند فرج را برای اولیائش می رساند و صاحب الأمر علیہ السلام را بر دشمنانش غالب می فرماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّابِرِ * ۱۳۱

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرٌ هُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ

الْجَحِيمِ * ۱۳۲

سوره العصر ۳: إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ: در بيان خازنان وحي عليهم السلام اين سوره مباركه درباره عصر قیام حضرت قائم عليه السلام و توصیف سراججام مردمان (بر اساس خوه رویکرد و رفتارشان در دوران غیبت حضرتش) مربوط بوده، و تفسیر آن چنین تبیین گردیده است:
(والْعَصْرِ): سوگند به عصر قیام و غلبه حضرت قائم عليه السلام، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ بدروستی که همان انسان (دشمن حق) در زیان است، (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا): مگر آنانکه به آیات و نشانه های حضرات معصومین عليهم السلام ایمان آورده اند، (وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ): و کارهای نیک (مواسات برادرانه) را انجام داده اند، (وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ): و به هم تواصی (سفراش) به همان حق (امامت) داشته اند، و در دوران فترت غیبت، (وَتَوَاصَوْا بِالصَّابِرِ): به یکدیگر تواصی (سفراش) به صبر دارند. آیه مورد بحث آیه دوم سوره عصر است، که درباره دشمنان و منکران و متعددان درباره حضرت قائم عليه السلام می باشد. که این رویکردشان قبل از ظهور؛ سرنوشت ایشان را در وقت ظهور معین می کند.

سوره الحید ۱۹: وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا: صدر آیه درباره آنکه ایمان به معصومین عليهم السلام و تصدیق احادیثشان داشته و با معرفت انتظار فرج کشیده است می باشد. لاجرم بخش دوم آیه که مربوط به منکرین و تکذیب کنندگان است؛ نیز مربوط به انکار و تکذیب حضرات و قائم عليهم السلام است، شرح صدر آیه در فصل بعدی بیاید. درباره "آیاتنا" و ارتباط با حضرتش قبل اثبات شد، کفر و تکذیب آیات هم انکار حضرتش می باشد.

﴿ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَقِيقَنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَرْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرَوْنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضْلِلُ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ ﴾

لِلبَشَرِ ۱۳۳*

﴿ وَقَوْلَهُمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبَّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعُ الظَّنِّ وَمَا قَاتَلُوهُ يَقِينًا * بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ

اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۱۳۴

سورة المدثر ۳۱: ﴿ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا: ﴾ گروه آتش و موکلان نار از یاران مهدی علیهم السلام هستند، همراهی و یاوری ایشان سبب یقین مؤمنان؛ و فتنه انکار و شک برای کافران و دلهای بیمار.

سورة النساء ۱۵۷-۱۵۸: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ: ﴾ حضرت امام صادق علیه السلام با تلاوت این آیه شریفه و اینکه مَثَل غیبت حضرت مهدی علیه السلام مثل غیبت حضرت عیسی علیه السلام است (که منکر حیات او شدند؛ همینطور منکر حیات مهدی علیه السلام بخاطر طول غیبت او می گردند) فرموده اند: خداوند اندازه دوران غیبت حضرت قائم علیه السلام را به مانند دوران غیبت حضرت عیسی علیه السلام طولانی قرار داده است، ... در مورد غیبت عیسی علیه السلام؛ یهود و نصاری اتفاق نظر دارند که او کشته شد و خداوند آنها را تکذیب فرموده (آیه فوق)، و همینطور است غیبت

قالَ إِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتَيَّهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسِ

عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ۱۳۵

قائم علیل، که بخاطر طولانی شدن آن؛ امت اسلام منکر آن شده اند، پس کسی (از غیر هدایت) می گوید: که او بدنی نیامده است، و دیگری می گوید که: او بدنیآمده و مرده، و دیگری کافر شده و می گوید که: یازدهمین ما عقیم بوده است، و دیگری مارق شده و می گوید: تعداد امامان سیزده و بیشتر است، و دیگری خداوند را عاصی شده و می گوید که: روح قائم علیل در کالبد دیگری به سخن می آید. (یعنی که همه این پندارها باطل است). سپس حضرت امام صادق علیل شرح واقعه آزمایش الهی برای غربال نمودن پیروان نوح علیل که برای جدا کردن خالصین (در توحید و افراد استواری که در هیچ تاخیری متزلزل نمی شوند) از سایر امت است را بیان نموده، و می فرمایند: و همینطور است امر حضرت قائم علیل که ایام غیبتیش طولانی شده تا حق محض آشکار شده و ایمان صافی از ایمان کدر جدا شود، و مرتد شود هر که از (معروفین به) شیعه طینتش خبیث بوده و ظاهرش همراه، که بیم نفاق از آنها در دوران امنیت سلطنت حضرت مهدی علیل می رود، اینها باید مشخص شوند. (ثبتنا اللہ علی الدین الخالص والإلتزام بطاعة القائم علیل في غیبته وحضرته).

۱۳۵

سوره المائدہ: ۶۶: *يَتَيَّهُونَ فِي الْأَرْضِ*: اشاره به واقعه معروف نافرمانی بني اسرائیل؛ و کوتاهی شان در نصرت حضرت موسی علیل و نفرین وي در حق آنها؛ و مبتلا شدنشان به "تیه" و سرگشتگی چهل ساله در بیابان؛ که راه به آبادی را نمی یافتند، و هرچه تمام شب را راه می رفتند؛ صبح می دیدند که بجایی نرسیده و در موضع اول هستند. همین امر در امت اسلام هم رخداده است، ولذا جزو شأن نزول این آیه نیز می باشد. حضرت مولا علی علیل؛ نافرمانی و کوتاهی امت پس از پیامبر ﷺ؛ در التزام به امام حق و نصرت او را؛ تکرار ماجراي "تیه" و سرگشتگی و گمراهي عامه مسلمین تبیین نموده اند، و اینکه این "تیه" در امت اسلام شدیدتر از گذشته اتفاق می افتد. (و این رویکرد تقصیر و کوتاهی؛ در عصر هر امام علیل بوده است، بخصوص در عصر امام ثانی عشر علیل که بخاطر کوتاهی عموم جاهلان شیعه (از

الْمَ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعْ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَّلَ مِنَ
 الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِ فَظَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ
 فَقَسَطْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ * اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحِيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ
 مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ *

۱۳۶

جمله معنوین و سرشناسان) در عصر غیبت صغیری؛ و عدم التزام باسته شان به فراماین صادر؛ و نداشت ارتباط شایسته با وكلاء ناحیه مقدسه؛ سبب شد تا غیبت کبری اتفاق بیافتد، و قرنها سرگشتشگی برای شیعه به مانند "تیه بنی اسرائیل" بلکه شدیدتر را بیار بیاورد. حضرت مولا علی علیه السلام سپس فرموده اند: آنها که صرفاً تمنای دیدار قائم علیهم السلام را دارند و بدون تسلیم به طول غیبت؛ واستقامت در التزام؛ صرفاً به گمانه زنی در تاریخ ظهر پرداخته؛ آنها را از مستعجلین در امر الله شمرده، و خبر داده اند که آنها هلاک می شوند قبل از اینکه فرجی را ببینند، اما آنها که مؤمن مخلص و اهل تسلیم و صبر بوده؛ و در دین استوار مانده؛ و دلش به ایراد و اشکال و شک و تردید آلوهه نشده؛ و به قساوت قلب دچار نگردند، خداوند آنها را همراه مهدی علیهم السلام قرار می دهد، و از کارگزاران و یاران او می شوند، و در روز قیامت؛ در درجه من با من همنشین هستند. حضرت علی علیه السلام شیعیان سرگشته دوران غیبت را به شتران سرگردان (بی صاحب و راهبر که به دنبال و چراگاه در بیابان بوده و آنرا نمی یابند) تشبيه فرموده اند. برخلاف مؤمنین استوار که با تسلیم به حضرتش راه او را ملتزم و منتظر اویند.

سوره الحید ۱۶: فَظَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ: یعنی وقتی که مدت (غیبت) طول کشید؛ سیاهدل شدند، و بیشتر اینان فاسقند. خداوند مؤمنین امت اسلام را تذکر می فرماید که مانند آن امتهایی نباشد که با اینکه اهل کتاب آسمانی بودند؛ ولی با طول کشیدن غیبت حجت خداوند؛ استقامت نورزیده و منحرف و سیاهدل شدند. شأن نزول این آیه در بیان خازنان و حی علیهم السلام موضوع غیبت حضرت قائم علیهم السلام است، و طول غیبت او؛ که برخی استقامت

نورزیده؛ به نامیدی و انکار انحراف گرفتار می شوند، و دنباله مطلب در آیه بعدی؛ شاهد این شأن نزول است، که خداوند تاکید می کند که وعده الهی ظهور مهدی علیهم السلام؛ حق و حتمی است: بدانید که خداوند زمین را زنده می کند بعد از مردگیش، هر آینه ما آن نشانه ها (ی ظهور) را برای شما تبیین نمودیم شاید که دریابید. حیات مجدد زمین پس از مردگیش از نشانه های مشهور ظهور است؛ که در اکثر موارد طرح موضوع ظهور؛ ذکر شده است.

آغاز آیه شریفه با توصیه به "خشوع دلها برای ذکر خداوند و آنچه از حق نازل شده است" می باشد، و اینکه نباشید مثل آنانکه وقتی مدت غیبت طول کشید استقامت نورزیدند، این آغاز و نحوه بیان ما را هدایت می کند که: کلید استقامت در طول کشیدن دوران غیبت؛ بلکه وظیفه عمومی دوران غیبت همانا: خشوع قلب در ذکر خداوند و آنچه نازل شده از جانب حق (آیات قرآنی درباره حضرت مهدی علیهم السلام) و نیز نشانه ها و معارف الهی که مرتبط با موضوع حضرت قائم علیهم السلام و ظهور اوست. همچنین یاد مداوم حضرت صاحب الأمر علیهم السلام با خشوع قلب؛ و نیز نمازو و توسولات خاشعانه به حضرتش؛ از نمونه های بارز "یاد با خشوع خداوند" است که در این آیه توصیه شده، و بیمه مؤمن در دوران غیبت مولا علیهم السلام است.



ایمان و صبر و استقامت و انتظار در عصر غمیت و پیش از ظهور

ذلِكَ الْكِتَابُ لَا رَبَّ بِفِيهِ * هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ
 بِالْغَيْبِ وَيُقْيِمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا
 أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوْقَنُونَ * أُولَئِكَ عَلَى هُدًى
 مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ *

۱۳۷

سوره البقره ۴-۵: لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ: خداوند در توصیف "متقین: می فرماید: ایشان آن کسانی هستند که ایمان به "الغیب" دارند، و از حضرت امام صادق علیه السلام درباره معنای این آیات پرسش شد، فرمود: مقصود از "الغیب" حجت غائب است، و مقصود از "متقین" شیعیان علیه السلام، و در فصل نامها اشاره شد که این واژه (الغیب = همان پنهان) از اسماء حضرت مهدی علیه السلام است، و این یعنی اساس تقوی و از متقین بودن و سرآغاز آن: اعتقاد به حضرت قائم علیه السلام (که صاحب غیبت طولانی است، آنچنان که "پنهان" نامیده می شود)، و اوصاف بعدی (اقامه نماز و انفاق و ایمان به آنچه بر حضرت محمد رسول الله علیه السلام و پیامبران پیشین علیهم السلام نازل شده) همه مبتنی بر ایمان به امام غائب مستور و پنهان است، و انجام و خاتمه اوصاف متقین نیز وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوْقَنُونَ (یعنی) یقین به آخرت و زندگی دیگر (در دولت مهدی علیه السلام و رجعت) تعیین شده است، و در آخر هم تأکید فرموده که: تنها این چنین کسانی (که ایمان به امام غائب؛ و یقین به رجعت داشته) بر مسیر هدایت پروردگارشان بوده، و همین ایشانند که رستگارند.

إِلَّا الْمُصَلِّيْنَ الَّذِيْنَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُوْنَ * وَالَّذِيْنَ فِي أَمْوَالِهِمْ

حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومُ * وَالَّذِيْنَ يُصَدِّقُوْنَ بِيَوْمِ الدِّيْنِ * ۱۳۸

حضرت رسول الله ﷺ در حدیثی اوصیایی بعد از خود رانام برده، تا در (توصیف دوازدهمین) فرمود: پس بعد از اوست فرزندش محمد که مهدی و قائم و حجت ایشان خوانده می شود، پس او غایب می شود سپس قیام می کند، و چون قیام کند زمین را از قسط و عدل پرکند همچنان که از جور و ستم پر شده بود، خوشابه حال صابران در دوران غیبت او، خوشابه حال متینین بر اساس محبت ایشان علیهم السلام، آنها هستند که خداوند ایشان را در کتابش توصیف فرموده: **الذین يؤمنون بالغيب... المفلحون.**

خلاصه: در این آیات شریفه مطالب مهمی در این باره بیان شده است: لقب "الغیب" حضرت مهدی علیهم السلام، اوصاف متینین و اساس آن: ایمان به امام غائب علیهم السلام و یقین به رجعت، فضیلت مؤمن در عصر غیبت، فضیلت صبر بر غیبت، فضیلت استقامت در محبت اوصیای الهی (ائمه معصومین علیهم السلام).

138 سوره المارج ۲۶-۲۹: وَالَّذِيْنَ يُصَدِّقُوْنَ بِيَوْمِ الدِّيْنِ :

در فصل اول (سوره فاتحة) از بیان خازنان و حی علیهم السلام نقل شد که مقصود از "یوم الدین" روز ظهور و قیام حضرت قائم علیهم السلام است، که روز غلبه دین الهی است. و در فصل معرفی آیات قرآنی مربوط به حوادث ظهور نیز باید که مقصود از صدر آیه و "عذاب واقع" یکی از حوادث هولناک هنگام ظهور است.

در این آیات (۲۶-۲۹) از سوره معارج خداوند گروههایی را از آسیب در حوادث وقت ظهور استثناء می فرماید که ایشان گرفتار نشده بلکه از وقایع هولناک محفوظ و در امانند، از جمله آنها: **"وَالَّذِيْنَ يُصَدِّقُوْنَ بِيَوْمِ الدِّيْنِ"** یعنی کسانی که (قبل از ظهور و در دوران غیبت) حقانیت وقوع یوم الدین (ظهور) را تصدیق کرده، و آنرا راست و حق می دانسته اند.

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحُقُّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ

قَرِيبٌ * يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا

وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحُقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ *

۱۳۹

سوره الشوري ۱۸: در کلام خازنان و حی علیہ السلام این آیات درباره حضرت قائم علیہ السلام است. از حدیث جناب مفضل جعفی از حضرت امام صادق علیہ السلام در بیان و تفسیر این آیات آمده است که: روی کرد آنها یکی که از قیام حضرتش مطلع می شوند متفاوت است: برخی شتاب ورزیده، برخی مؤمن ولی با صبر و نگرانی انتظار می کشند، و برخی کلاً انکار دارند. امام صادق علیہ السلام می فرماید: استعجال و شتاب ورزیدن؛ منجر به مراء و تردید و انکار می شود، ولذا از آن (در آیه فلاستتعجلوه) نهی شده است. ما این آیات را در چهار باب؛ هر کدام به مناسبی و با توضیح و شرح مستقلی آورده ایم: به مناسبت انکار ولادت (یمارون) در مبحث ولادت حضرتش بیان کردیم، و نیز در مبحث منکرین حضرت هم تفصیلاً با بیان موارد انکار؛ و نیز انواع استعجال (استتعجل) که منتهی به انکار می شود؛ ذکر نموده ایم، اما در این مقام تنها به ذکر و شرح دسته سوم می پردازیم: **وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا**: آنانکه به قیام حضرتش ایمان داشته و با توجه به موضوع ظهور؛ ضمن صبر و انتظار؛ نگران رخداد واقعه ظهور هستند. نگرانی اهل ایمان برای امر ظهور جهات متعددی دارد، از جمله: بخاطر زمان وقوع آن، و آیا کی می رسد؟ و مبادا دیر برسد و خود در آن زمان نباشند؟ و چه بخاطر وقایع هولناک قبل ظهور و حین ظهور، و اینکه آیا از خطرات و مهالک آن جان سالم بدر می برند؟ و در این رخدادها آیا ثابت قدم می مانند؟ این قسمت آیه "وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحُقُّ" دو قرائت دارد: یکی قرائت رایج است، که بر اساس آن مفاد آیه مبارکه می شود: و می دانند که آن ساعت حق است. و یکی قرائت اهل بیت علیہ السلام است: **"وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحُقُّ"**. که بر اساس آن مفاد آیه مبارکه می شود: و می دانند که صاحب آن ساعت حق است. در باب اسماء حضرت قائم علیہ السلام آیاتی که حضرتش را با نام "الحق" توصیف نموده است آورده ایم.

١٤٠ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ * 

١٤١ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ * 

١٤٢ هَلْ يَنْتُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا فُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظَرُونَ *

١٤٠ سورة يومن عاشوراء: فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ: وظیفه انتظار در عصر غیبت.
همچنان که در آیات دیگر قبلًا بیان شد؛ در این آیه شریفه نیز مقصود از "الغیب" (= همان پنهان) حضرت مهدی علیه السلام است، به اضافه دستور العمل "توصیه به انتظار" است، و با توصیف ارزش انتظار که خداوند خود را نیز منتظر ظهور حضرت قائم علیه السلام شمرده، به همراه مؤمنین منتظرین ظهور.

١٤١ سورة الأعراف ٧١: فَانْتَظِرُوا: این آیه نیز به مانند آیه قبلی دلالت دارد، توضیحات فوق ملاحظه شود. در کلام خازنان و حی علیه السلام احادیث بسیاری در این باره هست، از جمله قول پیامبر ﷺ که: افضل اعمال امت من انتظار فرج است . و نیز فرموده اند: آنکه در حال انتظار فرج بمیرد، به مانند کسی است که در خیمه گاه یاران ولشکرگاه یاوران حضرت مهدی علیه السلام از دنیا رفته است. و نیز فرموده اند: شخص منتظر قیام حضرت قائم علیه السلام اجر کسی را دارد که روزها روزه و شبها را به نماز می گذراند.

١٤٢ سورة الأنعام ١٥٨: ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ... انتَظِرُوا: ایمان و نتیجه خیر ایمان در دوران قبل از ظهور است، که در وقت قیام حضرت مهدی علیه السلام سبب توفیق ثبات و نجات می شود، در این آیه شریفه به سه مهم از وظایف دوران غیبت اشاره شده است: ۱- ایمان (از جمله به امامان گذشته و امام حاضر یعنی حضرت قائم علیه السلام). ۲- نتیجه خیر از ایمان: تسليم و عمل صالح در دوران غیبت، و انقیاد و اطاعت در وقت ظهور. ۳- انتظار قیام و غلبه حضرت قائم علیه السلام.

وَيَا قَوْمَ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانِتُكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ^{۱۴۳}

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْمُ أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ^{۱۴۴}

سوره هود ۹۳: وَارْتَقِبُوا: اين آيه نيز به مانند آيه هاي قبلی، دلالت بر لزوم انتظار در دوران غيبت دارد، توضیحات گذشته ملاحظه شود، با اين تفاوت که مفاد واژه بکار برده شده در اين آيه دلالت بر مرتبه بالاتری از انتظار است که در حد مراقبت و رصد می باشد، و چه بسا اين حال و برنامه خواص مؤمنین باشد، وضعیت شخص را صد و کمین و مراقب را دارد، هر که با معرفت و تسلیم در اين حال از دنيا برود، شهید بوده و اجرش با خداست.

سوره العنكبوت ۳-۱: وَهُمْ لَا يُفْتَنُون: اين واژه در زبان کلام و حی برای "ذوب کردن طلا جهت تعیین عیار و ارزش آن" بکاري رود.

بر حسب بيان خازنان و حی ۹۳: اين آيات شريفه به امتحانات و ابتلاءات دوران غيبت حضرت مهدی ۹۳: و فتن آخر الزمان و ثابت ماندن عده قليل اشارت دارد، که در آتش فتنه ها؛ مقدار خلوص و ارزش مردم تعیین می شود، همچون طلای که عیارش با ذوب شدن معین می گردد. خداوند در اين آيات می فرماید: آيا مردم گمان کرده اند که بگويند ايمان آورديم؛ و ديگر با ذوب شدن سنجيده نشوند؟! هر آينه ما سنجش کردیم آنانکه قبل از ايشان بودند را. حضرت مولاعلي ۹۳: می فرماید: در دوران غيبت برای اينکه از فتنه ها مصون بمانيد ناشناس باشيد، همچون زنبور عسل در ميان پرندگان که او را حقير و ناجيز می شمارند، در حالیکه اگر می دانستند که اندرون او چه برکتی (عسل) هست اينطور رفتار نمي کردند.

وَلِيَمْحَصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ * أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ

تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ *

(مثل برای اولیای خدا و ذخایر معارف الهی که در سینه دارند و ناشناخته اند)، آلدگیها و اخیرات مردم محفوظ بمانید.

نکته علمی: در فقره "فليعلمن الله" (که دو بار تکرار شده) دو قرائت هست:

- قرائت مصحف عثمانی رایج: "فليعلمن...وليعلمن".

- قرائت اهل بیت ﷺ: "فليعلمن...وليعلمن".

معنای آیه بر اساس قرائت اهل بیت ﷺ می شود: تا اینکه خداوند راستگویان را مشخص و اعلام کند و دروغگویان را نیز مشخص و اعلام نماید، و با این قرائت معنا تمام و محکم است، اما معنا بر اساس قرائت عثمانی می شود: تا اینکه خداوند بداند کی راستگو و کی دروغگوست؟ با این قرائت؛ این سؤال مطرح می شود که: خداوند بدون آزمایش هم می داند کی چکاره است و برای شناختن بندگانش نیازی به آزمایش آنها ندارد. و این خود شاهدی است از شواهد بسیار لزوم مراجعه به حضرات اهل بیت ﷺ برای دریافت کلام وحی، چه اینکه ایشان خازنان وحی و خزانه داران علوم قرآن هستند.

سوره آل عمران ﷺ ۱۴۱-۱۴۲: **وَلِيَمْحَصَ اللَّهُ**: این واژه در زبان کلام وحی برای "طلایی" معرفه شده است.

که در بوته زرگری آتش می بیند تا ناخالصیهایش جدا شده و زرباب شود" بکار می رود، بر حسب بیان خازنان وحی ﷺ این آیات شریقه به امتحانات و ابتلاءات دوران غیبت امام مهدی ﷺ و فتن آخر الزمان اشارت دارد، که مردم در کوره فتنه ها خالص می شوند همچون طلایی که ناب می گردد. خداوند در این آیات می فرماید: و هر آینه خداوند خالص می گرداند آنانکه ایمان آوردن را و نابود می کنند کافران را (همچنانکه در آتش طلا خالص شده و از سنگ و ناخالصیها می سوزد و نابود می شود)، آیا گمان کرده اید که داخل بهشت شوید بدون اینکه خداوند (بداند × مشخص کند) آنانکه از شما مجاهدند و آنانکه صابرند؟

نکته علمی: فقره "علم" در این آیه، از نظر جایگاه و نقش معنایی؛ نظیر فقره "فليعلمن الله" در آیه قبلی است، ولذا از باب تنظیر مقام؛ بعيد نیست که بر شیوه قرائت اهل بیت علیهم السلام در آیه قبلی؛ اینجا نیز اینطور باشد: "لتا يعلم الله ... يعلم" (مفاد) تا اینکه خداوند مجاهدان و صابران را از میان شما مشخص کند، و با این قرائت معنا تمام و محکم است، اما طبق قرائت مصحف عثمانی رایج: "لما يعلم الله ... يعلم" مفاد آیه می شود: تا اینکه خداوند بداند کی از شما مجاهدند؟ و کی از شما صابرند؟ و اینجا همان سؤال قبلی مطرح می شود که: خداوند بدون آزمایش دنیوی بلکه قبل ورود خلائق به دنیا هم می داند کی چکاره است.

نتیجه: اگرچه بسیاری از بیانات خازنان و حی علیهم السلام در قرائت و تفسیر آیات کلام و حی به صورت نمونه ذکر شده؛ تا فقهاء خود سایر موارد را از نمونه مؤثر استنتاج کنند، اما چون در علوم قرآنی شیوه معمول مبتنی بر روایت قرائت است، و ما تا کنون روایت صریحی در این نوع قرائت در این آیه نیافته ایم؛ فلذان آنرا به عنوان قرائت نیاورده، و صرفا به عنوان تدبیری فقیهانه یاد نمودیم. در هر صورت تغییری در وجه ارتباط آیه با موضوع غیبت حضرت مهدی علیه السلام ندارد.

وجه ارتباط آیه تمحیص: اجمالا به غربال شدن مؤمنان در دوران غیبت حضرت قائم علیه السلام و کمیاب شدن ایمان جدی و خالص، و فراوانی ایمان مغشوش در اثر طول غیبت که به تردید و انکار دچار می شوند، اشارت دارد. حضرت رسول الله علیه السلام در جمع صحابه: حضرت مولاعلی علیه السلام را امام امت و جانشین بعد خود و متولی بر امت معرفی نموده، سپس فرمود: و از فرزندان وی است قائم منتظر؛ که زمین را از زمین را از قسط و عدل پرکند، همچنان که از جور و ستم پر شده بود، سوگند به آنکه (خداوند) مرا به حق؛ پشیر مبعوث فرموده: همانا ثابتین بر قول (عقیده و ایمان) در زمان غیبتش بسیار کمیابند، ... جابر بن عبد الله انصاری برخاست و عرض کرد: یا رسول الله؛ آیا برای قائم علیه السلام از فرزندانست؛ دوران غیبی است؟ حضرت فرمود: آری بخدا قسم، وَلِيُحَصَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقُ الْكَافِرِينَ، ای جابر، این امر از امر الله و سری از اسرار الهی است، که پوشیده از بندگانش است، پس بپرهیز از شک در "امر الله" که آن کفر است.

وَلَنْبُلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ

وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَنَشَرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهَتَّدُونَ * ۖ ۱۴۶

اَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاؤُودَ ذَا الْأَيْدِيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ * ۱۴۷

سورة البقرة ۱۵۷ - ۱۵۶: **وَلَنْبُلُونَكُمْ**: اشاره به انواع ابتلاءات مؤمنین در دوران غیبت و

زمان نزدیک ظهر حضرت قائم عائیلاً دارد: نگرانی، گرسنگی، گرانی، آسیبهای مالی جانی و

کاستی در ثمره زراعت و منافع تجارت، و بشارت های برای صابران در ابتلاءات، دارد. امام

صادق عائیلاً فرمود: در سالهای پیش از ظهر قائم عائیلاً نشانه هایی است که آزمایشی الهی

برای مؤمنین است، راوی گفت: ابتلاءات کدام است؟ حضرت فرمود: همان کلام خداوند

عزوجل است: "وَلَنْبُلُونَكُمْ... وَنَشَرِ الصَّابِرِينَ" و بشارت بدیه صابران را به قیام قائم عائیلاً.

سورة صاد ۱۷: **اَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ**: در بیان خازنان وحی عائیلاً از این آیه آمده است

(فاصلبر علی تکذیبهم فاینی منتقم منهم بالقائم) توصیه خداوند به حضرت رسول الله ﷺ:

صبر بر تکذیب و انکارهای دشمنان که انتقامات را بوسیله مهدی عائیلاً می کیرم..

آیات مطابق یا مشابه: (سورة طاهها ۱۳۰) **فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ**

الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ. / (سورة قاف ۳۹)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ * وَمِنَ الَّيْلِ

فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ * وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ فَرِيْبِ * يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ

ذَلِكَ يَوْمُ الْحُرُوجِ * إِنَّا هُنْ حُكْمٌ وَنُبِيْتُ وَإِنَّا الْمُصِيرُ * يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ

حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ * نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَهَارٍ فَدَكْرٌ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدٌ

/ (سورة المول ۱۰) **وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا.**

﴿ أَمْ حَسِبُتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثُلُ الدِّينَ خَلَا مِنْ قَبْلِكُمْ، مَسْتَهُمُ الْبَاسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَرُزِّلُوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ؟ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ﴾ ۱۴۸

سوره البقره: ۱۴۸: مَسْتَهُمُ الْبَاسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَرُزِّلُوا: اشاره به ابتلاءات عصر غيبيت وقبل از ظهر حضرت قائم علیهم السلام است.

حضرت امام صادق علیهم السلام به شيعيانش در مقام تعجب از بي تابي آنها از نرسيدن فرج؛ و به عنوان توصيه صبر و خویشن داري به ايشان فرموده: مشکلات و ابتلاءات شما (عليرغم سختيش) عموما سبکتر از رنجهاي مؤمنين در دورانهاي گذشته بوده، و اگر کسي در آن زمان عقيده و معرفت شما را داشت و از خانه برای نيازهاي روزمره اش بيرون مي رفت؛ تابرگردد؛ ايمن نبود از اينکه ربوده شود؛ يا دستگير و دست و پاي او قطع و بر درختان به دار کشیده شده؛ يا با اره دو نيم شود، شما آن رنجها را هنوز نديده بي تابي و استعمال در ظهر مي کنيد؟! سپس حضرتش آيه فوق را تلاوت فرمود: أَمْ حَسِبُتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثُلُ الدِّينَ خَلَا مِنْ قَبْلِكُمْ، مَسْتَهُمُ الْبَاسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَرُزِّلُوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ؟ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ. (يعني) خداوند مي فرمайд: آيا پنداشته ايد که وارد بهشت شويد با اينکه به شما نرسيده چيري از (ابتلاءات) مؤمنيني که قبل از شما بودند، که آنها را سختيها و رنجهاي بسيار رسيد، بطور يکه متزلزل شده، حتى فرستاده خدا و آنانکه با او ايمان آورده (به استغاثه از خداوند) مي گفتند: متى نصر الله؟ خداوند پاسخ ايشان مي دهد: آگاه باشيد که نصر الله نزديک است.

قبلبا بيان شد که مراد از نصر الله حضرت قائم علیهم السلام است، و آنها در استغاثه شان از وقت ظهر حضرت مهدي علیهم السلام را که موعد جميع امم است مي پرسيدند.

توضیح: اگرچه مقصود از "الجنة" به عنوان پاداش اخري؛ بهشت برين است، ولی مي تواند مقصود از اين واژه (الجنة) دولت گلستان مهدي علیهم السلام نيز باشد، که خداوند به مؤمنين منتظر ظهور مي فرمайд گمان نکنيد به آن دولت بهشت آئين بي رنج مي رسيد.

هُنَالِكَ ابْتُلِي الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا * وَإِذْ يَقُولُ

الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا *

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَأَبِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ *

سورة الأحزاب ۱۱-۱۲: ابْتُلِي الْمُؤْمِنُونَ: شدت ابتلاءات مؤمنين و تزلزل بسياري؛ در

غيبت و قبل از ظهر و بهره برداري منافقان و فریب جلوه دادن و عده راستین الهی.

حضرت مولا علی علیه السلام فرموده اند: زود است که بباید بر این مردم، دورانی که در آن حق

مستور و پنهان باشد، و باطل غالب و مشهور، و این وقتی اتفاق می افتاد که متولی مردم

دشمنتی نشان نسبت به حق باشد، و هنگامی که وعده راستین الهی نزدیک شود، الحاد و بی

دینی (لائیک) موقعیت بزرگ پیدا کرده، و فساد غالب شود، سپس آیه فوق را تلاوت فرمود:

(آنوقت است که مؤمنان مورد ابتلا واقع شده و دچار تزلزل شدید شوند)، در این وقت است

که کفار، ایشان را به نامهای شروران و بدکاران بنامند (رواج نامهای اشرار به تقليد کفار)،

و تمام تلاش مؤمن برای حفظ جان خود از شر نزدیکترین مردم به خود است، در این

شرایط است که خداوند فرج را برای اولیائش می رساند و صاحب الأمر علیهم السلام را برابر

دشمنانش غالب می فرماید.

سورة آل عمران ۴۰۰: اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَأَبِطُوا: در بیان خازنی و حی علیهم السلام این آیه

شریفه درباره وظایف مؤمنان در دوران غیبت حضرت قائم علیهم السلام توصیف شده و تفسیر آن

چنین تبیین گردیده است:

اصْبِرُوا (صبر و پایداری در ادای فرایض و وظایف دینی) **وَصَابِرُوا** (تحمل و مقاومت در برابر

دشمنان و مخالفان) **وَرَأَبِطُوا** (جانبازی و پاسداری برای امام منتظر) **وَاتَّقُوا اللَّهَ** (پروا دارید

خدا را درباره آنچه شما را امر فرموده و بر شما فریضه کرده است).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي حُسْنِِ إِلَّا

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّابِرِ * ١٥١

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * ١٥٢

سوره العصر ۳-۱: سوره العصر: در بیان خازنان وحی علیہ السلام این سوره مبارکه درباره عصر

قیام حضرت قائم علیہ السلام و توصیف سرانجام مردمان (بر اساس نحوه رویکرد و رفتارشان در دوران غیبت حضرت‌ش) مربوط بوده، و تفسیر آن چنین تبیین گردیده است:

والْعَصْرِ سوگند به عصر قیام و غلبه حضرت قائم علیہ السلام ،

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي حُسْنِ بدرستی که همان انسان (دشمن حق) در زیان است،

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا مگ آنانکه به آیات و نشانه های حضرات معصومین علیهم السلام ایمان آورده اند،

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ و کارهای نیک (مواسات برادرانه) را انجام داده اند،

وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ و به هم تواصی (سفراش) به همان حق (امامت) داشته اند، و در دوران فترت

غیبت؛

وَتَوَاصَوْا بِالصَّابِرِ به یکدیگر تواصی (سفراش) به صبر دارند.

سوره سباء ۲۹: مَتَى هَذَا الْوَعْدُ: حدیث حسینی علیہ السلام در تبیین این آیه و وجه ارتباط آن در

پانوشت ۱۴۶ نقل گردید، فلذا تکرار نشده و به آن مراجعه شود، در کلام خازنان وحی علیہ السلام

از حضرتش علیہ السلام آمده است که:

برای او (مهدي علیہ السلام) دوران غیبی است که در آن گروههایی مرتد می شوند؛ و دیگر افرادی

ثبت قدم و استوار می مانند، پس ایشان را می آزارند (و به طعنه می گویند): متی هذا الوعد إن

کنتم صادقین (کجا شد این وعده الهی؟ اگر راست گویید)، آگاه باشید آنکه در غیبت او بر

این آزارها و تکذیبها صبر کند؛ به منزله شخصی است که با شمشیر در خدمت حضرت

رسول الله علیہ السلام جهاد می کند.

أَلَا إِنَّ أُولَيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا

وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ

لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ ١٥٣

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ

الْجَحِيمِ ١٥٤ *

سوره یونس ٦٤-٦٥: أَوْلَيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ: در این آیه مقصود شیعیان مهدی علیهم السلام است که (وَكَانُوا يَتَّقُونَ) در دوران غیبت برای ظهور انتظار کشیده و تقویه می کنند و در دوران ظهور مطیع او هستند. (لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ): بشارت دنیوی برای آنها: ظهور و غلبه قائم و از بین رفت دشمنان، و بشارت اخروی: نجات در آخرت و میهمان بودنشان بر محمد و آل محمد علیهم السلام کنار حوض کوثر؛ می باشد.

سوره الحدید ١٩: وَالشُّهَدَاءُ: آیه درباره آنکه ایمان به معصومین علیهم السلام و تصدیق احادیثشان داشته و با معرفت انتظار فرج کشیده، که حتی اگر در بستر و با مرگ عادی بمیرند؛ مانند کسی که در رکاب حضرت پیامبر علیهم السلام و حضرت قائم علیهم السلام جنگیده و شهید شده می باشد. امام باقر علیهم السلام به شیعیان فرموده اند: آنکه از شما عارف به امامت ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت قائم علیهم السلام بوده، و منتظر اوست، و به کارهای خیر در راه او مواظیبت دارد، بخدا قسم مانند کسی است که با شمشیر همراه قائم آل محمد علیهم السلام جهاد کند، بلکه والله مانند کسی است که همراه رسول الله علیهم السلام در اردوگاهش شهید شود، و درباره شما آیه ای از کتاب خداست: (وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ) بخدا قسم شمائید "صدیقین و شهداء در نزد پروردگارشان".

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعْ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَّلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا
 يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَقَسَطْ
 قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ * اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
 قَدْ بَيَّنَاهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * ^{۱۰۰}

سوره الحديد: ۱۶: أَنْ تَخْشَعْ... وَلَا يَكُونُوا: در فصل قبلی وجه ارتباط این آیات تبیین شد، در اینجا به مناسبت این فصل که موضوعش استقامت در غیبت است، ضمن ارجاع مجدد به شرح قبلی؛ این مقطع آنرا یادآوری می کنیم و به هدایت الهی (بیمه استقامت در غیبت) اشاره مجدد می نماییم: آغاز آیه شریفه با توصیه به "خشوع دلها برای ذکر خداوند و آنچه از حق نازل شده است" می باشد، و اینکه نباشید مثل آنانکه وقتی مدت غیبت طول کشید استقامت نور زیدند، این آغاز و نحوه بیان ما را هدایت می کند که: کلید استقامت در طول کشیدن دوران غیبت؛ بلکه وظیفه عمومی دوران غیبت همانا این امور می باشد: خشوع قلب در ذکر خداوند و آنچه نازل شده از جانب حق (آیات قرآنی درباره حضرت مهدی علیه السلام) و نیز نشانه ها و معارف الهی که مرتبط با موضوع حضرت قائم علیه السلام و ظهرور اوست.

همچنین یاد مداوم حضرت صاحب الأمر علیه السلام با خشوع قلب؛ و نیز نماز و توسولات خاشعانه به حضرتش؛ از نمونه های بارز "یاد با خشوع خداوند" است که در این آیه توصیه شده، و بیمه مؤمن در دوران غیبت حضرت مولا علیه السلام است.

خلاصه تعلیم الهی برای مؤمنین در دوران غیبت حضرتش در دو نکته است:
 ۱- اینظر باشید که (فوقاً بیان شد).

۲- آنطور نباشید است (مانند آنها که بجای خشوع دل و ارتباط قلبي مداوم خاشعانه؛ سیاه دلی را برگزیده و بجای التزام و بندگی راه فسق و بند و باری را پیشه کردند).

مقصود از امت های گذشته که صاحب کتاب بودند و در غیبت طولانی حجت خداوند به بیراهه رفته و قساوت قلب و فسق را پیشه کردند، همانا اکثریت بپرداز حضرت عیسی علیه السلام

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَا بِهِ 156

و تمام مسيحيان هستند. چون طبق عقیده حق حضرت عيسى عليه السلام به قتل نرسیده، و خداوند او را برای حفظ از شر خلق به آسمان برد، در وقت ظهور حضرت قائم عليه السلام؛ او هم ظاهر می شود، بنابراین عيسى عليه السلام از وقت قصد به صليب کشیدن او تا به امروز در غیبت سر می برد، و وظیفه پیروان او هم انتظار همراه با التزام و طاعت ذکر با خشوع است. اما تاریخ شاهد است و امروز هم می بینیم که چه انحرافاتی در دین حضرت عيسى عليه السلام ایجاد کردند، از تغییر و تحریف انجیل و مخلوط کردن با حرفها و اوهام منحرفين، و شرک (تلثیث) و کفر (خطاب خدایی به عیسی عليه السلام = اوه مای گاد)، و شراب و خوک، و بی و بندوباری و سایر بدعتهایی که وارد کردند، و با چه قساوتی ملیونها نصرانی پیرو عیسی عليه السلام را که حاضر نبودند این انحرافات را بپذیرند کشtar کردند (به شهادت تاریخ رسمی کلیسا)، و هر که همراه منحرفين شد مسیحی نام گرفت، اینها همان انحرافات دوران غیبت عیسی عليه السلام است، که مسیحيان (حتی مذهبی و ملتزمان) به آن آلوده اند، از قساوت، سنگدلی و فسق و بی و بند و باری؛ و عدم التزام به آئین توحید؛ و ترك یاد خداوند و آيات الهی با خشوع قلب. اعادنا اللہ من ذلك و ثبتنا اللہ على طریقه القویم في غیبته وحضرته عليه السلام.

156 سوره الرعد: ۲۹ طوبی لَهُمْ: امام صادق عليه السلام: "طوبی" برای آن کسانی است که در دوران غیبت قائم آل محمد علیهم السلام متمسک به امر ما (معرفت و التزام به مولا) بوده و بعد از هدایت دلش زنگار نگیرد (دچار تردید نشده و ثبات و استقامت داشته باشد) سؤال شد: طوبی چیست؟ فرمود: درختی است در بهشت، تنہ و ریشه اش در خانه علی بن ابی طالب عليهما السلام است، و هیچ کسی مؤمن نیست مگر اینکه در خانه اش شاخه ای از شاخه های آن باشد، و این همان کلام خداوند عزوجل است: (طوبی لَهُمْ وَحُسْنُ مَا بِهِ). حضرت پیامبر ﷺ فرمود: "طوبی" برای آنانکه دوران قائم اهل بیت را علیهم السلام دریابند، و قبل از قیامش به او اقتدا کنند، دوستش را دوست بدارند، و بیزاری بجوبیند از دشمنش، و امامان هادی قبل از اولایت داشته باشند، آنها یند رفقا و همراهان من، و دوستان نزدیکم، و گرامی ترین امتن نزد من.

یاران راستین حضرت امام زمان علیه السلام

فَإِنْ يَكُفُّرُ بِهَا هُؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلَّا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ * 

157 سورة الأنعام: ٨٩: **فَقَدْ وَكَلَّا بِهَا قَوْمًا**: اصحاب مهدی علیهم السلام، اگر منکران به این حقیقت انکار و کفر بورزند، (این راه بی رهرو نمانده) و خداوند گروه دیگری را (که هیچ انکاری نورزیده) به خدمت و یاری حق می گمارد، (که آنها یاوران مهدی علیهم السلام هستند). حضرت امام صادق علیهم السلام فرمود: همانا یاران برای این امر (قیام و تاسیس دولت جهانی حق) ذخیره شده اند، و اگر همه مردم کافر شده و از صحنه یاوری بروند، آن یاران (قائم علیهم السلام) محفوظ مانده؛ و خداوند اصحاب او (مهدی علیهم السلام) را برای او می آورد، و اینها همانهای هستند که خداوند عز و جل درباره شان فرموده: **فَإِنْ يَكُفُّرُ بِهَا هُؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلَّا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ**. (ترجمه) اگر اینها به آن کافر شوند، هر آینه به آن گمارده ایم گروهی را که به آن کافر نیستند.

نکته مهم فقه الحدیث: کلمه "ظهور" در زبان فارسی دری به معنای "بروز" و "آشکارشدن" بوده و در مقابل غیبت و ستر و پنهان بودن کاربرد دارد، اما این کلمه با اینکه اصالتاً عربی است و در زبان عربی هم اگرچه معنای "بروز" و "آشکارشدن" نیز دارد، اما کاربرد بیشتر آن در مفهوم "غالب شدن" است، نمونه های بسیار کاربرد در مفهوم غلب، احادیث شریفه بسیاری است که تعبیر "ظهور القائم" یا "ظهور المهدی" دارد، در صورت تأمل در متن کامل حدیث واضح می شود که مقصود از ظهور ابتدای آشکار شدن حضرتش از پرده غیبت نیست، بلکه مقصود زمانی است که حضرتش بر دشمنان غالب شده و پیروزی گردد، عدم تحققات به این نکته دقیق؛ سبب شده که مصنفان و مؤلفان و مترجمان کتب حدیث یا موضوع حضرت مهدی علیهم السلام آنرا در معادل فارسی آن تلقی کرده و از معنای دقیق آن دور بیافتنند. بنابراین در احادیث شریفه هرجا "ظهور" بکاربرده شده یعنی "غلبه حضرت" و معادل "ظهور فارسی" را با اصطلاح "قیام" (قام) یا "خروج" (خرج) بکار می روند...

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنِ الدِّينِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَا إِيمَانَ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ

وَاسِعٌ عَلِيمٌ *

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقْلَ

158

سوره المائده ۵۴: فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ: مقصود اصحاب مهدي علیهم السلام بوده که ۶ صفت از اوصافشان در این آیه بیان شده است. در کلام خازنان وحی علیهم السلام احادیث مرتبط به بیان این آیه و آیه قبلی مشترک بوده و یک توضیح برای هر دو آیه بیان شده است.

امام صادق علیهم السلام فرمود: همانا که یاران این امر (قیام و تاسیس دولت جهانی حق) برای آن ذخیره شده اند، پس به راست و چپ نروید، هر آینه این امر بخدا قسم واضح و روشن است، بخدا سوگند اگر اهل آسمان و زمین اجتماع پیدا کنند برای اینکه امر را از جایگاهش (که خدا قرار داده) جابجا کنند؛ نمی توانند، و اگر همه این مردم کافر شوند تا اینکه دیگر احدی مؤمن باقی نماند؛ خداوند برای تحقیق این امر افراد سزاواری را می آورد که اهليت آنرا داشته باشند، آیا نمی شنوی که خداوند می فرماید: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنِ الدِّينِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ)؛ ای آنانکه ایمان آورده اید، هر که از دینش مرتد شود؛ پس بزودی خداوند گروهی را بیاورد که:

- خداوند آنها را دوست می دارد. - آنها خداوند را دوست می دارند. - در رفتار با مؤمنان خاکسارند. - در برابر کافران گرانجانند. - مجاهدان در راه خدايند. - در راه خداوند از هیچ سرزنشی واهمه و نگرانی ندارند. (از یاران مهدي علیهم السلام بودن و دارا بودن این اوصاف) خود فضل الهی است که خداوند هر که را بخواهد به او عطا می فرماید.

فَلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصَّرَاطِ

السَّوَىٰ وَمَنِ اهْتَدَى *

**وَلَئِنْ أَخْرَنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَا
يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهِزُونَ ***

سورة الجن ٤٤: أَضْعَفُ نَاصِراً وَ أَقْلَعَ عَدَداً: ما يوعدون (آنجه وعده داده می شدند) همانا قیام حضرت قائم علیہ السلام است، **ناصر** (یاور) که مقصود بازگشت و حضور مولا علی علیہ السلام آست برای یاری حضرت مهدی علیہ السلام. آیه پاسخ دشمنان و شماتت کنندگان اهل حق می باشد، که خداوند می فرماید: وقتی قیام حضرتش را بینند آنوقت است که خواهند دانست که چه کسی از نظر یاور نتوان؟ و از نظر تعداد همراهان کم شمار است؟ (یعنی خواهید دید که حضرتش در ظهور؛ هم از نظر توان و هم یاوری (مولا) و هم شمار همراهان توانند است).

سورة طاه ١٣٥: أَصْحَابُ الصَّرَاطِ السَّوَىٰ: در فصل سوم مفهوم این واژه "الصراط السوی" توضیح شد که از اوصاف امام مهدی علیہ السلام بوده و حضرتش مقصود است، و مراد از "اصحاب الصراط السوی" یاران حضرت قائم علیہ السلام هستند. حضرت امام کاظم علیہ السلام می فرمایند: از پدرم درباره این آیه پرسیدم؟ فرمود: الصراط (السوی) همان قائم علیہ السلام است، و مقصود از هدایت در "من اهتدی" فرمانبرداری است، (آنکه هدایت یافته) یعنی آنکه به طاعت و فرمانبرداری از حضرتش هدایت یافته است. آغاز این آیه پاسخ فرستاده خداوند به افراد منکر و متعدد است که خداوند می فرماید به آنها بگو: هر کدامان درنگ می کنیم، پس زود است که بدانید که چه کسانی یاران صراط سوی (حضرت قائم علیہ السلام) هستند، در این نوع بیان نکته ای هست: نوعی افتخار به این یاران، که خداوند و فرستاده اش به کافران و شاکان؛ آمدن یاران حقيقی را وعده داده و به رخ ایشان می کشد.

قالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أُوَّلِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ * ١٦٣

فَإِذَا جَاءَهُ وَعْدُ أَوْلَاهُمَا بَعْثَنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَيْ بَأْسٍ

شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا * ١٦٤

161 سوره هود ۸: امة معدوده: (جمعیتی که عددشان معین است) و آن اصحاب حضرت قائم عائیلہ می باشند که تعدادشان معین و به عدد اصحاب بدر (۳۱۳ نفر) است. مقصود از "العذاب (همان عذاب)" قیام و غلبه حضرت مهدی عائیلہ بر مستکران جهان است، که این واقعه همان عذاب موعود برای آنهاست که طومار حکومت ظالمانه و سلطه و آزارشان بر بشریت را در هم می پیچد، آیه گزارش از رفتار اینها و همراهان منکر و متعددشان است: «وقتی همان عذاب را از گرفتارشدن فوري آنها تا (اجتماع) "امة معدوده" تاخیر انداختیم، می گویند: چه چیز رسیدن آن عذاب را باز داشت؟ (یعنی اینکه چون کسی مانع عذاب نبوده و نیامده؛ پس حقیقت ندارد)، آگاه باشند که روزی که آنها در رسد، به هیچ وجه از آنها دور و برطرف نمی شود، و آنچنان از بین برد آنها را که (واقعی بودن ظهور دولت الهی را) استهزاء و مسخره می کردند».

162 سوره هود ۸۰: رکن شدید: (یعنی قوم و عشیره استوار و حامی که تکیه گاه شخص در شرایط سخت و هجوم دشمن حمایت از وی کنند)، مقصود در این آیه و کلام نقل شده از حضرت لوط عائیلہ اصحاب حضرت قائم عائیلہ می باشند، آنچنان ایشان در استواری سخت و در حمایت و مواجهه با دشمن سخت هستند؛ که انبیای الهی عائیلہ در شدائید آرزوی تکیه و پناه آنرا می نمودند.

163 سوره الإسراء: ۵: عِبَادًا لَنَا أُولَيْ بَأْسٍ شَدِيدٍ: (بندگان خداوند که دارای کوبندگی و صلابت در عملکرد بوده) و قبل از قیام قائم عائیلہ و با نزدیک شدن هنگام آن؛ از جانب حق برانگیخته شده؛ و سرزینهای را جستجو کرده (و هر جا دشمنان حق را بیابند دفع می کنند) و این وعده الهی انعام شده و حتمی است.

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَا نَفْسٌ كُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ
الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلَيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوا أَوَّلَ مَرَّةً

وَلَيُتَبَرُّوا مَا عَلَوْا تَتَبَيَّرًا * ۱۶۴ *

فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا * ۱۶۵ *

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ
نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ
أَجْرًا عَظِيمًا * ۱۶۶ *

سوره الإسراء ۷: **لِيَسُوءُوا ... وَلَيَدْخُلُوا... وَلَيُتَبَرُّوا:** (آنانکه = يعني حضرت قائم عاشیلا و اصحابش)، خداوند به ایشان می فرماید: اگر نیکویی کنید به خود نیکویی کرده اید، و اگر بدی کنید به خود بدی کرده اید، هنگایی که وعده دیگر (زندگی دیگر = دولت مهدی عاشیلا) فرا رسید، ایشان چهره های شما (دشمنان) را (از غم و ناراحتی و وحشت) بد کنند، و (فاتحانه) وارد مسجد الحرام می شوند؛ همانطور که حضرت رسول الله ﷺ و یارانش در اولین بار (فتح مکه) واردش شدند، و هر که از دشمنان که دست بیابند از بین برند.

سوره البقره ۱۴۸: **أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ:** این آیه شریفه درباره اصحاب حضرت قائم عاشیلا است، که خداوند به ایشان می فرماید: دنبال سبقت گرفتن بر خیرات (ولایت و فرمانبرداری معصومین عاشیلا) باشد، هر گاه وقت ظهور فرا برسد؛ شما هر کجاي زمين باشيد خداوند خود؛ در ساعت ظهور؛ همه شما را برای حضرت مهدی عاشیلا فراهم آورده و گرد او جمع می فرماید.

سوره الفتح ۱۰: **إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ:** (آنانکه با تو بیعت می کنند) مقصود اصحاب حضرت قائم عاشیلا است، اگرچه این آیه در آغاز دوران حکومت اسلام؛ در زمان بیعت

﴿ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبِشُرُوا بِيَعْصُمُ الذِّي بَأَيَّعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحِدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ * ١٦٧﴾

﴿ وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَايَةِ الْمُنْكَرِ وَلَا يَرْبَطُونَ نُكُوصًا ۝ ١٦٨﴾

اصحاب با حضرت رسول الله تحقق یافته است، اما تحقق راستین و حقیقی این آیه در وقت ظهور و بیعت یاران با مهدی علیهم السلام، و نیز حضرت برای بیعت این آیه را تلاوت می کنند.

سوره البراءه ۱۱۲-۱۱۱: **المُؤْمِنِينَ**: (همان مؤمنان) مقصود اصحاب حضرت قائم علیهم السلام است، که خداوند با آنها جان و مالشان را معامله فرموده که در راه خدا کنند و در برآبرش بهشت برای آنها باشد، پس می جنگند در راه خدا و می کشند و کشته می شوند، و این وعده راستین حق است که در تورات و انجیل و قرآن ثبت شده، پس هر که وفا کند به پیمانش با خداوند، باید که از این معامله اش با خداوند مژده بگیرد، و این موفقیتی سترگ می باشد، این معامله با خداوند در یوم میثاق و روز "الست..." واقع شده و تحقق آن در ظهور و رجعت است،

و در ادامه و آیه بعدی؛ بیان اوصاف این مؤمنان (اصحاب مهدی علیهم السلام) را می آورد. که ایشان: تائبانند و عابدانند و ساختانند (آنانکه سیاحتshan برای خداست بین مساجد و مشاهد الهی و سفر برای طلب معرفت و تبلیغ معارف الهی و خدمت خداوند می گذرد) و راکعناند و ساجدانند و آمران به معروفند و ناهیان از منکرند و حافظان حدود الهی هستند، و بشارت باد این مؤمنان را.

وَيَنْهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ *^{١٦٨}

وَأُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ *^{١٦٩} 

وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهُدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ *^{١٧٠} 

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفَ وَالرَّقِيمَ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا *
إِذَاً أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيَّءْ لَنَا مِنْ
أَمْرِنَا رَشَدًا * فَصَرَبَنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا * ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ
لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحَرَبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا * تَحْنُ نَقْصُ عَلَيْكَ نَبَأُهُمْ
بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى * وَرَبَضْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ

168 سوره آل عمران علیهم السلام: أَمَّةٌ يَدْعُونَ.. ويامرون.. وينهون..: مهدي علیهم السلام ويارانش کسانی هستند که حقیقتا موفق به دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر بطور کامل شده و زمین را پاک می کنند.

169 سوره المجادله: حِزْبُ اللَّهِ: پیروان و یاران حضرت قائم علیهم السلام هستند، در کلام نبی علیهم السلام او صاف حزب الله را: ایمان به امام مهدی علیهم السلام، و صبر در زمان غیبت همراه با انتظار، و استواری بر محبت حضرتش بیان فرموده اند.

170 سوره الأعراف: وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهُدُونَ بِالْحَقِّ: برخی از بزرگان قوم حضرت موسی علیهم السلام که از دین او منحرف نشده و یهودی نگردیده اند، در وقت ظهور به دنیا بازگشته و از یاوران حضرت مهدی علیهم السلام می شوند.

قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَّا لَقَدْ
قُلْنَا إِذَا شَطَطًا * هَوَلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَلَهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ
بِسُلْطَانٍ بَيْنَ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا * وَإِذْ اعْتَرَلُتُمُوهُمْ
وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ فَأَوْلُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرُ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ
وَيَهِيَّ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقاً *

¹⁷¹

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيشَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًا مِمَّا

ذَكَرُوا بِهِ *

بَلِ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدُكُمْ
رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ * وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا
بُشَرَى لَكُمْ وَلَتَطْمَئِنَ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ
¹⁷² الحَكِيمُ

¹⁷¹ سورة الكهف ١٦-٩: آيات اصحاب کهف: خواب دوم اصحاب کهف تا وقت ظهرور است که در وقت ظهرور به دنیا بازگشته، و از یاوران حضرت مهدی علیه السلام هستند.

¹⁷² سورة المائدہ ١٤: نَصَارَى أَخَذْنَا مِيشَاقَهُمْ : برخی از نصاری و پیروان حضرت عیسیٰ علیه السلام که از دین او منحرف نشده و مسیحی نگردیده (اند) عهد الهی را که فراموش کرده؛ بیادآورده و با ایمان به حضرت قائم علیه السلام همراه او در خدمت قیام هستند.

¹⁷³ سورة آل عمران ١٤٥-١٤٦: يُمْدِدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ حضور ٥٠٠٠ ملائکة امداد الهی در قیام حضرت مهدی علیه السلام .

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَقِيقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَرْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضْلِلُ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٍ

لِلْبَشَرِ * ۱۷۴

سوره المدثر ۳۱: اصحاب النار: خازنان و حی علیهم السلام بیان نموده اند که: این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام و یاورانش است، مقصود از "آتش" حضرت قائم علیه السلام است؛ که آتش قیام او شرق و غرب عالم را روشن می کند، و "یاران آتش" یاران حضرت مهدی علیه السلام هستند، که تعداد محدود ایشان؛ سبب فتنه برای کافران است، و سبب اینکه به (مرتبه) یقین برسند آنانکه صاحبان کتاب (شیعیان و خواص مؤمنان) که دارای کتاب درباره قائم علیه السلام هستند، و فزون گردد ایمان مؤمنان، و در این امر صاحبان کتاب (شیعیان و آنانکه دارای کتاب درباره قائم علیه السلام هستند) و مؤمنان شکی نمی دارند، و آنانکه در دھایشان بیماری است و کافران؛ از این امر تعجب (انکار) ورزیده، و به عنوان تحقیر و استهزای گویند: خدا از این امر چه مثلی را اراده نموده است؟ و این چنین خداوند هر که را بخواهد گمراه می کند، و هر که را بخواهد هدایت می کند، و کسی جنود و لشکریان پروردگارت را نمی داند مگر خود او، و نیست این مگر یادآوری برای همه بشر. این تبیین براساس تاویل و معنای پنهان آیه بود.

اما اگر این آیه بر اساس تزیل و معنای ظاهر آن ملاحظه شود که مقصود همان موکلان دوزخ باشند، چرا تعداد موکلین آتش سبب انکسار آنها شده؟ و تعداد آنها چقدر است؟ چون در آیه قبلی تعداد ایشان را ۱۹ نفر یاد کرده، و آنها از اینکه این تعداد بتوانند همه دوزخیان از جن و انس را عذاب کنند تردید بلکه انکسار داشته اند، اما مؤمنان بخاطر معرفتشان به قدرت خداوند، داشتن عدد موکلین آتش برایشان تردیدی نیاورده چون به قدرت مطلقه

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَاجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى

وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۗ ۱۷۵ *

الهي باور داشته و او را بی نیاز از اسباب و اعوان می دانند، فلذا داشتن عدد؛ تنها به معرفتشان افزوده است، ولی کافران و منافقان چون آن معرفت را نداشته و چشمنشان را اسباب پرکرده، لذا به آن مشغول شده، و نه ذات غنی حق تعالی را شناخته و نه قدرت این اسباب را دانسته، فلذا منکر شدند. ارتباط معنای باطن و ظاهر آیه: در باب معنای مرتبط به ظهور قائم علیللا هم در نظر کافران و مقصراں؛ تعداد ۱۹ نفر مولک آتش؛ ناتوان از دفع شر جهانی از افراد منکر و کافر و ظالم و طاغی در روی کره زمین بوده، فلذا آنها ایشان را از توانایی دفع شر تعداد بسیار ناتوان می دانند.

سوره البقرة: ۳۴ فَسَاجَدُوا : در فصل دوم و ششم قبل از درباره معنای آیه و مفهوم سجده و اباکنندکان از سجده اشاراتی شد، در اینجا به بیان وجه ارتباطی این آیه با این فصل (یاران مهدی علیللا) می پردازیم: ۱- سجود برای آدم علیللا از روی عبودیت برای الله و اطاعت آدم علیللا و تعظیم برای آنوار معصومین علیللا (از جمله مهدی علیللا) بوده که آنوقت در آدم علیللا و دیعه بوده است. ۲- سجده به معنای منتهاي عبودیت و تسليم و اطاعت است، و بیانگر لروم منتهاي تسليم و اطاعت نسبت به حضرت مولا صاحب الأمر علیللا است. البته سجده مراتب مختلفی دارد از اعتقاد به اصل امامت و تسليم ظاهري و التزام به شرعیات گرفته؛ تا حق معرفت و اسلام تمام و انقیاد کامله در ظاهر و باطن؛ از جوارح و قلب و ذهن و فکر و خیال و احوال. ۳- ساجدین آنانکه با فرمان الهی سجده؛ بی درنگ و فورا سجده نمودند ملائکه مقربین در محضر حق بودند، و در روی زمین نیز همواره انسانهایی ملکوتی و فرشته وش هستند که بر آدم زمان خویش سجده نموده، و ضمن اعتقاد و تسليم به او؛ انقیاد کامل به اوامر و فرامینش در ظاهر و باطن داشته باشند، حضرت مهدی علیللا آدم این دوران است.. و آنانکه ساجد حضرتش بوده یاران اویند. همچنین استفاده می شود که آن ملائکه ساجدین بر آدم علیللا همواره به فرمان حضرت قائم علیللا بوده و یاریش می نمایند.

تاریخ ظهور حضرت ولی عصر علیہ السلام

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى
الشُّورِ وَذَكْرُهُمْ بِأَيَامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لِآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ *

۱۷۶

وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ *

۱۷۶ سوره ابراهيم علیهم السلام : آيات الله: خازنان وحی علیهم السلام بیان نموده اند که مقصود از آیات الله

سه روز است: روز قیام حضرت قائم علیهم السلام، وروز کرت (رجعت)، وروز قیامت.

خداوند در این آيه می فرماید: ما موسی علیهم السلام را با آیات و نشانه های الهی فرستادیم و او را گفتیم که قوم و مردم خویش را از ظلمات و تاریکیها بیرون برده و به نور درآور، وآنها را به آیات الله یادآوری کن، همانا در این آیات نشانه هایی است برای بر هر که بسیار صبور و بسیار سپاسگزار باشد. یعنی که نجات بالاتر با قیام حضرت قائم علیهم السلام، ورجعت و سرانجام در قیامت و سرای جاویدان است، و موفقیت و رستگاری در هر سه روز؛ در گرواین دو ویژگی است.

در حدیثی حضرت مولا علی علیهم السلام آیات الله را این سه روز را نام برده و مصدق "الغیب" شمرده، که تاریخ آن بر عموم پوشیده است، و این سه روز آیام آل محمد علیهم السلام است، که ایشان در آن اختیاردار امور هستند.

۱۷۷ سوره الروم : ارتباط این آیه با موضوع ظهور و دولت مهدی علیهم السلام در توضیح آیات قبلی در مبحث یاردهم (واقع ظهور) ذکر می شود.

وَعْدَ اللَّهِ: در این آیه (با اشاره به موضوع نصرت نهائی آل محمد علیهم السلام) بر امویان با غلبه حضرت قائم علیهم السلام در آیات قبلی) می فرماید که: این امر وعده الهی است که تخلف نابذیر است.

قالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبَعْثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ *

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ * ۱۷۸

سورة الحجر - ۳۶- ۳۸: **يَوْمٌ يُبَعْثُونَ**: روز برانگیخته شدن حضرات معصومین عليهم السلام با هم در رجعت صغیری، و آن همان **يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ**: روزی که وقت و هنگام آن معلوم است، و در بیان خازنان وحی عليهم السلام آمده است که مقصود از این (یوم وقت معلوم) که پایان مهلت ابلیس رجیم است، همانا روز ظهر حضرت مهدی عليه السلام است.

این آیات شریفه به بیان واقعه خلقت آدم عليه السلام و فرمان الهی سجده بر آدم عليه السلام و تمرد ابلیس، مربوط می شود: وقتی خداوند متعال آدم عليه السلام را به دست قدرت و ابداع الهی ساخته و پرداخته؛ و روح در آن دمید، انوار عظیمه خمسه طیبه و معصومین عليهم السلام از پشت او به آسمان تایید، بطوریکه کائنات و سماوات را روشن نمود، در این هنگام خداوند ملائکه را به سجد بر آدم عليه السلام (که مظہر این انوار الهی بود) فرمان داد، همه فرشتگان فرمانبرده و سجده بر آدم عليه السلام نمودند، مگر ابلیس که در جمعشان بود، و بخاطر این نافرمانی از حضرت قدسی حق رانده گشت، ابلیس لعین برای خود مهلت خواست تا: روز برانگیخته شدن حضرات معصومین عليهم السلام (با هم در قیام حضرت قائم عليه السلام و رجعت صغیری)، خداوند او را تا روز وقت معلوم (که مقصود زمان ظهر حضرت مهدی عليه السلام است) مهلت فرمود. ولذا بعد از ظهر حضرت قائم عليه السلام و پیروزی ایشان، وقتی در مسجد کوفه مستقر می شوند، ابلیس متذللانه و سجده وار به حضورشان آمده، و حضرتش را او را گردن می زنند، و آنروز پایان عمر اوست.

زمان حضرت آدم عليه السلام تا حضرت قائم عليه السلام در تعالیم مکتب وحی؛ هفت دور (دوران) است، و هر دور صاحی دارد، که آن دوران به او تعلق دارد: دور اول به حضرت آدم عليه السلام، دور دوم به حضرت نوح عليه السلام، دور سوم به حضرت ابراهیم عليه السلام، دور چهارم به حضرت موسی عليه السلام، دور پنجم به حضرت عیسی عليه السلام، دور ششم به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، دور هفتم به حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، و اینها را ادوار سبعة و ایشان را ائمه سبعة می نامند. امام هر دوران آدم همان زمان است، اگر ابلیس سجده بر آدم در دور اول را تردید و انکار نمود، ولی سرانجام در دور هفتم آدم را سجده می نماید.

قالَ رَبِّ فَأَنْظُرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبَعْثُونَ * قالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ *

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ * ١٧٩

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأً بَعْدَ حِينَ * ١٨٠

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَّةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا * ١٨١

سورة صاد - ٧٩ - ٨١: **يَوْمٍ يُبَعْثُونَ**: روز برانگیخته شدن حضرات معصومین علیهم السلام با هم در رجعت صغیری، و آن همان **يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ**: روزی که وقت و هنگام آن معلوم است، و در بیان خازنان وحی علیهم السلام آمده است که: مقصود از این "یوم وقت معلوم" (که پایان مهلت ابلیس رجیم است) همانا روز قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. شرح آن در توضیح آیات قبلی گذشت.

سورة صاد - ٨٨: **نَبَأٌ بَعْدَ حِينَ**: بنا بر بیان خازنان وحی علیهم السلام: این آیه نیز در ادامه آیات قبلی است که اشاره به زمان رجعت و وقت معلوم و معین ظهور شد، با ارجاع این واقعه به حضرت مهدی علیه السلام؛ کأن برای منکرین تردید بیشتری رخ می دهد؛ فلاندا خداوند در این آیه و در پایان این یادآوری می فرماید: هر آینه بزودی خبر آن (قائم علیه السلام) را مطلع می شوید بعد از گذشتن زمانی؛ یعنی در وقت قیام حضرت مهدی علیه السلام.

سورة الحج - ٧: **السَّاعَةَ آتِيَّةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا**: در حدیث نبوی علیهم السلام به مناسبت این آیه آمده است: "ساعت" فرا نمی رسد مگر اینکه مهدی علیه السلام از نسل من؛ حاکم همه زمین شود؛ و آنرا مملو از عدالت نماید. اگرچه اصطلاح "الساعة" هم برای "قیامت کبری" بکار برده شده و هم برای "قیامت صغیری"، ولی از آنجا که در اینجا سخن از حکومت قائم علیه السلام قبل از "الساعة" است؛ پس مقصود از آن همان "قیامت صغیری" و رجعت است که قبل از آن "غلبه مهدی علیه السلام" بر زمین دولت او" رخ می دهد. و "رجعت و دولت مهدی علیه السلام" قبل آن "فرا می رسد و در آن تردیدی نیست.

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ

۱۸۲ * مُسْتَقِيمٌ

ذُرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا * وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا * وَبَنِينَ
شُهُودًا * وَمَهَدْتُ لَهُ تَمَهِيدًا * ثُمَّ يَطْمَعُ أَنَّ أَزِيدَ * كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا
عَنِيدًا *

سوره الزخرف ۶۱: وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ: آيات قبلي سخن از حضرت عيسى ﷺ و مثل
بودنش برای امت بود؛ در ادامه و در این آیه خداوند می فرماید که: عیسی ﷺ نشانه ای
است برای "السَّاعَة" (قیامت صغیری)، که او برای حضور در قیام حضرت قائم ﷺ و یاریش
از آسمان فرود می آید.

این قسمت آیه (العِلْم) قراءات مختلفی دارد، از جمله دو قرائت دیگر (العِلْم - لِلْعِلْم) را افرادی
از اهل بیت ﷺ و نیز صحابه و تابعین و قراءه بسیاری (۱۳) داشته اند.
و این دو قرائت بر روایت حفص (العِلْم) ترجیح دارد، چه اینکه این قرائتها از نظر تعبیری،
مطابق صریح آن مفهوم (نشانه بودن) می باشد، که در بیان خازنان وحی ﷺ از این آیه شریفه
آمده است. البته روایت حفص (العِلْم : به معنای دانسته ای) هم از نظر محتوایی و مفهوم کی
نیز با بیان خازنان وحی ﷺ (از این فقره) همسو و توافق دارد، اگرچه از نظر تعبیر؛ قرائتهاي غير
روایت حفص صریحتر است.

سوره المدثر ۱۱-۱۶: وحید: نام قرآنی ابلیس است، ولذا در بیان خازنان وحی ﷺ از
نامگذاری اهل ایمان به این نام، نهی شده است.

مددودا: مکنت و دولت ابلیس تا "بوم الوقت المعلوم" که زمان قیام حضرت قائم ﷺ است،
امتداد دارد.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّ الْعَالَمِينَ
يُجْلِيهَا لَوْقِتُهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً
يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيْظٌ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَعْلَمُونَ *

۱۸۴

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ *

۱۸۴ سورة الأعراف: السَّاعَةَ ... تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً: در کلام خازنان وحی علیہ السلام از حدیث جناب مفضل جعفی از حضرت امام صادق علیہ السلام آمده است که: مقصود از "السَّاعَة" در این آیه شریفه، ساعت قیام حضرت قائم علیہ السلام است. خداوند می فرماید: تو (پیامبر علیہ السلام) را می پرسند از ساعت و هنگام آن، که چه وقت فرامی رسد؟ بگو: همانا علم آن تنها نزد پروردگارم است، آن زمان را در وقت خودش آشکار نمی سازد مگر او (خداوند)، این ساعت سنگین ترین (حقیقت) است در آسمانها و زمین، شما را نمی آید مگر (بَغْتَةً) ناگهانی، طوری از تو می پرسند؛ بمانند آنکه تو از آن بقدیری پرسیده ای که آنرا می دانی، بگو: همانا علم آن تنها نزد خداوند است، ولکن بیشتر مردم آنرا نمی دانند.

۱۸۵ سورة الزخرف: السَّاعَةَ ... تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً: در کلام خازنان وحی علیہ السلام از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام درباره این آیه سؤال شد، حضرتش فرمود: منظور از آن، ساعت و زمان قائم علیہ السلام است که آنها را (بَغْتَةً) ناگهانی فرامی رسد.

توضیح: در این آیات معلوم شد که هنگام ظهور امری معین بوده؛ ولی به شدت مکتمول است، و علیرغم وقوع علایم مقدماتی خاص ظهور؛ ولی طوری اتفاق می افتند که بر اهل زمان ظهور هم پوشیده بوده؛ و آنها هم نمی توانند (از شواهد و قرائن) تاریخ دقیق وقوعش را صحیح حدس بزنند، فلذاست که برای آنها هم؛ واقعه ظهور امری ناگهانی و بعثتی می باشد. و خداوند آنرا تنها در زمان وقوعش آشکار می سازد.

فَهُلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةُ أَنْ تَأْتِيهِمْ بَعْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى
لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ^{۱۸۶}

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُونُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا
عَنْ طُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ * بَلْ تَأْتِيهِمْ بَعْتَةً فَتَبَهَّهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ^{۱۸۷}

سوره محمد ﷺ: الساعه ... تأتيهم بعثة: در کلام خازنان وحی مطہری از حدیث جناب مفضل جعفی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که: مقصود از "الساعه" در این آیه شریفه، ساعت قیام حضرت قائم علیه السلام است.

مفضل از حضرتش درباره تعیین وقت آن می پرسد، حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: هرگز خداوند وقت آنرا معین نمی نماید. سپس با تلاوت آیات مرتبط با وقت ظهور از جمله آیه فوق، ناگهانی بودن قیام حضرتش را تأکید؛ و از تعیین وقت آن نهی و امتناع کرده، و سپس فرمود: هر که تعیین وقت ظهور کند؛ شراكت در علم خداوند نموده، و ادعاء کرده که: خداوند او را از علم پنهانش آگاه فرموده است (و این ممکن نیست).

در این آیه به وقایع نشانه ظهور نیز اشاره شده؛ که در باب مربوطه آنرا تبیین می کنیم.

سوره الأنبياء مطہری ۳۹-۴۰: النار ... تأتیهم بعثة: قبله بیان شد که یکی از توصیفات بکار برده شده (در قرآن کریم) برای حضرت قائم علیه السلام ("النار آتش") است. و در این آیه ناگهانی در رسیدن آن آتش خشم الهی را خبر می دهد.

خداوند می فرماید: بلکه (آن آتش) بطور ناگهانی فرا می رسیدشان؛ آنجنانکه آنها را مبهوت می کند، بطوریکه نه می توانند آنرا دفع (یا انکار کرده) و نه اینکه برای جیران آن (همه انکار و کفر و دشمنی) مهلقی به آنها داده می شود.

فُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَدًا أَوْ جَهَرًا هَلْ يُهْلِكُ
إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ * ۱۸۸

قَدْ حَسِرَ النَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءَ اللَّهِ حَقًّا إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَعْتَدًا
قَالُوا يَا حَسَرَتْنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أُوزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ
أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ * ۱۸۹

سورة الأنعام: ۴۷: أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَدًا: مقصود از "عذاب الهی" یرای ستمکاران
جهان؛ قیام حضرت قائم عائیل است. خداوند ی فرماید: (ای پیامبر ﷺ) بگو: اگر عذاب
الهی فرا رسد شما را؛ ناگهانی یا بطور آشکار؛ آیا کسی جز گروه ستمکاران هلاک ی شود؟
در این آیه آشکار بودن رسیدن عذاب را در مقابل ناگهانی بودن آن مطرح نموده است، و این
به معنی آنست که در صورت ناگهانی بودن؛ پنهان فرا می رسد، که البته پنهان بودن مقدمات؛
از لوازم ناگهانی بودن است. ناگهانی بودن ظهور مانع از هر گونه حدس و گمان و پیش بینی
درباره تاریخ آن؛ چه بررسد تعیین آنست.

سورة الأنعام: ۳۱: جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَعْتَدًا: مقصود از "الساعة" در این آیه شریفه؛ ساعت
قیام حضرت قائم عائیل است. و این هنگام بطور ناگهانی فرا می رسد. خداوند ی فرماید: به
تحقیق زیان کرده اند آنانکه لقاء الله را تکذیب نموده اند، و قی که هنگام ظهور آنها را
ناگهانی بیاید، بگویند: وای چه حسرت می خوریم برای آنچه تفریط و کوتاهی در این باره
ورزیدیم، و آنها بار گناهنشان را بر پشت‌هایشان می برنند، و چه بد باری می برنند.

از اینکه اینها با ظهور و ملاقات با حضرت مهدی عائیل از تکذیب‌شان نسبت به لقاء
الله برگشتند؛ و بر کوتاهیشان درباره فرا رسیدن این زمان حسرت می خورند؛ معلوم می شود
که مقصود از "لقاء الله" که منکرون؛ همانا "لقاء وجه الله" است، که روپروردیدن با حضرتش
را باور نکردند؛ بلکه همواره تکذیب نموده، و بخاطر این روپروردید؛ زیانکار و بد بارند.

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِرُوا بِهِ فَتَحَنَّا عَلَيْهِمْ أَبْوَابٌ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخْدَنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ * فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^{۱۹۰}

﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا﴾^{۱۹۱}

سوره الأنعام ۴۴-۴۵؛ أَخْدَنَاهُمْ بَغْتَةً: در کلام خازنان وحی علیہ السلام از حدیث حضرت امام باقر علیہ السلام آمده است که این آیه شریفه درباره قیام حضرت قائم علیہ السلام بوده، که حاوی ناگهانی بودن ظهور حضرتش؛ و سرنوشت ترك کنندگان مسیر حق است. همچنین در این بیان شریف آمده؛ خداوند می فرماید: وقتی که ولايت علی امیر المؤمنین علیہ السلام را فراموش و ترك کردن؛ آنچه را به آن امر و تذکر داده شده بودند، ما (خداوند) دربهای همه چیز را برآنها گشودیم و به دولت و مکنت دنیوی رسیدند، تا اینکه شاد شدند به آنچه دارا شده بودند؛ آنگاه آنها را با قیام قائم علیہ السلام بطور ناگهانی عذاب فراگرفتیم؛ آنچنان همه چیز را از دست دادند؛ انگار که هیچ سلطنت و مکنتی نداشته اند، پس (این چنین) تا آخرین نفر گروه ستمکاران ریشه کن شدند، و سپاس برای خداوند است که پروردگار جهانیان است.

سوره الأحزاب ۶۳: السَّاعَةِ: در کلام خازنان وحی علیہ السلام از حدیث جناب مفضل جعفی از حضرت امام صادق علیہ السلام آمده است که: مقصود از "الساعة" در این آیه شریفه؛ ساعت قیام حضرت قائم علیہ السلام است. خداوند می فرماید: مردم تو (پیامبر علیہ السلام) را می پرسند از ساعت و هنگام آن؟ بگو: همانا علم آن (**عند الله**) تنها نزد خداوند است، و چه می دانی از آن؛ شاید که این هنگام (قریباً) نزدیک باشد.

توضیح: از مجموع آن کلام شریف استفاده می شود که زمان دقیق ظهور امری است نزد خداوند مستور، ولی نزدیک بودن آن یادآوری می شود. فلذا ضمن ترقب و انتظار از تعیین

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحُقْقَ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ

قَرِيبٌ * يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا

وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحُقْقُ إِلَّا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ *^{۱۹۳}

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا

الرَّزْكَةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ

اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لَمْ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخْرَجْنَا إِلَى

أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ

*^{۱۹۴} فَتِيَّلًا

وقت برای ظهور باید پرهیز شود؛ چه اینکه هر کلامی در این زمینه باطل و محکوم به خطاست. (راز نزدیک شمردن وقوع "الساعة" را در توضیح آیات بعدی می آوریم).

سوره الشوری ۱۷-۱۸: الساعه قریب: در کلام خازنان وحی ﷺ از حدیث جناب مفضل

جعفی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که: مقصود از "الساعة" در این آیه شریفه، ساعت قیام حضرت قائم علیه السلام است. یعنی اینکه قیام حضرت قائم علیه السلام نزدیک است.

خداآوند می فرماید: (بیامبر ﷺ) و چه می دانی از آن؛ شاید که این هنگام (قریبا) نزدیک

باشد. ما این آیات را قبل از در سه باب دیگر (هر کدام به مناسبی و با توضیح و شرح مستقلی) آورده ایم. (راز نزدیک شمردن وقوع "ظهور" را در توضیح آیات بعدی می آوریم).

سوره النساء ۷۷: أجل قریب: مقصود وقت ظهور حضرت قائم علیه السلام است این حاوی دو

نکته است: نزدیک بودن ظهور، و بهانه آوردن مقصراًن از یاری دین در وقت وجوب آن و

مهلت خواستن تا وقت ظهور.

در کلام خازنان وحی ﷺ از حدیث حضرت امام صادق علیه السلام برای تبیین آیه فوق آمده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اِقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ * ۱۹۴

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا * فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا
إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا * إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَنْ يَخْشَاهَا * كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ
يَلْبِسُوا إِلَّا عَشِيهَةً أَوْ ضُحَاهَا * ۱۹۵

است که: (الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُوا أَيْدِيْكُمْ) آنانکه به ایشان گفته شد که از جنگ دست بکشید (به همراه حضرت امام حسن علیه السلام)، مقصود در واقعه صلح است، (فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَحْشِيَّةَ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ حَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لَمْ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخْرَجْتَنَا إِلَى أَجْلٍ قَرِيبٍ) وقتی بر ایشان جنگیدن (به همراه حضرت امام حسین علیه السلام) نوشته شد، برخی از آنها که از مردم بیشتر از خدا هراس داشتند، گفتند: پروردگارا چرا بر ما واجب فرمودی جنگ را؟ مگر نی شد وظیفه جنگیدن ما را به مهلت نزدیک (قیام حضرت قائم علیه السلام) تاخیر بیاندازی؟ (راز نزدیک شمردن هنگام ظهور را در توضیح آیات بعدی می آوریم).

194 سورة القمر: اقتربت الساعة: در کلام خازنان وحی علیه السلام از حدیث جناب مفضل جعفی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که: مقصود از "الساعة" در این آیه شریفه؛ ساعت قیام حضرت قائم علیه السلام است.

خداآوند می فرماید: آن هنگام نزدیک شده، و ماه شکافته شده است. آنچه از این مقطع کلام وحی درباره تاریخ ظهور در می یابیم آنست که: زمان آن دور نبوده و نزدیک است. (راز نزدیک شدن وقوع "الساعة" را در توضیح آیات بعدی می آوریم).

195 سورة النازعات: ۴۶: الساعة: در کلام خازنان وحی علیه السلام از حدیث جناب مفضل جعفی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که: مقصود از "الساعة" در این آیه شریفه؛

ساعت قیام حضرت قائم عائیل است.

خداوند می فرماید: تو (پیامبر ﷺ) را می پرسند از ساعت و هنگام آن؛ که چه وقتی فرامی رسد؟ تو در چه (مرتبه ای) هستی از یاد (و دانستن تاریخ و زمان) آن؟ ختم (این پرسش و دانستن پاسخ آن) بسوی پروردگار توست، تو تنها بیم دهنده ای هستی؛ آنکه را که از آن نگران است. (آنقدر ناگهانی فرامی رسد که با اینکه زمان بسیاری از این پرسش تا وقوع ظهور فاصله می افتد، ولی) روزی که آنرا می بینند مثل این است که وقتی نگذراند و مگر به اندازه درنگ عصر یا صبح (بیش از ظهر) آنروز (که حدود سه ساعت است).

توضیح راز نزدیک شمردن وقوع "الساعة" و ظهور: دو چیز سبب کوتاه به نظر رسیدن فاصله و گذر زمان می شود: یکی غفلت شخص، و دیگری ناگهانی فرارسیدن واقعه مورد انتظار، و این است راز هشدارهای "نزدیک شدن ساعت" در آیات شریفه قرآنی است و نیز پاسخ این سؤال: با اینکه از بقیه تعالیم وحی در همان عصر؛ فاصله داشتن این واقعه با اهل آن زمان مسلم بوده است، مثل اینکه معلوم بوده که: این واقعه در آخر الزمان و عصر دوازدهمین امام وصی بعد از حضرت پیامبر ﷺ رخ می دهد، و این امر حق بدون حساب غایبت طولانی، حداقل مقتضی گذشتن مدت زمان ده نسل (حدود سیصدسال) می باشد، پس چطور نزدیک است؟

پاسخ: افرادی که منکر و غافل هستند؛ در برابر وقوع ناگهانی آن، گذشت زمان را احساس نکرده؛ وقتی با آن مواجه می شوند؛ احساس می کنند که وقتی نگذشته، که بر اساس این احساسشان؛ فاصله ای با آن واقعه نداشته و به ایشان نزدیک است. از سوی دیگر برای اهل معرفت و یقین و پیروان راستین حق نیز فاصله زمان تا وقت ظهور کوتاه است، چه اینکه اینان به دنبال فراهم کردن مقدمات ظهورند، و با آن همه انحراف و غفلت عامه ناس؛ آماده کردن ایشان زمان می برد، و هرچه وقت باشد هم کم بوده؛ ولذا فرصتی باقی نمانده است، مانند آنکه وقت سفرش معین باشد و کارهای قبل سفرش بسیار، هر چند به لحاظ تقویی فرصتی قابل توجه تا وقت سفرش دارد ولی چون کار قبل سفر بسیار دارد، برای او فرصت کم است و مانند این است که مهلتش کوتاه و موعد سفرش نزدیک است.

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ * فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ * عَلَى الْكَافِرِينَ

غَيْرُ يَسِيرٍ *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْرَّ * تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْرَّ * كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ
فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْرَّ * تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ *

196 سورة المدثر ۱۰-۸: **فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ**: در دانش زیان وحی "نقر" کندن سنگ بوسیله شیئی فلزی؛ و صدای کوبیدنی که شیئه این باشد است. و قلب آدمی را بخاطر اینکه مرتبا چنین صدایی (ضریان قلب) از آن به گوش می‌رسد؛ "ناقور" می‌گویند. در کلام خازنان وحی علیهم السلام از حدیث جناب مفضل جعفی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که: این آیات شریفه درباره وقت ظهور است، که در آن هنگام خداوند در دل حضرت قائم علیه السلام امر ظهور را القا می‌نماید، و جبرئیل علیه السلام نیز با ندایی آسمانی به مدت سه ساعت قیام حضرتش را اعلام می‌نماید، و آنروزی است بسیار سخت؛ بر کافران (به ظهور) آسان نمی‌شود.

197 سورة يونس علیه السلام ۱: الـ(الفـ لـامـ رـاـ): حاوی تاریخ ظهور حضرت قائم علیه السلام، که براساس کلام خازنان وحی علیهم السلام در حروف مقطعه اوایل شش سوره مبارکه قرآنی به رمز آمده است، نظر به ارتباط این مقطع با پنج مقطع بعدی، و اشتراك حدیث شریف مستند آنها؛ فلذا توضیح ارتباط همگی آنها را؛ یکجا در مقطع ششم می‌آوریم.

198 سورة هود علیه السلام ۱: الـ: حاوی تاریخ ظهور حضرت قائم علیه السلام، همان توضیحات بالا.

199 سورة يوسف علیه السلام ۱: الـ: حاوی تاریخ ظهور حضرت قائم علیه السلام، همان توضیحات بالا.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْكِتَابُ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ
النَّاسَ مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ يَأْدُنْ رَبَّهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ * ٢٠٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْكِتَابُ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٌ
مُبِينٌ * ٢٠١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْكِتَابُ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أَنْزَلَ
إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحُقْقُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ * ٢٠٢

200 سورة ابراهيم : الـ١: الـ١: حاوي تاريخ ظهور حضرت قائم عاشلـا، همان توضیحات بالـا.

201 سورة الحجر : الـ١: الـ١: حاوي تاريخ ظهور حضرت قائم عاشلـا، همان توضیحات بالـا.

202 سورة الرعد : الـ١: الـ١: حاوي تاريخ ظهور حضرت قائم عاشلـا:

در کلام خازنان و حـی عـلـیـلـا از حدیث حضرت امام باقر عـلـیـلـا آمده است که: در حروف مقطوعة (قرآن کریم در اوائل برخی سوره ها) علوم بسیاری انباشته است، خداوند "الم، ذلک الكتاب" را نازل فرمود، و حضرت محمد رسول الله عـلـیـلـا قیام فرمود (در تاریخ برآمده از حروف مقطوعه آن)، ... و تبیان و نشان آن در کتاب خدا در حروف مقطوعه است؛ اگر آن حروف را بشماری (طبق ابجد) بدون تکرار، و (عدد) هیچ حرفي از حروف مقطوعة (در تاریخ سالها) منقضی نیی گردد مگر اینکه یکی از بنی هاشم قیام می کند، و شروع قیام حضرت حسین بن علی عـلـیـلـا در "الم الله" بود، سپس فرمود: الف (عددش) بـا است، و لـام (عددش) ۳۰ است، و مـیم (عددش) ۴۰ است، و صـاد (عددش) ۹۰ است، که مجموعش می شود ۱۶۱، وقتی این مدت سپری شد، یکی از اولاد عباس قیام کرد در "المص"، و قائم ما در وقت منقضی شدن حروف مقطوعة با حرف "ر" قیام می نماید. پس این را بفهم و دریاب و کتمان کن.

۱- شرح تفاصیل این حدیث و تطبیق عددی آن بر وقایع قیامهای هاشمی تاریخ مبحث

قالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحَشِّرَ النَّاسُ ضُحَّى ۝

- مستقلی می طلبد، که فراتر از این اشاره توضیحی است.
- ۶- در قرآن کریم شش مقطع از حروف مقطعة دارای حرف "ر" می باشد، که در اوائل شش سوره قرار دارد، و ما همه را در اینجا نقل نمودیم.
- ۳- در حدیث شریف؛ بیان نشده که با انقضاء کدامیک از حرف "ر" از این شش مقطع قیام قائم آل محمد ﷺ اتفاق می افتد؟

و چه بسا همین ابهام نوعی کتمان و پوشیده داشتن تاریخ این واقعه مهم است، و خود نوعی تطبيق آیات شریفه قبلی است که حاکی از مستور بودن آن از جمیع خلائق؛ و مخزون بودن آن نزد خداوند می باشد. (توضیح و تفصیل بیشتر در مجلد سوم، ان شاء الله تعالى).

203 سوره طها ﴿٥٩﴾: ضحی: در کلام خازنان و حجی علیہ السلام از حدیث حضرت امام صادق علیہ السلام آمده است که: آن حشر ناس که در ضحی (چاشت = میانه طلوع آفتاب و ظهر) است، مقصود قیام حضرت قائم علیہ السلام است، و از آنچا که مقصود از "یوم الزینة" روز جمعه بوده، و قیام حضرتش نیز در روز جمعه است، پس تمام آیه شریفه بیان تاریخ روز ظهر است.

○ البته این آیه اگرچه نقل این کلام از حضرت موسی کلیم اللہ علیہ السلام می نماید، که در پاسخ درخواست فرعون؛ برای تعیین تاریخ جهت مصاف بین فرعونیان و موسی علیہ السلام بوده است، ولی نقل این بیان از حضرت کلیم علیہ السلام؛ به معنی آن نیست که صرفاً پاسخ آن مقام و مورد باشد، بلکه بنا بر این حدیث شریف؛ حضرت موسای کلیم علیہ السلام در پاسخ آن مورد؛ یک حقیقت مهم را آشکار و بدان اشاره نموده است، و آن اینکه: تاریخ مصاف حقیقی اهل باطل و اهل حق در وقت ظهر است، که زمانش چاشت روز جمعه است، البته با بیان آن حقیقت، ضمناً پاسخ فرعون و تاریخ مصاف خود با او را نیز بیان فرموده است.

○ نشانه بودن "ضحی" در کلام و حجی (قرآن کریم) برای قیام حضرت قائم علیہ السلام آنچنان است که وقتی در جای دیگر قرآن نیز این واژه مطرح می شود، در کلام خازنان و حجی علیہ السلام فوراً تطبيق بر موضوع ظهر کرده؛ و مستندش را آیه فوق ذکر می نمایند.

وقایع و نشانه های نزدیک ظهور حضرت صاحب الامر علیہ السلام

فَهُلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةُ أَنْ تَأْتِيهِمْ بَعْتَهُ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَإِنَّ
لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرًا هُمْ
٢٠٤ *

سوره محمد ﷺ: السَّاعَةُ ... أَشْرَاطُهَا: قبله بیان شد که مقصود از "الساعة" ساعت قیام

حضرت قائم علیہ السلام است، در زبان کلام وحی "اشرات" جمع "شرط" به معنی نشانه است، در این آیه شریفه خداوند می فرماید: پس آیا آنها جز قیامت را می بینند که به ناگاه آنها را بیاید؟ همانا نشانه های آن آمده است. پس اگر ایشان را آمده باشد، دیگر تذکر و پندرگفتنشان کجا باشد؟

ashrat و علائم ساعت قیام حضرت صاحب الامر علیہ السلام محدود به موارد نزدیک زمانی آن نبوده، بلکه برخی از آنها از بسیاری قبل شروع به تحقق پیوسته است، از جمله آنهاست خود بعثت و قیام حضرت رسول الله ﷺ که پیام آور نشانه ها و اشراط الساعة است، ولذا حضرتش فرمود: "أَنَا مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ" (من از نشانه های همان ساعتم)، و برای همین حضرتش را پیامبر آخر الزمان و تمایی این دوران (امت اسلام) را دوره آخر الزمان می نامند. از این رو نباید گمان شود که همه علامات ظهور مربوط به آینده و سال پیوسته به ظهور است، بلکه برخی از آنها در فاصله نزول کلام وحی (قرآن کریم) و تا قبل از زمان نزدیک ظهور رخ داده است، از جمله آنها شکافتن ماه که قبل از هجرت نبی ﷺ به وقوع پیوسته است، البته مانعی از تکرار برخی نشانه ها نیز نمی باشد.

حدیث اشراط الساعة: ابن عباس نقل می کند: ما همراه پیامبر اسلام ﷺ در حجۃ الوداع بودیم، حضرت حلقه در خانه کعبه را گرفت و رو به ما کردۀ فرمود: آیا شما را از "اشرات الساعة" آگاه کنم؟ سلمان در آنروز نزدیکتر از همه به پیامبر ﷺ ایستاده بود، گفت: آری ای رسول

خدا. حضرت ﷺ فرمود: از نشانه های قیامت (صغری) تضییع نماز، پیروی از شهوات، تمایل به هوایرسقی، بزرگ پنداشتن ثروتمندان، فروختن دین به دنیا است، و در این هنگام است که قلب مؤمن در درونش آب می شود، آنچنان که نمک در آب، از اینهمه زشتیها که می بیند و توانائی بر تغییر آن ندارد. در آن زمان زمامدارانی ظالم، وزرائی فاسق، جاسوسان و نیروهای امنیتی ستمگر بوده، و هیئت امناها ائمۀ خائن بر مردم حکومت می کنند. در آن هنگام زشتیها زیبا، و زیبائیها زشت می شود، امانت به خیانتکار سپرده می شود، و امانتدار خیانت می کند، دروغگو را تصدیق می کنند و راستگو را تکذیب! در آن روز حکومت به دست زنان، و مشورت با بردگان خواهد بود، کوکان بر منابر می نشینند، و دروغ ظرافت تلقی شده، و زکات غرامت، و بیت المال غنیمت محسوب می شود! مردم به والدین بدی و به دوستانشان نیکی می کنند، و ستاره دنباله دار در آسمان ظاهر می شود. در آن زمان زن با شوهرش شریک تجارت می شود (سهم خواهی از تجارت و منافع شغلی شوهر)، باران کم، و صاحبان گرم خسیس، و تهیدستان حقیر شمرده می شوند. در آن هنگام بازارها به یکدیگر نزدیک می گردد، یکی می گوید چیزی نفروختم، و دیگری می گوید سودی نبردم، و همه زبان به شکایت و مذمت پروردگار می گشایند! در آن زمان اقوامی به حکومت می رستند که اگر مردم سخن بگویند آنها را می کشنند، و اگر سکوت کنند همه چیزشان را مباح می شمرند، اموال آنها را غارت می کنند و احترامشان را پایمال و خونهایشان را می ریزند، و دله را پر از عداوت و وحشت می کنند، و همه مردم را ترسان و خائف و مرعوب می بینی! در آن هنگام چیزی از مشرق چیزی از مغرب می آورند (تهاجم فرهنگی بیگانه) و امت من متلوّن می گردد! وای در آن روز بر ضعفای امت از آنها، و وای بر آنها از عذاب الهی، نه بر صغیر رحم می کنند، نه احترام به کبیر می گذارند، و نه گنهکاری را می بخشند، بدنهاشان همچون آدمیان است اما قلوبشان قلوب شیاطین! در آن زمان (از نظر تامین غریزه جنسی) زنان به زنان، و مردان به مردان اکتفا می کنند، و بر سر پسران به رقابت بر می خیزند؛ همانگونه که برای دختران در خانواده هایشان! مردان خود را شبیه زنان؛ و زنان خود را شبیه مردان می کنند، و زنان بر زین اسب سوار می شوند، بر آنها لعنت خدا باد! در آن زمان به تزیین مساجد می پردازند، آنچنان

که معابد یهود و نصارا را تزیین می کنند، قرآنها را می آرایند (بی آنکه به محتوای آن عمل کنند، مناره های مساجد طولانی، و صفووف نمازگزاران فراوان، اما دلها نسبت به یکدیگر دشمن و زبانها مختلف است! در آن هنگام پسران امتم با طلاق تزیین می کنند، و لباسهای ابریشمین حریر و دیباچ می پوشند، و از پوستهای پلنگ برای خود لباس تهیه می کنند! در آن هنگام زنا آشکار می گردد، معاملات با غیبت و رشوه انجام می گیرد، دین را فرو می نهند و دنیا را برمی دارند. در آن هنگام طلاق فزونی می گیرد، و حدود الهی برای خدا اجرا نمی شود، اما با این حال؛ به خدا ضرر نمی زنند (خودشان زیان می بینند). در آن هنگام زنان خوانند، و آلات لهو و نوازنده آشکار می شود، و اشرار امتم به دنبال آن می روند در آن هنگام اغنیای امتم برای تفریح به حج می روند، و طبقه متوسط برای تجارت، و فقرای آنها برای ریا و تظاهر! در آن زمان اقوامی پیدا می شوند که قرآن را برای غیر خدا فرامی گیرند، و با آن همچون آلات لهو رفتار می کنند، و اقوامی روی کار می آیند که برای غیر خدا علم دین فرامی گیرند، فرزندان نامشروع فراوان می شود، و قرآن را به صورت غنای خوانند، و برای دنیا بر یکدیگر سبقت می گیرند. این در زمانی است که پرده های حرمت دریده می شود، گناه فراوان، بدان بر نیکان مسلط می شوند، دروغ زیاد می شود، لجاجت آشکار، و فقر فزونی می گیرد، و مردم با انواع لباسها بر یکدیگر فخر می فروشنند، بارانهای بی موقع می بارد، قمار و آلات موسیقی را جالب می شمرند، و امر به معروف و نهى از منکر را زشت می دانند. به گونه ای که مؤمن در آن زمان از همه امت خوارتر است، قاریان قرآن و عبادت کنندگان پیوسته به یکدیگر بدگوئی می کنند، و آنها را در مملکوت آسمانها افرادی پلید و آلوده می خوانند. در آن هنگام ثروتمند رحمی بر فقیر نمی کند، تا آنجا که نیازمندی در میان جمعیت به پا می خیزد و اظهار حاجت می کند، و هیچکس چیزی در دست او نمی نهد! در آن هنگام "رویبضة" سخن می گوید! سلمان عرض کرد: پدر و مادرم فدایت باد ای رسول خدا! "رویبضة" چیست؟ فرمود: کسی درباره محروم سخن می گوید که هرگز سخن نمی گفت، در این هنگام طولی نمی کشد که فریادی از زمین بر می خیزد، آنچنان که هر گروهی خیال می کنند این فریاد در منطقه آنها است . باز مدتی که خدامی خواهد به همان حال می مانند، سپس در این مدت

وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ



زمین را می شکافند و زمین پاره های دل خود را بیرون می افکند، (فرمود منظورم طلا و نقره است، سپس به ستونهای مسجد با دست مبارکش اشاره کرد و گفت: همانند اینها!) و در آن روز دیگر طلا و نقره ای به درد نمی خورد (و فرمان الهی فرامی رسد) این است معنی سخن پروردگار "فقد جاء اشرطها". سلمان گفت: آیا این امر شدنی است ای رسول خدا؟! حضرت فرمود: آری سوگند به کسی که جانم به دست اوست.

توضیح: این فقره سؤال متعجبانه سلمان و جواب تأیید همراه با سوگند پیامبر ﷺ بعد از هر فقره از بیان علامتها تکرار شده، و فقرات بیان علامتها با خطاب (ای سلمان!) شروع شده است، که ما در این جلد (بهجهت اختصار) تنها به نقل نشانه ها آكتفا نمودیم، و متن و ترجمه کامل حدیث را در جلد سوم خواهیم آورد. ان شاء الله تعالى.

در احادیث نبوی ﷺ تفسیر این آیه شریفه، برخی دیگر از "اشرات الساعۃ" بیان شده که از جمله آنهاست:

- نزول بلاء و مصيبة و رنج بر امت اسلام از حکامشان؛ بحدی که زمین بر آنها تنگ می شود. آنگاه خداوند مردی را از عترت من برانگیخته؛ زمین را از عدل و داد پر می کند بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده است، پس از او ساکنان آسمان و زمین راضی می شوند.
- هفتاد هزار نفر از ذریه اسحاق (که مسلمان شده اند) شهری را که نیسي از آن در خشکی است و نیسي از آن در دریاست (شهر و نیز ایتالیا) محاصره کرده، و بدون هیچ کاربرد سلاحی و تنها با گفتن تهلیل و تکبیر آنرا فتح می کنند، و در آن هنگام به آنها خبر خروج دجال می رسد.
- مرگ ناگهانی علت غالب مردنها بشود.
- شرایط آنقدر سخت شود که شخص و قی بر قبری می گذرد به حال مدفون قبر غبطه بخورد کاش جای تو بودم.

- جزیره العرب که سرزمین خشک و بی آبی است؛ نهرها و باغات و مزارع در آن فراوان شود.

وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشَّرَ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهَتَّدُونَ * ۲۰۵

 أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثْلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ
قَبْلِكُمْ، مَسَّتُهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَرُزِّلُوا حَقًّا يَقُولُ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ
آمَنُوا مَعَهُ مَتَّى نَصْرُ اللَّهِ؟ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ * ۲۰۶

205 سوره البقره ۱۵۷-۱۵۵: **الْحُكْمُ وَالْجُouْرُ وَنَقْصٍ مِنَ الْأُمُوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ**: اشاره به انواع ابتلاءات مؤمنین در زمان نزدیک ظهور حضرت قائم علیہ السلام دارد: نگرانی، گرسنگی، گرانی، آسیبهای مالی جانی و کاستی در ثمره زراعت و منافع تجارت، و بشارت های برای صابران در ابتلاءات، دارد. امام صادق علیہ السلام فرمود: در سالهای پیش از ظهور قائم علیہ السلام نشانه هایی است که آزمایشی الهی برای مؤمنین است، راوی گفت: ابتلاءات کدام است؟ حضرت فرمود: همان کلام خداوند عزوجل است: "وَلَتَبُلوَنَّكُمْ... وَبَشَّرَ الصَّابِرِينَ" و بشارت بدھ صابران را به قیام قائم علیہ السلام.

206 سوره البقره ۲۱۴: **مَسَّتُهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَرُزِّلُوا**: اشاره به شرایط سخت و ابتلاءات شیعیان و پیروان حق است، که از وقایع نزدیک ظهور حضرت قائم علیہ السلام است. حضرت امام صادق علیہ السلام در مقام تعجب از بی تابی شیعیان از نرسیدن فرج، و به عنوان توصیه (صبر و خویشتن داری) به ایشان فرموده: مشکلات و ابتلاءات شما (علیرغم سختیش) عموما سبکتر از رنجهای مؤمنین در دورانهای گذشته بوده، و اگر کسی در آن زمان؛ عقیده و معرفت شما را داشت؛ و از خانه اش برای نیازهای روزمره اش بیرون رفته؛ تابرگردد خالی نبود از اینکه: ریوده شود؛ یا دستگیر و دست و پای او قطع و بر درختان به دار

هُنَالِكَ ابْتُلُي الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا * وَإِذْ يَقُولُ



الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا *

²⁰⁷

کشیده شده؛ یا با ارّه دونیم شود، شما آن رنجها را هنوز ندیده؛ بی تابی و استعجال در ظهور می کنید؟ سپس حضرتش آیه فوق را تلاوت فرمود، خداوند می فرماید: آیا پنداشته اید که وارد بهشت شوید؛ با اینکه به شما نرسیده نمونه ای از (ابتلاءات) مؤمنینی که قبل از شما بودند، که آنها را سختیها و رنجها بسیار رسید، بطوریکه متزلزل شده، حتی فرستاده خدا و آنانکه با او ایمان آورده (به استغاثه و سؤال از خداوند) می گفتند: چه وقت باشد پیروزی الهی؟ خداوند پاسخ می دهد: آگاه باشید که پیروزی الهی نزدیک است.

○ قبل بیان شد که مراد از "پیروزی الهی" همانا ظهور و غلبه حضرت قائم علیہ السلام بر جهانیان است، و آنها در استغاثه شان؛ از هنگام ظهور (منجی موعود) می پرسیدند.

توضیح: اگرچه مقصود از "الجنۃ" به عنوان پاداش اخروی؛ بهشت برین است، ولی می تواند مقصود از این واژه (الجنۃ) "دولت گستان مهدي علیہ السلام" نیز باشد، که خداوند به مؤمنین منتظر ظهور می فرماید: گمان نکنید بی رنج؛ به آن دولت بهشت آئین می رسید.

سوره الأحزاب ۱۱-۱۲: ابْتُلُي الْمُؤْمِنُونَ: شدت ابتلاءات مؤمنین و تزلزل بسیاری؛ در غیبت و قبل از ظهور و بهره برداری منافقان و فریب جلوه دادن و عده راستین الهی.

حضرت مولا علی علیہ السلام فرموده اند: زود است که بیاید بر این مردم؛ دورانی که در آن حق مستور و پنهان باشد، و باطل غالب و مشهور، و این وقتی اتفاق می افتد که متولی مردم دشمنتینشان نسبت به حق باشد، و هنگامی که عده راستین الهی نزدیک شود، الحاد و بی دینی (لائیک) موقعیت بزرگ پیدا کرده، و فساد غالب شود، سپس آیه فوق را تلاوت فرمود: (آنوقت است که مؤمنان مورد ابتلا واقع شده و دچار تزلزل شدید شوند)، در این وقت است که کفار؛ ایشان را به نامهای شروران و بدکاران بنامند (رواج نامهای اشرار به تقليید کفار)، و تمام تلاش مؤمن برای حفظ جان خود از شر نزدیکترین مردم به خود است، در این

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْئَسَ الرُّسُلُ وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرٌ نَا

فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بِأُسْنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ * ٢٠٨

شرایط است که خداوند فرج را برای اولیائش می‌رساند و صاحب‌الامر علیهم السلام را بر دشمنانش غالب می‌فرماید.

208 سوره یوسف علیهم السلام: ۱۱۰: اسْتَيْئَسَ الرُّسُلُ وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرٌ: در کلام

خازنان و حی علیهم السلام از حدیث حضرت امام صادق علیهم السلام آمده است که:

شخصی به حضرت مولا علی علیهم السلام طولانی شدن دولت ظلم را شکایت کرد، حضرت فرمود: بخدا سوگند؛ به وقوع نمی‌پیوندد آنچه آرزو دارید؛ تا اینکه هلاک شوند باطل گرایان و از میان بروند جاهلان (با آگاه شدن) و اینم شوند پرهیز گاران، و چیزی نگذرد تا اینکه برای هیچیک از شما جای پایش نماند (یعنی بقدر محل ایستادن خودش هم برایش ملک و حقی قائل نباشد، کنایه از شدت محدودیت)، و تا اینکه شما نزد مردم؛ بی اهمیت تراز مردار نزد صاحبیش بشوید، در همین وقت که شما در چنین شرایطی هستید؛ آنوقت است که باری الهی و همان پیروزی (موعود) برسد، و این همان کلام پروردگارم عز و جل در کتاب اوست "حتی اذا استیئس الرسل و ظنوا انهم قد كذبوا جاءهم نصرنا" (ترجمه) تا اینکه (شرایط سخت) رسولان نامیمی خواسته، و گمان شدند که به آنها دروغ گفته شده؛ آنوقت ایشان را برسد یاری ما. سپس حضرت مولا علی علیهم السلام فرمود: و این (شرایط سخت) در نزدیکی زمان قیام قائم ما مهدی علیهم السلام واقع می‌گردد.

توضیح: در قرائت عثمانی رایج: این فقره (ظنوا انهم قد كذبوا) آمده؛ به معنی "گمان کردند که به آنها دروغ گفته شده است" (درباره وعده خداوند به نصرت الهی)، در حالیکه این نسبت به اولیای الهی صحیح نبوده، و حاشا که فرستادگان خدا چنین گمانی درباره خداوند داشته باشند، بلکه در مقطع قبلی (آیه ۱۶ سوره احزاب)؛ خداوند صریحاً می‌فرماید که: (وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا) این منافقان هستند که چنین گمانی و ادعایی دارند، و همین دلیل خود برای غلط بودن قرائت رایج کافی است.

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِرُوا بِهِ فَتَحَنَّا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخْدَنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ * فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * ۲۰۹

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٌ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخْدَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيْنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيَلًا أَوْ نَهارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ * ۲۱۰

اما در قرائت صحیح روایت شده از حضرت مولا علی عائیلہ و نیز جمعی از بزرگان قراء صحابه همچون ابی بن کعب و ابن مسعود و ابن عباس و برخی دیگر از قدمای قراء آمده است: (ظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَبُوا)، به معنی "منکران گمان کردند که رسولان دروغ گفته اند" (درباره وعده خداوند به نصرت الهی و نیز داشتن ماموریت الهی رسالت)، و تنها با این قرائت است که معنای آیه صحیح و تمام می باشد.

²⁰⁹ سوره الأنعام ۴۴-۴۵: فَتَحَنَّا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ : قبلًا بیان شد که در کلام خازنان و حی طایپلله از حدیث حضرت امام باقر عائیلہ آمده است که این آیه شریفه درباره قیام حضرت قائم عائیلہ و ناگهانی بودن آن می باشد، و از وقایع قبل ظهور که در نص این آیه شریفه تصريح شده، مکنت و سلطنت جاهلان و منکران و دشمنان ولایت علوی عائیلہ تا قبل از ظهور است.

²¹⁰ سوره یونس عائیلہ: حَتَّىٰ إِذَا أَخْدَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيْنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا: یعنی القائم عائیلہ بالسیف.

○ در حدیث جناب محمد بن الحنفیه آمده است که: دولت و مکنت منکرین اگرچه ممکن است قدری ادامه داشته باشد ولی محدود است و وقیتی که مطمئن شوند که

حکومتشان پایدار است ناگهان با صیحه آسمانی منهم و مختوم می گردد، و آن در زمانی است که فقر و ناداری بسیار گردد، بطوریکه برخی از مردم یکدیگر را انکار و اظهار ناشناسی کنند، در آنوقت صبح و شب منتظر ظهور امر الله باشید.

○ در تشریف علی بن مهزیار از حدیث صاحب الأمر عَلَيْهِ السَّلَامُ: وقتی که بین شما (ایرانیها) و بین کعبه مانع شوند اقوایی که از خیر بهره ای نبرده اند، و خدا و رسول از آنها بیزارند، و سه (روز) سرخی در آسمان ظاهر شود؛ که در آن عمودهایی سیمین فام است که نور آن می درخشند، شرسی خروج کند از ارمنستان و آذربایجان و قصد فتح منطقه کوه سیاه پیوسته با کوه سرخ در آنسوی سرزمین ری را دارد، که چسبیده به کوه طالقان است، بین او و بین مروزی درگیری که در آن اعضاء بریده می شود، که از سخی آن کودکان پیر و بزرگسالان کهنسال می شوند، و کشتار در میان ایشان آشکار می گردد، در آنوقت لشکرکشی (شرسی) به یسوی زوراء (بغداد) را منتظر باشید، پس مدتی از اقامت او در زوراء نمی گذرد که وارد آهات (باها - ماهان = دینور و نهادن) می شود، سپس به واسط عراق می رسد؛ پس در آنجا یکسال یا کمتر اقامت کرده، سپس بیرون می آید بسوی کوفان، سپس بین آنها درگیری می شود از نخف تا حیرة تا غری، چنان درگیری که عقول از آن از کارافتند، در آنوقت است که هلاک هر دو گروه باشد، و به عهده خداست که با قیمانده شان را درو کند. سپس حضرت تلاوت فرمود: (سُمُ اللَّهُ الرَّحْمَانُ الرَّحِيمُ أَكَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنَّ لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْمِينَ) یعنی که آیه شریفه درباره این واقعه است، و آن دروشده همین ایشانند، ابن مهزیار پرسید منظور از (امرنا = امر الله) چیست؟ حضرت فرمود: ما هستیم امر الله و لشکریان او.

○ توضیح برخی اصطلاحات: **الشرسی**: این عنوان برای معانی مختلفی بکار می رود: شخص بد اخلاق - از خاندان شرسی یمن - اهل شهر شرسی لیبی - از آنجا که این شهر مرکز اباظیه مذهب خوارج بوده به معنای گرایش وی باشد - اهل اشروسه (شرسه) کوهستانی مابین سمرقند و خوجنده (در آسیای میانه). **المروزی**: شخصی که اهل مرو (ترکمنستان امروز) است. **الجبل الأسود**: کوه سیاه آن سوی ری: ظاهرا محل تهران امروز است، و هر چندبا طالقان بین کرج و قزوین سازگاری دارد، ولی بیشتر موارد طالقان ذکر

شده در احادی علایم ظهور اشاره به طالقان بلخ دارد.

تذکر مهم: این نکته درباره حدیث فوق و موارد مشابه (که بعدا ذکر ش باید؛ بلکه همه نشانه های ظهور بخصوص وقایع آخر الزمانی که بیانگر آشوبها و لشکرکشیها با ذکر نامهای اشخاص و مناطق خاص بوده) مطرح است، که آنرا در قالب چند بند توضیح ی دهیم:

اول: ضروریترین جهتی که در این قبیل موارد باید ملاحظه شود آنکه: به علت سهو نسخ و يا قصور حفظ راویان اختلاف متن و تفاوت نسخه و نقل در بیان نامها وجود دارد، که سبب تفاوت نتایج و تشخیص آنها می شود. یا لا اینکه برخی نقلها به اشاره و یا مختصرا و نتیجتا مبهم، و برخی مفصلتر و مبین نکات یکدیگر است، فلذا برای بدست آوردن برداشت هرچه صحیحتر و دقیقتر نباید تنها یک نقل و یک علامت در یک روایت ملاک شود، بلکه باید همه روایات این مبحث یکجا و با هم ملاحظه، و تنها بعد از تدقیق و تکمیل نصوص با یکدیگر نتیجه گیری شود.

دوم: بسیاری از این نصوص حاوی استعارات و کنایات بوده و برخی جنبه نمادین دارد، فلذا در مقام وقوع علایم و حوادث؛ لازم نیست نحوه اتفاقش؛ دقیقا با نامها و نشانه های مذکور در نص مریوطه باشد.

سوم: جهت دیگری که این امر را تشدید می کند اصل کی مکتوم بودن زمان رخداد واقعه ظهور و ضرورت کتمان هر عملیات مهم است، فلذا طوری بیان شده که ضمن توضیح موضوع آن اصل هم رعایت شده و زمان دقیق آن هم محفوظ بماند.

چهارم: همانطور که قبلا بیان شد همه علامات ظهور مربوط به آینده و سال پیوسته به ظهور نیست، بلکه برخی از آنها در سرتاسر دوره آخرالزمان (از زمان بعثت نبوی ﷺ و نزول کلام وحی (قرآن کریم) تا کنون رخداده و برخی هم در باقیمانده آن و قبل از زمان نزدیک قیام حضرت صاحب الأمر عاشیل) رخ می دهد. برخی روایات هم در یک متن پیوسته؛ علایم مختلفی را نقل می کند، که نسبت به زمان ما برخی از آنها رخداده و برخی هنوز إتفاق نیافتداده است، اما در اذهان عامه ناس (بخاطر عدم توجه به این نکته و رخدادن برخی از آنها کل آنها را واقع نشده تلقی می کنند، از جمله این علائم اتفاق افتاده مثل آنچه حضرت



قَدْ خَيْرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءَ اللَّهِ حَقًّا إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ
قَالُوا يَا حَسَرَتْنَا عَلَىٰ مَا فَرَضْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أُوزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ
أَلَا سَاءَ مَا يَرَوْنَ * ۲۱۱

مولاعلی علیه السلام در نامه شان به معاویه نوشته اند: (وَإِنَّ اللَّهَ سَيُخْرُجُ الْخَلَافَةَ مِنْهُمْ بِرَايَاتِ سُودٍ تَقْبِيلٌ مِنَ الْشَّرْقِ يَذْلِمُهُمُ اللَّهُ بِهِمْ) که خداوند با پرچمهاي سياه که از ناحيه مشرق و خراسان بپرون مي آيد؛ خلافت را از خاندان اموي بپرون مي برد.

پنجم: آنکه برخي از اين موارد جزو عاليم حتمي و نشانه هاي اصلي و عظيم ظهور نisست، ولذا مثل اين نشانه هاي نبوده که وقوعش دقيقا بر طبق نص مربوطه باشد.

ششم: در تعاليم مكتب وحي بيشرت اين حرکتها فتنه و آشوب توصيف و از همراهی آنها نهي شده است؛ مگر قيامي که از ناحيه يمن با توصيفات خاصي معرفی شده؛ و تنها همین بر طريق هدایت تعبير گردیده،ولي برای اهل حق، نسبت به همین مورد هم؛ تکلifi به همراهی آن نشده بلکه نهي گردیده است؛ فلذا بطور کي اهل ايمان در برابر تمام اين جنبشها تکلifi نداشته؛ مگر صبر و انتظار و آماده شدن برای قيام حضرت صاحب الأمر علیهم السلام از کعبه.

نتيجه: با توجه به اين نکات ششگانه؛ منتظرین ظهور نباید در الفاظ اين دسته از روایات و تعابيرشان؛ خود را محصور يا بدان مشغول کرده؛ و از وظيفه اصلي (ارتفاع معرفت خود و همراهان؛ و آماده سازي مقدمات ظهور در ميان جوامع بشری) باز بمانند.

سوره الأنعام: ۳۱: درباره ارتباط اين آيه با ظهور حضرت قائم علیهم السلام و ناگهاني بودن آن قبل اشاره شد، در احاديث نبوی ﷺ شرح اين آيه با بيان وقایع نزدیک "الساعة" آمده است:
۱- امانت تضییع شده؛ و تولیت امور جامعه به نا اهلان سپرده می شود. ۲- بازارها کسداد و عواید آن کم شده؛ و مردم از کمی درآمد شکایت می کنند. ۳- ارتباط نامشروع آشکار شده؛ و فرزندان آن بسیار شوند. ۴- غیبت کردن شایع گردد. ۵- سرمایه دار را بزرگ دارند. ۶- اهل منکرات بر جوامع مسلط گرددن. ۷- دانش حقیقی از میان برداشته شود. ۸- جهالت و نادانی در میان آمده و رایح گردد. ۹- هرج و مرج و آشوب و فتنه و درگیری و کشتار بسیار



فُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابٌ بَيَّنًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ
 الْمُجْرِمُونَ * أَثُمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمْنَتُمْ بِهِ الْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ * ثُمَّ
 قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخَلْدِ هَلْ تُجْزِيُنَّ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ
 * وَيَسْتَتِيُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِيْ وَرَبِّيْ إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزَيْنَ * وَلَوْ
 أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَا رَأَوْا
 العَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ * ۲۱۲

شود. ۱۰- صدایی فاسقان در مساجد بلند شود: کنایه از شیوع تلاوت منکرین حق و نواصی، و نیز تلاوت افرادی بند و بار و غیر ملتزم به شرع، و خواندن قرآن به نغمه های مجالس هلو و لعب، و فقدان آداب و فضای مناسب حضور کلام الهی در مجالس تلاوت، و نیز برگزاری مجالسی به اسم دین در مساجد و آواز خواندن با الحان فاسقان، همانند مداحیهایی که اخیراً رایج شده و بر سبک فاسقان غریی اشعار دینی را می خوانند، و انعقاد مجافل هموی به اسم برنامه فرهنگی در مساجد مانند کلاس سرود و موسیقی، و تشکیل اجتماعاتی که در آن افراد فاسق مجری بوده؛ یا برپایی سخنرانی حاوی غیبت و تهمت یا ذکر مطالی جز تعالیم مکتب وحی؛ که همگی از نمونه های بلندشدن "اصوات الفساق" در مساجد است.

²¹² سوره یونس ۵۰-۵۴: عَذَابٌ: در کلام خازنان وحی علیه السلام از حدیث امام باقر علیه السلام آمده است که مقصود از آن: عذایی است که در آخر الزمان علیه السلام بر فاسقان اهل قیله نازل می شود. همانهایی که اگرچه مسلمان بوده ولی بخاطر انکارشان نسبت به حق (ولایت حضرت مولا علی علیه السلام) و نیز انکار نزول عذاب بر خودشان؛ مورد عذاب الهی واقع می شوند.

○ خداوند در آیات فوق می فرماید: (به آنها) بگو (ای پیامبر علیه السلام) اگر ببینید وقتی که شما را در رسید عذاب خداوند، شبانه یا به هنگام روز، (آنوقت متوجه می شوید که) چه بوده آنچه مجرمان به آن شتاب می ورزیده اند؟ آیا بعد از آن که عذاب واقع می شود؛ آن گاه بدان ایمان می آورید؟ در حالیکه قبل از روی انکار بدان شتاب می ورزیدید؟ پس از آن به

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَبِّهِ فُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ
آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ *

ستمکاران گفته می شود که چشید عذاب جاودان را، آیا سزا نمی بینید مگر بخاطر آنچه بدست آوردید (با رویکردتان)؟ و از تو (ای پیامبر ﷺ) خبر می پرسند که آیا (این عذاب) حق است؟ بگو (ای پیامبر ﷺ): آری سوگند به پروردگارم، براستی که آن حق است، و شما بازدارنده (ما از عذابتان) نیستید، حتی اگر هر آنکه ستم کرده؛ تمام آنچه در زمین است را دارا باشد؛ و بخواهد آنرا فدیه بدهد. وقتی همان عذاب را ببینند؛ پشمیانی خود را پنهان کنند. و بین آنها قضاوت بر عدل و قسط شده، و ظلم به آنها نمی شود.

سورة الأنعام: ٣٧: يُنَزَّلَ آيَةً: خداوند می فرماید: (منکران قیامت صغیری) گفتند: اگر برای این امر نشانه ای از جانب پروردگارش فرستاده می شد (شاید می پذیرفتیم)، بگو (ای پیامبر ﷺ): همانا خداوند بر اینکه نشانه ای بفرستد قادر و تواناست، ولی بیشترشان نمی دانند.

در کلام خازنان و حجت علیہ السلام از حدیث حضرت امام باقر علیہ السلام آمده است که: این آیه شریفه به قیام حضرت قائم علیہ السلام و وقایع قبل از ظهور حضرتش ارتباط دارد، و در توضیح برخی از آن نشانه های الهی را نیز معرفی نموده و فرمودند: و بروزی در آخر الزمان نشان می دهد به شما؛ آیات و نشانه های پروردگار را، از جمله آنهاست: **دابة الأرض** (جنینه عظیم روی زمین)، و **دجال**، و طلوع خورشید از محل غروب آن، و نزول عیسی ابن مریم علیہ السلام از آسمان. نشانه های آسمانی که در این آیه اشاره شده؛ با نشانه های آسمانی نازله که در آیه بعدی اشاره می شود، تفاوتش در این است که: ارتباط نشانه های مورد نظر در این آیه با امر ظهور؛ تنها هم زمانیش با ظهور است، و بسیاری ارتباطش با موضوع ظهور را درک نمی کنند، ولذا در انتها ی آیه فرموده است: (**وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ**)، اما آیات آسمانی مورد نظر در آیه بعدی بجز ارتباط زمانی با وقت ظهور؛ نشان و نام صریح دال بر ظهور داشته، ولذاست که همه مطلع شده؛ و در برابر آن خاضع می گرددند، که شرح آن بعد از این می آید.

إِنْ نَشَاءُ نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَافُهُمْ لَهَا

خاضعینَ *

214 سوره الشعرا؛ من السماء آية:

خداؤند می فرماید: اگر بخواهیم آیت و نشانه ای از آسمان نازل ی نمائیم پس همه گردنهای دشمنان الهی نسبت به آن فروافتاده و خاضع می ماند. در کلام خازنان وحی علیه السلام از احادیث حضرات امام علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام آمده که: مقصود از "آیت آسمانی" که در این آیه شریفه است؛ همانا آیات عظیم الهی است که قبل از قیام حضرت قائم علیه السلام و نزدیک و هنگام آن رخ می دهد.

اول: آنچه از خورشید ظاهر شود، و آن حضرت مولا علی علیه السلام است که در هنگام زوال از میان قرص آفتاب چهره و شمایل (نیمه تنه تا سینه) اش آشکار شود، بطوریکه همه او را به شخص و نسب و شخصیتش بشناسند، و خورشید در میان آسمان راکد و بی حرکت بایستد تا وقت عصر؛ و این واقعه برای همسکان حیرت انگیز باشد.

دوم: همراه آن صیحه آسمانی و صدای مهیبی است که همه اهل زمین بشنوند؛ آنچنان که خواییده را بیدار و بیدار را به وحشت اندازد و زنان را از روی دهشت از پرده بدر آیند، این صدا ندایی است که بگویید: "الا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلَيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَشَيْعَتِهِ" (بدانید که حق در علیّ بن أبي طالب عليه السلام و شیعیانش است)، در این وقت؛ انتظار وقوع فرج و گشايش نهائی را داشته باشد، و این واقعه هراس انگیز در ماه رمضان رخ دهد.

سوم: ندایی است آسمانی که در صبح روز ظهور به زمین برسد، بطوریکه همه ساکنان کره زمین آنرا بشنوند، و این ندای جبرئیل علیه السلام باشد که حضرت صاحب الأمر علیه السلام را به نام خود و نام پدرش معرفی کند و بگویید: "الا إِنَّ حِجَةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَمَعَهُ". (آگاه باشد که حجت الله نزد بیت الله آشکار و ظاهر شده؛ پس اور اپیروی کنید که همانا حق در او و شیعیانش است)، و این واقعه هشیار کننده باشد.

○ در همین احادیث آمده است که با صیحه آسمانی و ندای دعوت به حق، همه نسبت به حق خاضع می شوند، اما روز بعد ابلیس ندایی (با همان وسعت و بازتاب) برای دعوت به باطل می دهد، و این خود آزمایشی برای تمیز اهل حق از اهل باطل است. پس خداوند اهل

﴿ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيهِمُ الْمَلَائِكَةُ أُوْيَاتٍ رَبُّكَ أُوْيَاتٍ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ عَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أُوْكَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلْ انتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴾^{۲۱۵}

ایمان را بر دعوت اول ثابت نگه می دارد، و آنانکه دلهایشان بیمار بوده و دشمنی حق دارند، از حق بیزاری می جویند.

○ همینطورآمده است: بعد از صیحه آسمانی حجت الهی بر همه تمام شده؛ و مهلت الهی برای منکران پایان یافته؛ و فرصتی برای ادامه جهل یا انکار کسی باقی نمانده، و هر غیر مؤمنی هر جا باشد مکشوف و رسوا شده؛ حتی اگر بیشت درخت یا صخره ای مخفی شود؛ آن شیء به اذن خدا به سخن آمده و خبر می دهد که این دشمن اینجا مخفی شده او را بگیرید.

○ راوی در پایان سخنان معصوم علیهم السلام از حضرتش می پرسد: من به فدایت، اگر قبل از وقوع این نشانه ها کسی از خاندان اهل بیت علیهم السلام قیام نمود؛ آیا ما نیز همراه او شویم و در قیامش شرکت کنیم؟ حضرت علیهم السلام در پاسخ فرمود: نه.

○ همچنین در این احادیث؛ به وقوع نشانه های دیگری نیز اشاره شده است: اختلاف اهل شام با یکدیگر، و حرکت جنبشهایی با پرچم سیاه از خراسان (بزرگ که امروزه در چند کشور واقع است). شورش سفیانی، و فرو رفتن زمین، و کشته شدن نفس زکیه، و قیام یمانی. (درباره روش استنتاج از این دسته علام، قبل نکاتی بیان شد).

²¹⁵ سوره الأنعام: ۱۵۸ آیات رَبِّكَ: در کلام خازنان وحی علیهم السلام آمده که: نشانه های پروردگار حضرات ائمه علیهم السلام هستند. بَعْضُ آیَاتِ رَبِّكَ: برخی از نشانه های پروردگار و "الآية المنتظرة" (نشانه مورد انتظار) حضرت قائم علیهم السلام است. يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آیَاتِ رَبِّكَ: روزی که می آید برخی از نشانه های پروردگار همان روز قیام حضرت مهدی علیهم السلام و رجعت است. اگر مسیر انکار قبل از آن داشته، ایمان در این وقت سودی ندارد. و ایمان به امامان گذشته علیهم السلام بدون ایمان به امام حاضر یعنی حضرت قائم علیهم السلام نیز سودی ندارد.

○ و از علام ظهرور بیان شده در توضیح آیه فوق و از نشانه های این روز (يَوْمَ يَأْتِي)

فُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغْيَرٌ

اللهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ * ۲۱۶

فُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَهَةً أَوْ جَهَرَةً هَلْ يُهْلَكُ

إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ * ۲۱۷

آنکه: خورشید از مغرب طلوع می کند، و نیز دابه الأرض، و خروج دجال، یأجوج و مأجوج، و دخان (دودی که در آسمان ظاهر شده و تمام آسمان زمین را فرا بگیرد)، و نزول عیسی علیہ السلام از آسمان و کشته شدن دجال بر دست حضرتش، و امامت نماز همه خلق توسط حضرت مهدی علیہ السلام و نمازو خواندن حضرت عیسی علیہ السلام پشت سر حضرت قائم علیہ السلام.

سورة الأنعام ۴۰: أَتَنَکِمْ السَّاعَة: در احادیث نبوي علیہ السلام شرح این آیه؛ به ارتباط آن با ظهور حضرت قائم علیہ السلام اشاره، و مقصود از "الساعة" قیامت صغیری (قیام حضرت قائم علیہ السلام) بیان شده، و رخداد ظهور به علام مهمه جهانی دهگانه قبل از آن مشروط بوده و اینکه "قیام حضرتش" بپی نمی شود مگر اینکه ده آیت الهی رخ دهد:

فرو رفتن زمین در مشرق، فرو رفتن زمین در مغرب، فرو رفتن زمین در جزیره العرب، بیرون آمدن آتشی عظیم از قعر سرزمین عدن که سوق می دهد مردم را به محل اجتماع همگانی ظهور، آنچنان که هرچه هست جمع شود حتی مورچه و (هر موجودی ولو بقدر) ذرّ.
تذکر: بجهت اختصار؛ سعی می کنیم هر نشانه ای که در توضیح آیات قبلی آمده را تکرار نکرده؛ و تنها موارد ذکر نشده را بیاوریم.

سورة الأنعام ۴۷: عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَهَةً أَوْ جَهَرَةً: مقصود از "عذاب الهی ناگهانی" همانا ظهور حضرت قائم علیہ السلام است که قیام حضرتش عذاب الهی است که غفلتا سراغ کافران می آید، مقصود از "عذاب الهی آشکار" و قایع عظیمه ای است که قبل از ظهور رخ می دهد و بر همگان آشکار است، ذکر آنها در شرح آیات قبلی و بعدی این فصل آمده و خواهد آمد.

لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخَزِيِّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعِذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى

وَهُمْ لَا يُنَصِّرُونَ * ٢١٨

فَلَوْلَا كَاتَ قَرِيْةً آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُؤْنِسَ لَمَّا آمَنُوا

كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخَزِيِّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينِ * ٢١٩

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ

تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ

كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ * ٢٢٠

218 سوره فصلت ١٦: عذاب الخزي: يعني خواري و رسوبي بسيار که در حد عذاب الهی است، در کلام خازنان و حی لایللا آمده که مقصد از آن: مسخ شدن دشمنان حق (نواصب) است که قبل از ظهرور حضرت قائم لایللا رخ می دهد، شخص میان خانواده اش نشسته و ناگهان مسخ می شود، بطوريکه همه مطلع شده و نزديکانش بر او ضجه و شيون کنند.

219 سوره یونس لایللا ٩٨: عذاب الخزي: اشاره به نجات قوم یونس از عذاب مسخ است، در کلام خازنان و حی لایللا آمده که قبل از قیام حضرت قائم لایللا برای برخی طوائف عذاب مسخ نازل می شود.

220 سوره الأنعام ٦٥: در کلام خازنان و حی لایللا آمده که این آیه شرife حوادث نزدیک ظهر حضرت قائم لایللا که برای مسلمانان و اهل قبله رخ می دهد را توضیح می دهد: عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ اشاره به "دخان و دود عظیم در آسمان زمین" و "صیحه آسمانی" و "حکام جائز بر مسلمانان" دارد، أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ اشاره به "خسف و فرورفتan زمین" أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا اشاره به "اختلاف مذهبی و تعدی برخی فرق به سایر مسلمین" وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ اشاره به "حمله برخی فرق به سایر مسلمین و کشتار ایشان" دارد.

وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمَحَالِ * ۲۲۱



الْأَخِلَّاءِ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌ إِلَّا الْمُتَقِينَ * يَا عِبَادَ لَا
خُوفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَخْرُنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا

مُسْلِمِينَ *

221 سوره رعد: شدید الحال: در کلام خازنان و حی علیہ السلام از حدیث مولا علی علیہ السلام در علام نزدیک ظهور آمده است که: پیش روی (نزدیک ظهور) قائم علیہ السلام سالهای فریبند است شخص راستگو تکذیب شده و شخص دروغگو تصدیق شده و فرد مکار مقرب واقع می گردد، و این آیه را در توضیح مطلب تلاوت فرمود. از بیان حضرت استفاده می شود که در این سالها مکروه حیله در برابر مسیر حق شیع داشته و کسانی که با الفاظ صراحتاً جذاب ولی توخالی شعارهایی غیر واقعی می دهند میدان دار می شوند، همچنانکه امروزه هم می بینیم حکام ظالم عالم به اسم "دمکراتی و عدالت و حقوق بشر" بر ملتها حکومت؛ و خلافهایشان را پوشش می دهند. از انتهای آیه شریفه استفاده می شود که این تلاشها سرانجام موفقی نداشته و در برابر شان خداوند با نیرنگ شدید بوده و شرشان را به خودشان بر می گرداند.

222 سوره الزخرف ۶۹: الأَخِلَّاءُ ... عَدُوُ: آیات قبلی درباره "الساعة" و ایام نزدیک ظهور حضرت قائم علیہ السلام است، و در این آیه نیز توضیح شرایط و فضای زمان آنرا بیان می کند (یومئذ) فلانا سیاق این آیه با موضوع آیات قبلی ارتباط داشته و درباره حوادث ظهور است. خداوند در این آیه می فرماید: در این روز دوستان نزدیک، با یکدیگر دشمن می باشند مگر همان متقین، ای بندگان من؛ امروز هیچ نگرانی بر شما نیست، و شما محزون نمی شوید، آنانکه ایمان به آیات و نشانه های ما آوردند و تسلیم حق بوده اند.

قبل این شد که "همان متقین" مؤمنین به امام غائب علیہ السلام بوده، که در ادامه آیه فوق به (ایمان به آیات و نشانه ها و تسلیم حق) توصیف شدند، که در اوصاف یاران و پیروان راستین حضرت علیہ السلام آمد، و نیز منظور از "آیات الهی" نشانه های عظیم قبل ظهور است؛ از

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدٍ

۲۲۳ * **يَوْمٌ عَظِيمٌ**

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمٍ

۲۲۴ * **أَلَيْسَ**

اینها معلوم می شود که این آیه شریفه نیز در مقام بیان برخی اوصاف زمانه قبل از ظهر بوده که تنها متین مؤمن به حضرت و نشانه های الهی از این گرفتاریها می توانند مصون بمانند.

۲۲۳ **سورة مریم ۳۷: فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ...مَشْهَدٌ يَوْمٌ عَظِيمٌ**: در کلام خازنان وحی عليه السلام از حدیث حضرت امام بافق عليه السلام آیه فوق را مربوط به جنگهای شدید قبل از ظهر عليه السلام حضرت قائم عليه السلام ذکر شده است، از جمله آنها برخی مربوط به حوادث شام بود که قبل از بیان شد، واقعه ای که در این حدیث اشاره شده: شورش مردی از بني ذنب الحمار به همراهی قبیله مضر و کشته شدن وی بوسیله سفیل سفیلی بعد از غلبه بر آنها. بني ذنب الحمار: در کتب حدیث و شروح آن و نیز مؤلفات مربوط به عالیم آخر الزمان؛ برای این تعبیر توضیحی نیامده است، اما ظاهرا اشاره به بني مروان است، "الحمار" (الاغ) لقب مروان آخرين خلifie اموی بوده، و "ذنب" (دم) کنایه از فرزند اوست، وی از قبیله مضر محسوب می شود، ولذا همراهی قبلیه مضر با او از این جهت بوده است، اگرچه بني العباس به هلاک خاندان اموی اهتمام داشتند، ولی این به معنی ریشه کن شدن آنها نبوده، و هنوز از ذریه امویان خاندانهای بسیاری هستند، از جمله ایشان "المراونة" در مصر، که مروان حمار به آنجا فرار و در آنجا کشته شد.

۲۲۴ **سورة الزخرف ۶۵: فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ**: در کلام خازنان وحی عليه السلام این آیه بیان آشوبهای قبل از ظهر حضرت مهدی عليه السلام می باشد. از حضرت مولا علی عليه السلام درباره این مقطع آیه پرسیده شد، فرمود: با وقوع سه نشانه؛ فرج و گشایش (ظهور حضرت قائم عليه السلام) را منتظر باشید: اختلاف میان اهل شام، پرچهای سیاه از خراسان، دهشت در ماه رمضان، و چون از اخیر سوال شد، حضرتش آنرا صیحه آسمانی توصیف نمود، و شرح آن قبلا گذشت.

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ * يَغْشَى النَّاسُ هَذَا
 عَذَابُ أَلِيمٍ * رَبَّنَا أَكْسِفَ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ * أَنِّي لِهُمُ الدَّكْرُ
 وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ *

سوره الدخان ۱۳-۱۰: دخان مبین: بخاطر ذکر آیت عظیم "دخان مبین" است که سوره مبارکه "دخان" بدين نام موصوف و معروف گردیده است. این نشانه از چند علامت عظیم مربوط به فرار سیدن ظهرور است، و آن دودی است که در آسمان ظاهر شود، و نور خورشید را بپوشاند، و میان زمین و آسمان را پر کند، و چهل روز باقی بماند، این دود نه بر گیاه نه بر حیوان نه محیط زیست تأثیری منفی ندارد، و فقط بر انسانها تأثیری می گذارد، و مؤمن از کافرو و فاجر تمیز یابد، و تظاهر به ایمان نفعی ندارد، در اثرش مؤمن به زکام مبتلا شده، و کافرو و فاجر سرش بجوشد همچون کله ای که بر آتش بربان کنند، و دود از همه منافذ بدنش بیرون آید و چون مست تلو تلو بخورد.

البته آیت دخان به نحو دیگری نیز قبل از هجرت رخ داده است، وقتی که مشرکین انکار حق و آزار فرستاده خداوند را شروع کردند، حضرت پیامبر ﷺ در حق اهل کافران نفرین کرد که: خدا سالهای تنگی و خشکی دوران یوسف را نصیب‌شان کند، هفت سال قحطی آمد، و همه جا خشکی و بی حاصلی و حرارت هوا بود، بطوریکه از ناداری مردم کافر حشرات و استخوان پوسیده و مرداری خوردند، و کافران چون به آسمان نگاه می کردند، همه جا راتار و دود می دیدند، ابوسفیان آمد خدمت حضرت و عرضه داشت که: تو مبعوث به صله رحم و رحمت شده ای و دعا کن این بلا برطرف شود، حضرت شش دعا فرمود و باران بارید و قحطی برطرف و همه جا خرم و نعمت فراوان گردید. ولی مشرکان دوباره به رویه سابقشان بازگشتند، ولذا خداوند می فرماید که: مدت اندکی آنها را رها کردیم و وعده انتقام به آنها می دهد، که در واقعه بدر محقق گردید، با همه این نفاسیل این دخان خفیف بجز دخان عظیم قبیل از ظهور است که فوقاً بدان اشاره شد.

سَأْلَ (سَأْلَ) سَأْلَ (سَأْلُ - سَيْلُ) بِعَذَابٍ وَاقِعٌ * لِكَافِرِينَ

لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ * ۲۳۶

سوره المعارض ۲-۱: سَأْلَ سَأْلَ (قرائت مأثور): سيل آتش، از حوادث نزديک ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

در کلام خازنان و حبی الله علیه السلام از حدیث حضرت امام باقر علیه السلام آمده است که از جابر عجفی پرسید: چگونه می خوانند این آیه را (قراء کوفه)? عرض کرد: سَأْلَ سَأْلَ بعذاب واقع، حضرت فرمود: این (سَأْلَ سَأْلَ بعذاب واقع) نیست، بلکه آن هست: (سَأْلَ سَأْلَ بعذاب واقع)، و مقصود از آن آتشی است که از نزدیک کوفه (بسیوی دشمنان) سرازیر شده، پس و نمی گذارد احدی از دشمنان آل محمد علیهم السلام را مگر اینکه او را بسوزاند، و در حدیث حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که: این واقعه قبل از ظهور حضرت قائم علیه السلام رخ می دهد.

سَأْلَ سَأْلَ (سَأْلُ - سَيْلُ) بِعَذَابٍ وَاقِعٌ: این قرائت جزو قراءات قرآنی حضرات اهل بیت علیهم السلام در مصادر علم قراءات ثبت شده است، همچنین از میان صحابه: أبي بن كعب و ابن عباس و عبد الله بن مسعود، و از میان قراء بزرگ: قراء مدینة و شام و کوفه، و نافع مدنی و ابن عامر و حمزة و أبو جعفر وأعرج و ابن كثير و ورش و اصبهانی، نیز همین قرائت را داشته اند.

سَأْلَ سَأْلُ بِعَذَابٍ وَاقِعٌ: بر اساس قرائت رایج؛ معنای این فقره می شود: پرسید پرسشگری، (از ریشه سَأْلَ).

سَأْلَ سَأْلَ (سَأْلُ - سَيْلُ) بِعَذَابٍ وَاقِعٌ: بر اساس قرائت حضرات اهل بیت علیهم السلام و صحابه و بزرگان قراء؛ معنای این فقره می شود: سیلان پیدا کرد و سرازیر و جاری شد؛ سيل آتش گداخته اي، (از ریشه سَيْلَ).

حتَّىٰ إِذَا فُتَحْتُ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ * 

وَاقْرَبَ الْوَعْدُ الْخُțُقُ فَإِذَا هِيَ شَاهِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ

كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ * ۲۳۷

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلُ مُسَمٌّ عِنْدَهُ 

ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْرُونَ * ۲۳۸

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ 

يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا * ۲۳۹

۲۲۷ سوره الأنبياء ﴿٩٦-٩٧﴾: از وقایع نزدیک ظهر حضرت قائم علیہ السلام شکسته شدن سد یأجوج و مأجوج و سرازیر شدشان به دنیاست، که سبب حیرت و مات و مبهوت شدن کافران می شود، چه اینکه آنان قبل از این؛ هم وعده راستین الهی ظهرور را منکر بودند، و هم نشانه های عجیب آن مانند یأجوج و مأجوج را، و این جاهلان در قدیم و امروز؛ وجود آنها را باور نداشتند؛ و حتی بعضا با ظاهري مسلمان؛ آیات قرآنی و احادیث شریفه صریح مربوط به آن را؛ به مفاهیمی سیاسی یا نمادین تعبیر می کنند.

۲۲۸ سوره الأنعام: قضی اجلاء: در کلام خازنان و حی علیہ السلام از حدیث حضرت امام باقر علیہ السلام در تبیین این آیه شریفه آمده است که حضرتش ضمن بیان اقسام "اجل و مهلت الهی" فرمود: این فقره "قضی اجلاء" به "اجل محتموم" اشاره داشته، و خروج سفیانی از اجل محتموم است.

۲۲۹ سوره طه ﴿١١٣﴾: أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا: در کلام خازنان و حی علیہ السلام در تبیین این مقطع از آیه شریفه آمده است که مقصد از آن چنین است: آنچه رخ می دهد از وقایع مربوط به قیام حضرت قائم علیہ السلام، و حوادث قبل از آن: مانند شورش سفیانی.



يَا أَيُّهَا النَّاسُ اْوَتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِهَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّنْ

قَبْلِ اَنْ نَظِمَسْ وُجُوهًا فَتَرَدَّهَا عَلَى اَدْبَارِهَا *

۲۳۰

سوره النساء ۴۷: مِنْ قَبْلِ اَنْ نَظِمَسْ وُجُوهًا فَتَرَدَّهَا عَلَى اَدْبَارِهَا: در کلام خازنان وحی طه از حدیث حضرت امام باقر علیه السلام آمده است که: این آیه شریفه در شان واقعه خسف و فرورفتن ارتش سفیانی در بیرون مدینة و زنده ماندن سه نفر ایشان در حالیکه رویهایشان به قفا برگردانده شده و خبر نزول این عذاب را به مردم می رسانند، و این واقعه در وقتی است که سفیانی به مدینة منوره حمله کرده، و حضرت مهدی علیه السلام از مدینه منوره برای علی نمودن قیام و آغاز ظهور از کنار کعبه؛ به مکه رفت، و از آنجا مأموریت الهی را شروع می فرماید. خداوند در این آیه می فرماید که: ایمان بیاورید قبل از این که واقعه (به قفا گرداندن صورتها) رخ دهد.

○ همچنین در این حدیث؛ برخی از حوادث مقدماتی قبل از واقعه حمله به مدینه منوره نیز اشاره شده، از جمله آنهاست: منادی آسمانی، رسیدن صدای فتح از دمشق، فرورفتن زمین در جاییه (درعا) شام، (فروریختن) برخی از مسجد دمشق، و شورش خوارج از جانب ترک، و به دنبال آنها هرج و مرج طلبانی از روم، و پیشروی برادران ترکها تا فرود در جزیره شام (شرق حلب)، و پیشروی خوارج روم تا رملة، ویرانی شام از شورش و درگیریهای اصحاب (زرد رو) و ابیع (آبله رو) و سفیانی (از ذریه ابوسفیان)، و غلبه اخیر بر آندو، و ارسال سفیانی لشکری به عراق و کشتار و جنایت در آنجا، و شورش خراسانی بسوی عراق، و سرکوب قیام ضعفای کوفه توسط سفیانی، و سپس حمله وي به مدینة منوره و کشتار در حریم نبوی علیه السلام و فرود لشکر سفیانی در وادی بیداء بیرون مدینه، و فروبردن زمین؛ آنها را.

توضیح: در بررسی این احادیث؛ افزون بر نکات سابق الذکر؛ باید واقعیت عینی و مبتنی بر آن؛ فضای ذهنی و برداشت مخاطبین زمان نزول وحی و صدور کلام خازنان وحی طه را نیز در نظر گرفت، و از جمله آنهاست جغرافیای تاریخی و انسانی آن زمان؛ مثلا: روم مقصود روم بیزانس که در آنوقت در ترکیه امروز مستقر بوده، و ترکها هنوز در آنجا ساکن نشده، و سرزمین ترک به نواحی قفقاز و شمال خزر و روسیه امروز اطلاق می شده است، و "برادران ترک" چه بسا مقصود مردمان مجاور ایشان در نواحی شمال شرق ترکیه امروز بوده اند.

﴿ وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ
 وَلَتُعْلَمَنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا
 أُولَئِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولاً * ثُمَّ رَدَدْنَا
 لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ تَفِيرًا
 * إِنَّ أَحْسَنَتُمْ أَحْسَنَتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَأَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ
 الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلَيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ
 وَلَيُتَبَّرُوا مَا عَلَوْا تَتَبَّرِيرًا * عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدُّنَا
 وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا * ۲۳۱

سوره الإسراء ۴-۶: فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ: عمليات يافتن ودفع دشمنان حق؛ قبل از ظهور حضرت قائم عاشلله.

○ خداوند در این آیات می فرماید: در کتاب (الهی) مقدر نمودیم و به بنی اسرائیل خبر دادیم که: حتما شما (یهودیان و یهود و شان) دو بار در زمین افساد (جنایت و کشتار) می کنید، و هر آینه به سرکشی بزرگی (سخت ظالمانه) دست می یازید. پس چون وقت انتقام الهی از اولین دو جنایت (شما) برسد، ما بندگان خاص خدمان؛ که دارای کوبندگی و صلابت در عملکرد و (برای مجرمان) نگرانی و سختی آور بوده را بر ضد شما برانگیزانیم، پس سرزمینها و خانه ها را بجویند و بگاوند تا کسی از شما نزهد، و آن وعده انجام شده و حتمی است.

آن گاه برگردانیم کرت (بازگردانی و رجعت) را؛ برای شما (بندگان خاص خدا و اهل حق) بر عليه آنها (یهود)؛ و شما را با اموال و پسرانی امداد دهیم، و شما را دارای بیشترین (قدرت) بسیج قرار دهیم. اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید باز به خود کرده اید. و آن گاه که وقت انتقام الهی از آخرين (جنایت شما) برسد، و وعده زندگی دیگر (دولت

حضرت مهدی علیه السلام) فرا رسد، باید که ایشان (حضرت قائم علیه السلام و اصحابش)؛ چهره های شما (يهودیان و یهود و شان) را از وحشت و غم و یأس بد کنند، و (فاتحانه) وارد مسجد الحرام می شوند؛ همانطور که (حضرت رسول الله علیه السلام و یارانش) در اولین بار (فتح مکه) واردش شدند، و (بعد از آن)؛ هر که را (از دشمنان) برآن دست بیابند از بین ببرند. و این چنین باشد که پروردگارتان بر شما (اهل حق) رحمت آورد. و (ای دشمنان) اگر تعدی کنید، بر شما می تازیم، و قراردادیم جهنم را زندانی برای کافران.

○ **تذکر مهم در درایت آیات قرآنی:** ذکر وقایع امتهای پیشین در قرآن کریم صرفا برای خبر یا موعظه و عبرت تنها نبوده، چه اینکه احوال امم سابقه که موعظه و عبرت باشد؛ بسیار فراتر از اخبار بیان شده در قرآن کریم است، اما سبب اکتفای به وقایع مذکوره آنست که: آن احوال و کردارها عینا یا با تفاوتی جزئی؛ مجددا در امت اسلام رخ خواهد داده؛ فلذاست که با بیان "نظیر اتفاق افتاده" آنها در دوره های قبل؛ مسلمین را پیش از موعد ابتلا؛ بطور محسوس و ملموس آشنا نموده؛ تا اینکه امت اسلام شاید کتر گرفتار آن لغزشها و اخراجات بشوند، ازین رو وقایع (مورد اشاره) که قبل از میان بنی اسرائیل و یهود قبل اسلام رخ داده؛ مجددا در میان مسلمین واقع می گردد. فلذاست که وقایع مذکور در آیات فوق؛ بجز مصاديق گذشته آن (قبل از اسلام)؛ همچنین مصاديقی جدید در دوران اسلام و پس از نزول این آیات شریفه دارد، که نه تنها از این مصاديق غفلت نشده؛ بلکه باید بیشتر مورد توجه و نصب العین مسلمین باشد؛ چه اینکه علت غائی و هدف نهائی از نزول این آیات قرآنی است. و بیان همین موارد است که مانند گذاردن نقطه بر روی حروف بوده، و سبب بیرون آمدن آیات قرآنی از ابهام و اجمال؛ واضح شدن معانی و مقاصد کلام و حی گردیده، و قرآن کریم را میان امت اسلام زنده نگه می دارد. ازین رو می بینیم که حضرات اهل بیت علیهم السلام که قرآن ناطق و خازنان و حی مبین هستند، در تبیین آیات قرآنی روی تذکر و بیان همین نوع مصاديق تأکید دارند، همچنانکه حزب باطل و مبلغین و مفسرین شان؛ پیوسته در مقام تغافل و تجاهل این حقایق؛ و برنه کردن قرآن کریم از آن بوده، تا کلام حق را در نظر خلق؛ مجموعه ای از مطالب کلی یا تاریخی گذشته (مریوط به زمانهای گذشته و یا صدر اسلام) بنمایانند.

○ در کلام خازنان وحی ﷺ در تبیین این آیات شریفه آمده است که: مقصود از آن دو بار جنایت یهود؛ (یکی) تمام آنچه کردند از دشمنی با پیامبر ﷺ و برانگیختن توطئه ها و جنگها بر علیه حضرتش؛ تا غصب خلافت بعد از او؛ و گمراه کردن و بازداشت مسلمانان از اهل بیت وحی ﷺ؛ تا ایجاد فتنه ها و جنگهای جمل و صفين و نهروان و کشنن حضرت امام علی بن ابی طالب ﷺ و زخمی نمودن حضرت امام حسن عسکری است، و جنایت دیگری که (به توصیف حق تعالی) سرکشی بزرگ بوده؛ کشنن حضرت امام حسین عسکری و یاران و اسیری بردن خاندان اوست، پس هنگامی که زمان پیروزی خداوند و پیروزی خون امام حسین عسکری برسد، خداوند گروهی را (که حضرت قائم علیله السلام و اصحابش باشند) به این کار بگمارد، و این قبل از قیام و ظهور جهانی حضرتش باشد، پس ایشان احادی از دشمنان آل محمد ﷺ را رهان نکرده؛ مگر اینکه او را بکشند، و این امر همان وعده الهی است که انجام شده و حتمی است، و مقصود از آن (وعده انجام شده و حتمی) قیام حضرت قائم علیله السلام است، (یعنی که "عملیات یافتن و دفع دشمنان حق" به ظهور منتهی می شود)، و خداوند انتقام جنایت بزرگتر را؛ با ظهور جهانی حضرت مهدی علیله السلام و فتح مسجد الحرام بوسیله او و یارانش؛ می گیرد، و سپس با رجعت حضرت امام حسین علیله السلام و یارانش؛ و یقین همه مردم به بازگشت ایشان؛ حضرت قائم علیله السلام رحلت فرموده؛ و حضرت امام حسین علیله السلام متولی امور می شوند. **و در باره آیه آخر اینطور تبیین شده است: و (ای بنی اسرائیل) اگر تعدی کردید بوسیله سفیانی**، ما با قیام حضرت قائم علیله السلام؛ بر شما می تازیم.

○ **رفع ابهام:** بنا بر ثبت تاریخ، بیشتر جنایات و توطئه ها چه قبل از وفات پیامبر ﷺ چه بعد آن؛ از سوی بنی امیه طراحی یا مدیریت و اجرا شده است، و با توجه به اینکه اینان قبل از فتح مکه از مشرکین بوده، و بعد فتح مکه تظاهر به اسلام داشته؛ و از نظر تبارشناسی هم جزو قریش و اولاد اسماعیل علیله السلام محسوب می شوند؛ پس چگونه است که عاملان جنایات مورد اشاره در آیات فوق؛ با اینکه در نص کلام وحی به "بنی اسرائیل نسبت داده شده؛ اما در تبیین خازنان وحی ﷺ صریحا به امویان نسبت داده می شود؟ یا مقصود از آن جرائمی معرفی شده که عاملانش بنی امیه بوده اند؟ در پاسخ اگر چند نکته ملاحظه شود؛ ضمن رفع ابهام؛

رازگشا بودن کلام خازن وحی از اسرار و حقایق کلام وحی نیز بیشتر معلوم می‌گردد:

اولاً: قرآن کریم به پیامبر ﷺ می‌فرماید: دشمنترين مردم نسبت به تو و اهل ایمان، یهودیان هستند. ولنا می‌بینیم که بجز توطئه‌ها و جنگهایی که یهود رسماً بر علیه اسلام داشته‌اند، همواره برنامه‌ریز و محرک اعراب مشرک جاهلی بر ضد پیامبر ﷺ نیز بوده‌اند، شرح اقسام این شرارت‌ها و توطئه‌ها و جنایتها خود فصل مستقل بلکه کتاب جداگانه‌ای می‌طببد، که از جمله جنایات آنها: مسموم نمودن مکرر حضرت رسول الله ﷺ است، که در آخرالامر هم در اثر یکی از این موارد، حضرتش بشدت بیمار و از دنیا رحلت فرمود.

ثانیاً: همانطور که در سؤال اشاره شده بود، بیشتر جنایات را بنی امية بر نامه ریزی یا مدیریت و اجرا نموده‌اند، که ایشان نیز خود تباری یهودی داشته‌اند. برخلاف مشهور میان عوام (که ناشی از القاءات امویان بوده) بنی امية از نظر تارشناسی خویشاوندی با بنی هاشم نداشته‌اند، و در ریشه نسب با ایشان یکی نبوده، و از اولاد اسماعیل ﷺ نمی‌باشد، به گواهی قرآن بنی امية به "شجرة ملعونة" توصیف شده‌اند، در حالیکه در کلام وحی، حضرات آل محمد ﷺ به شجره طيبة موصوف هستند، و مکن نیست شجرة خبیثة و شجرة طيبة از یک ریشه باشند.

حضرت مولا علی علیه السلام نیز در پاسخ مکتویش به معاویه، عدم پیوند نسی آنها را تصريح نموده‌اند. نیای امویان (که بدو هم منسوبند) "امیة" بوده است، وی غلامی روی؛ از تباری یهودی بوده، که در کودکی توسط عبد شمس بن عبد مناف از شام خریداری شده؛ و به فرزندخواندگی وی بدو منسوب شده (امیة بن عبد شمس)، و به میان خاندان عبدمناف راه یافته و از اینجا منتبه به قریش گردیده است، بلکه خداوند در قرآن کریم ضمن اشاره به ریشه‌های اسرائیل "نه تنها صحیح و دقیق بوده، بلکه خداوند در قرآن کریم ضمن اشاره به ریشه‌های یهودی آنها؛ جایگاهشان در برابر حق را؛ همان جایگاه جنایتکاران یهود عتیق قرار داده است.

ثالثاً: در آیات اول سوره روم؛ و ارتباط آن به بنی امية نیز دلالتی بر موضوع "تبار روی" ایشان است، که بعداً به آن اشاره شود.

در مباحث یهودشناسی نوعی یهود به نام "يهود مخفی" مطرح است، که همواره با تظاهر به اسلام در صد نابودی آن بوده‌اند، و در شرح تأثیر منفی و شرارت‌هایی مخفیشان با ظاهري

مسلمان در میان مسلمین برای تحریف اسلام و منحرف کردن مسلمانان از اسلام ناب
محمدی ﷺ؛ کتابها نوشته شده است، و بنی امية از این قسم یهود محسوب شده اند، پیوند
تاریخی و مستمر حزب و مسلک اموی با یهود؛ تا به امروز برقرار و معروف بوده است، و
خاندانهای یهودی تباری مانند حکام سعودی و قطری و زمامداران وهابیت و هم مسلکان
ایشان؛ و واپستگیشان به طواغیت یهودی جهان؛ و نقشان در تفرقه میان مسلمین؛ و
جنایات و کشتارشان در بلاد اسلامی؛ بر مردمان قرن اخیر تا به امروز معلوم و بر همگان
مشهود بوده، و از شواهد اعجاز قرآنی در رسوایی این قوم ی باشد.

○ **ادامه شرح و تبیین آیات**: از اینکه شروع عملیات "کاوش و دفع دشمنان حق" قبل از
ظهور و آشکار شدن امر حضرت قائم علیہ السلام می باشد؛ فلذا بنظر می رسد که این عملیات بطور
مخفي انجام می پذیرد، و تنها با ادامه و گسترش آن؛ آشکار می شود، ولذاست که سفیانی در صدد
منع و توقف آن برآمده؛ و مرجع این عملیات و مکان (حضرت مهدی علیہ السلام) را شناخته؛ و به
مدینه متوره لشکرکشی می نماید، و همین امر منتهی به ظهور جهانی حضرتش می گردد، آیه
آخر در کلام خازنان وحی پاپلیلا اینطور تبیین شده است: و (ای بنی اسرائیل) و اگر تعدی
کردید بوسیله سفیانی، ما با قیام حضرت قائم علیہ السلام؛ بر شما می تازیم.

○ **حل معضل عوام**: عامه ناس که به نقیصه تفسیر قرآن کریم بیرون از تبیین خازنان
وحی پاپلیلا مبتلا بوده و از انوار آن بی بهره اند، در فهم احادیث علائم ظهور مبتلا به معضل
بزرگی هستند، چونکه در آنها آمده: ۱- خروج سفیانی قبل ظهور است. ۲- سفیانی قبل از
ظهور در تعقیب حضرت مهدی علیہ السلام به مدینه لشکرکشی می کند. ۳- امر الهی ظهور در يك
شب برنامه ریزی و فرمان داده می شود. آنها به این معضل گرفتار می شوند که: حضرتش که
تا قبل ظهور از مکه مستور است؛ چطور مورد تعقیب سفیانی واقع شده؟ بحدی که لشکری
را برای این امر به مدینه می فرستد؟! و چطور سفیانی قبل از ظهور حضرت تعقیبشان می
کند؟ این معضل با توجه به کلام خازنان وحی پاپلیلا در شرح آیات قرآنی فوق ببرطرف می شود.
چه اینکه تنها تبیین ایشان است که وقوع عملیات "کاوش و دفع دشمنان حق" توسط حضرت
و اصحابشان قبل از ظهور؛ و تعقیب آن بوسیله لشکر سفیانی را توضیح می دهد.

سُرِّيْهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ

الْحَقُّ ^{۲۳۲}*

أَفَأَمَّنَ الَّذِينَ مَكْرُوْلَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ

يَأْتِيْهِمُ الْعَدَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ * أَوْ يَأْخُذُهُمْ فِي تَقْلِيْهِمْ فَمَا هُمْ

بِمُعْجِزِيْنَ * أَوْ يَأْخُذُهُمْ عَلَى تَخْوِيْفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ^{۲۳۳}*

سوره فصلت ۵۳: سُرِّيْهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ: در تبيين خازنان وحي بِهِمُ الْأَرْضَ از اين آيات شريفه آمده است که: اين نشانه هاي الهي سه چيز است: خسف و مسخ و قذف، و اينکه نشان دادن آيت الهي در آفاق: آشكار شدن قدرت الهي در سراسر زمين با حوادث عظيمه؛ و بروز فتن در بلاد مختلف زمين؛ و بروز کاستيهها از هرسوي ايشان بوده، و اما نشان دادن آيت الهي در انفس: همان مسخ در جان دشمنان حق است، و نيز خداوند به ايشان نشان مي دهد غرائب و عجائبی را؛ پس مي بینند قدرت الهي را در آفاق زمين و جانهاييشان، تا اينکه بر ايشان آشكار مي گردد که: حضرت قائم عَلَيْهِ الْحَمْدُ همان حق است، و قيام و ظهور او؛ امر بر حقی از جانب خداوندست، بطوریکه همه خلائق مي پذيرند که: قيام و ظهور حضرتش امري لازم و حتی بوده؛ و هیچ گرزيي از آن نیست.

سوره النحل ۴۵-۴۷: أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ: در تبيين خازنان وحي بِهِمُ الْأَرْضَ از اين آيات شريفه آمده است که: فروبردن زمين لشکر سفياني را در وادي بيداء بیرون مدینه منوره؛ در اين آيه اشاره شده و مقصد از آن مي باشد.



دعاي بعد از تلاوت

حضرت إمام علي عليه السلام در پایان تلاوت قرآن این دعا را می خوانندند :

* اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي * وَاسْتَعْمِلْ
بِالْقُرْآنِ بَدْنِي * وَنَورْ بِالْقُرْآنِ بَصَرِي * وَأَطْلِقْ
بِالْقُرْآنِ لِسَانِي * وَأَعِنِّي عَلَيْهِ مَا أُبَقِّيَتِي * فَإِنَّهُ لَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِخْبَاتَ
الْمُخْبِتِينَ * وَإِخْلَاصَ الْمُوقِنِينَ * وَمَرَافِقَةَ الْأَبْرَارِ
وَاسْتِحْقَاقَ حَقَائِقِ الإِيمَانِ * وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ
إِثْمٍ * وَوُجُوبَ رَحْمَتِكَ * وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ
وَالْفُوزَ بِالْجَنَّةِ وَالثَّجاَةَ مِنَ النَّارِ *

قرآن کریم به ترتیب معانی - کتاب حضرت مهدی علیه السلام

ص	عنوان	ت
۳	روش معصومین علیهم السلام در تعلیم و تبیین قرآن کریم (ترتیب معانی)	۱
۳	ابواب معانی قرآن کریم	۲
۳	برکات و فواید تلاوت و تعلم و تعلیم مصحف ترتیب معانی	۳
۶	صدھا آیه قرآنی مرتبط با حضرت صاحب الزمان علیہ السلام	۴
۶	ارتباط آیات قرآنی با امام زمان برگرفته از خازنان وحی علیهم السلام	۵
۶	ارتباط آیات قرآنی با امام قائم علیه السلام در احادیث همه مذاهب	۶
۷	تدوین قرآن کریم به ترتیب معانی - کتاب حضرت قائم علیه السلام	۷
۷	پیش نیاز علمی بهره مندی کامل از مصحف ترتیب معانی	۸
۱۰	دعای قبل از تلاوت	۹
۱۲	بخش (۱): سرآغاز تلاوت قرآنی درباره حضرت بقیة الله علیهم السلام	۱۰
۱۷	بخش (۲): معرفت به ساحت حضرت وجوه الله علیهم السلام	۱۱

۲۴	بخش(۳): اسماء و اوصاف قرآنی حضرت مهدی علیه السلام	۱۲
۴۰	بخش(۴): ولادت حضرت محمد بن الحسن العسكري علیه السلام	۱۳
۴۴	بخش(۵): دوران پنجمی و بی‌ثانی حضرت امام مستور علیه السلام	۱۴
۴۹	بخش(۶): انکار و تردید درباره حضرت قائم علیه السلام	۱۵
۶۷	بخش(۷): ایمان و صبر و استحامت و انتظار در عصر غیبت و پیش از ظهور	۱۶
۸۱	بخش(۸): یاران راستین حضرت امام زمان علیه السلام	۱۷
۹۱	بخش(۹): تاریخ ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام	۱۸
۱۰۵	بخش(۱۰): وقایع و نشانه‌های نزدیکی ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام	۱۹
۱۳۴	بخش(۱۱): وقایع ایام ظهور حضرت قائم آل محمد علیهم السلام	۲۰
	بخش(۱۲): دولت حضرت مهدی موعود علیه السلام	۲۱
	دعای بعد از تلاوت	۲۲
	فهرست مطالب کتاب	۲۳
والحمد لله رب العالمين		

بِحُول وَقُوَّةِ الرَّحْمَنِ وَعِنْيَتِ حَضْرَتِ وَجْهِ الْلَّهِ
مَصْحَفُ شَرِيفٍ بِرِتْبَيْبِ مَعَانِي
قُرْآنٌ كَرِيمٌ - كِتَابٌ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اوّلین تدوین: تن آیات مبارکه قرآنی در ابواب مختلف معرفت مهدوی علیهم السلام

منتشرشده: نسخه ۳ (مشتمل بر حدود ۶۰۰ آیه قرآنی از مصحف معانی بخط عثمان طاحا)

دوّین تدوین: تن مصحف معانی همراه با اشاراتی از کلام خازنان وحی علیهم السلام

در بیان ارتباط آیات کلام وحی با ابواب مختلف معرفت مهدوی علیهم السلام

انتشار: نیمه شعبان ۱۴۳۳

سومین تدوین: معرفت مهدوی در کلام وحی از بیان خازنان وحی علیهم السلام

منتشرشده: جزء اول (سوره فاتحة الكتاب)

إِنَّهُ هُوَ الْمُوْفَّقُ الْمُعِينُ أَمِينٌ رَبُّ الْعَالَمِينَ

پژوهشگدها و آموزشگدهای بنیاد حیات اعلیٰ

علوم معرفت‌الهی - علوم زبان و حی - علوم کلام و حی
علوم تلاوت کلام و حی - علوم کلام حازنان و حی - علوم فقه آئین‌الهی
علوم تقویم بحوم سجیم - علوم پاکزیستی - علوم طب جامع
آموزش برتر (اعلیٰ) - دانش برتر (اعلیٰ) - علوم توانمندی به نیروی الهی
علوم تبارشناسی - رسانه‌های حیات اعلیٰ - علوم عمارت برتر (اعلیٰ)
طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دارالمعارف الإلهیة

۱۴۳۳

<http://Aelaa.net>
aelaa.net@gmail.com

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ